

**Ketabton.com**



اکادمی علوم افغانستان  
مرکز زبانها و ادبیات  
انستیتوت زبان و ادب دری



# فرهنگ مختصر

دری - پښتو

مهتم: معاون محقق محمد متین « مؤنس »

کابل: زمستان ۱۳۸۴ خورشیدی.



### مشخصات کتاب:

- نام اثر : فرهنگ مختصر دری - پښتو.
- گزینش و تدوین : اعضای علمی انستیتوت زبان و ادب دری.
- مهتمم: معاون محقق محمد متین « مونس»
- کمپوز و دیزاین : احمد خالد « سلطانی» و امان الله « جاوید»
- ناشر : ریاست نشرات اکادمی علوم افغانستان.
- سال چاپ : زمستان ۱۳۸۴ خورشیدی.
- محل چاپ : مطبعه آزادی.
- تیراژ : (۳۰۰۰) جلد.

سورة الاحقاف

## پیشگفتار

کشور عزیز ما افغانستان، از زمانه های باستان تا عصر حاضر، مهد پرورش تمدنها و فرهنگهای پربار و زادگاه زبانهای گوناگون بوده است.

از میان زبانهای زنده و رایج در کشو ما دو زبان (پشتو و دری) گوینده گان زیاد تر داشته و اکثریت عظیم افراد وطن ما میتوانند به یکی ازین دو زبان افهام و تفهیم نمایند.

زبان دری و پشتو در امتداد سده های نسبتاً دور، در روند پرفراز و فرود حرکت تاریخ تا کنون در کنار هم زیست نموده و هر یک حامل فرهنگ و ادبیات ارزشمند خویش میباشد. همزیستی دوستانه این دو زبان که هر دو زبان ملی و رسمی کشور ما اند، در کنار همدیگر، بیانگر همبسته گی خلل ناپذیر اکثریت مردمان این سرزمین بوده و در غنای فرهنگی و ادبی همدیگر تاثیر به سزا داشته اند.

در شرایط کنونی که کشور ما از فضای غم آلود جنگها و ویرانیاها به سوی افقهای روشن تامین صلح و تحقق دموکراسی و تحکیم حاکمیت ملی به پیش میرود، بدون تردید رشد فرهنگ و ادبیات و زبانهای ملی ما در تقویت هر چه بیشتر و حدت ملی و ترقی و پیشرفت جامعه ما مقام مبارزی را احراز مینماید. بر مبنای این هدف ارزشمند بود که مقام ریاست جمهوری کشور ما، اکادمی علوم افغانستان را مؤظف گردانید تا فرهنگهای مختصر دری به پشتو و پشتو به دری را که بیشتر حاوی واژه های محاوره وی و کلمه های مورد مطالعه روز مره میباشد، ترتیب نمایند تا بعد از طبع در اختیار جوانان و علاقه مندان بالاحص جوانان مهاجر مقیم در کشور های خارج قرار گیرد و نیاز مندی آموزش زبانهای ملی و رسمی کشور برای آنان مرفوع گردد.

به تاسی از هدایت مقام ریاست جمهوری و مقامهای رهبری اکادمی علوم افغانستان، اعضای انیستیتوت زبان و ادب دری و برخی از اعضای مرکز زبانها و ادبیات اکادمی علوم افغانستان به تهیه فرهنگ مختصر دری به پشتو مطابق روش قاموس نگاری اقدام نموده و به اینصورت سهم خویشرا در اجرای این وجیبه فرهنگی و ملی ایفا نمودند.

اسمای اعضای مسلکی که در ترتیب این فرهنگ سهم گرفته اند ، به اساس الفبا نامهای آنان از اینقرار اند:

- ۱- حروف ( ل ، م ، ن ) توسط معاون سر محقق سید علیشاه روستایار.
- ۲- حروف ( د ، ذ ) توسط محقق شاه محمد « مصلح ».
- ۳- حروف ( آ ، ا ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ) توسط معاون محقق صالحه « حبیبی ».

۴- حروف ( ف ، ق ) توسط محقق ظاهره « هنگامه ».

۵- حرف ( و ) توسط محقق عاطفه « نورستانی ».

۶- حروف ( ث ، ک ) توسط سر محقق عبدالواجد « واجد ».

۷- حروف ( ب ، پ ، گ ، ر ، ز ، ژ ) توسط سر محقق محمد آصف « آصف ».

۸- حروف ( ت ، ج ، چ ) توسط معاون محقق محمد فاضل « شریفی ».

۹- حروف ( ح ، خ ، ع ، غ ) توسط معاون محقق محمد متین « مونس ».

۱۰- حروف ( هـ ، ی ) توسط معاون سر محقق نصر الله « ناصر ».

مرجع و ساختن پژوهنده گان در ترتیب این فرهنگ ( افغان قاموس ) اثر محترم عبدالله افغانی نویسنده بوده است و برخی در ضمن آن از قاموس دری ، انگلیسی و بعضی فرهنگهای دیگر نیز استفاده نموده اند. واژه های دری به شیوه قاموس نگاری به ترتیب الفبای تنظیم و در ستون مقابل آن به منظور تلفظ درست واژه با الفبای فونتیک نیز نگاشته شده است. در ستون بعدی مشخصه دستوری هر واژه با ارایه مخفف دستوری نشان داده شده است ، در ستون اخیر معنی پشتوی هر واژه تذکر یانت است.

منبع استفاده پژوهنده گان و ادیتور های این فرهنگ جهت کار برد الفبای فونتیک همانا دستور معاصر زبان پارسی دری تالیف محترم پوهاند دکتور محمد حسین یمین و رهنمایی های شفاهی ایشان بوده است.

هشت فونیم و اول الفبای نامبرده که در لهجه معیاری کابل وجود دارد. از اینقرار است.

آ - a.

ا - ( الف مفتوح ) - a

ا - ( الف مضموم ) - u

ا - ( الف مسکور ) - i

واو مجهول - o

واو معروف - u

یای مجهول - e

یای معروف - I

### فونیم های شبه واول :

۱ - و - w

۲ - ی - y

### فونیم های کانسونانت :

۱ . ب - b

۲ . پ - P

۳ . ت - t

۴ . ث - s

۵ . ج - j

۶ . ح - h

۷ . چ - C

۸ . خ - x

۹ . د - d

۱۰ . ذ - z

۱۱ . ر - r

۱۲ . ز - z

۱۳ . ژ - z

۱۴ . س - S

۱۵ . ش - S

۱۶ . ص - S

۱۷ . ض - Z

۱۸. ط - t  
 ۱۹. ظ - z  
 ۲۰. ع - ?  
 ۲۱. غ - ġ  
 ۲۲. ف - f  
 ۲۳. ق - q  
 ۲۴. ک - k  
 ۲۵. گ - g  
 ۲۶. ل - l  
 ۲۷. م - m  
 ۲۸. ن - n  
 ۲۹. ه - h  
 ۳۰. ء - ?

به همینگونه مشخصه دستوری هر واژه با مخفف دستوری آن به صورت زیر نشان داده شده است:

ص - صفت	ا - اسم
ص ، ن صفت نسبتی	ا - آ ، اسم آله
ص ، ت - صفت تفصیلی	ا - جم ، اسم جمع
ص ، ع - صفت عالی	ا - خ ، اسم خاص
ص ، فا - صفت فاعلی	ا - م ، اسم مرکب
ض ، ضمیر	ا - ص ، اسم یا صفت
ق ، قید	ا - فا ، اسم فاعل
ف ، فعل	ا - مف ، اسم مفعول
ح ، ر - حرف ربط	ا - اسم فعل ( مصدر )
ح ، ن - حرف نفی	

انبشیتبوت زبان و ادب دری سه تن از اعضای این انبشیتبوت را معاون سر محقق محترم سید علیشاه روستایار و معاون سر محقق محترم شریف الله شریف و معاون محقق محترم محمد متین مونس را موظف نمود تا به منظور یک دست شدن و تصحیح کار اعضای ترتیب کننده به ادیت این فرهنگ بپردازند ، اعضای ادیتور با تلاش



خسته گی نا پذیر به اصلاح کمبود ها پرداخته و آن را آماده چاپ نمودند ، کار اهتمام و چاپ این فرهنگ به عهده محترم معاون محقق محمد متین « مونس » سپرده شد ، انبسیتوت زبان و ادب دری از همه دست اندر کاران تهیه این فرهنگ ، ادیتور ها ، مهتمم و دیزاینر ها محترم امان الله « جاوید » و محترم احمد خالد « سلطانی » ابراز تشکر نموده و امیدوار است تا جوانان و علاقه مندان در داخل و خارج از کشور بتوانند با فرا گیری زبان و ادبیات ملی کشور خویش از آن استفاده گسترده نموده و گامی ارزشمند در اعتلای فرهنگ و ادبیات مهین خویش بردارند.

انبسیتوت زبان و ادب دری  
اکادمی علوم افغانستان



# آ

آبدار (ābdār) - ص. مخور، مخاوی.	آب (āb) - ا. اوبه.
آبدان (ābdān) - ا. م. تریلی، دند.	آب باز (ābbāz) - ا. فا. لامبوخن.
آبدست (ābidast) - ا. م. اودس.	آب بازی (ābbāzī) - ا. ف. لامبو.
آبرو (ābraw) - ا. م. مقول، د اوبو موری.	آبترازو (ābtarāzū) - ا. م. اوب تله.
آبرومند (ābromand) - ص. مخور، مخاوی.	آب حیات (ābihayāt) - ا. م. د ژوند اوبه.
آبریختن (ābraxtan) - ا. ف. بی پته کیدل.	آب خوردن (ābxūrdan) - ا. ف. اوبه ثجنبل.
آبریز (ābrēz) - ا. م. تھی، باس. آب سر کردن	آب خیز (ābxēz) - ص. زیمجنه، اوبوسه.
(ābsarkardan) - ا. ف. اوبه په خان اچول.	آب دادن (ābdādan) - ا. ف. اوبه ورکول.

آب ورنګ (āborang) -

ا.م. دید و دال.

آب و گل (ābogil) - ا.م.

خټه، تومنہ.

آب و هوا (ābohawa) -

ا.م. آب و هوا.

آبیار (ābyār) - ا.ص. اوبه

لګوونکی.

آبیاری (ābyārī) - ا.ف. اوبه

لګونکی.

آباء (ābā?) - ا. پلرونه.

آباد (ābād) - ص. ودان.

آبستن (ābistan) - ا.ص.

بلار بیدل.

آبګینه (ābgīna) - ا.م.

بښینه.

آبله (ābila) - ا. کوی، دانی.

آبله رو (ābilaru) - ص.

کورجن، کوچن.

آبی (ābī) - ا.ص. اوبنی.

آتش (ātas) - ا. اور

آبشار (ābsār) - ا. خړوبی،

ګړونګه.

آبشخور (ābesxur) - ا.م.

برخه.

آب شدن (ābsudan) - ا.

ف. ویلی کیدل، اوبه کیدل.

آب صاف (ābisāf) - ا.

ص. پنی اوبه.

آب گرفتن (ābgriftan) -

ا.ف. اوبه اخیستل، ګزک.

آبگوشت (ābgošt) - ا.م.

زومنه.

آبګین (ābgīn) - ا.م. نری،

تروب.

آب مروارید (ābimurwārd) -

ا.م. ستوی.

آب و تاب (ābotāb) - ا.

م. ډول، ډیل و ډال.

آب و خاک (ābxāk) -

ا. م. سیمه، مېنه.

آتش گرفتن (atesgīrftan)

- ا. ف. اور اخیستل.

آتشگیر (ataš gīr) - ا.

اورنوسی.

آتشین (atašīn) - ص.

سور اور.

آتیہ (atīya) - ق. گانده،

وروسته.

آثار (āsar) - ا. پیلامی، نخبی.

آجیدہ (ajīda) - ا. ف.

گینده کول.

آخر (āxir) - ق. بل-پای،

وروسته.

آخرت (āxirat) - ا.

لویہ ورخ.

آخور (āxor) - ا. پمبی، اخور.

آخوند (āxōnd) - ا. اخون.

آداب (ādāb) - ا. روزنی.

آدرس (ādras) - ا. پتہ.

آدم (ādam) - ا. سری، بابا آدم.

آتش افروختن (atasafroxtan) -

ا. ف. اور لگول.

آتش بازی (atasbāzī) -

ا. ف. اور لوبی.

آتش پارہ (atašpāra) - ا.

م. اور بفرکی.

آتش پرست (atašparast) -

ا. ص. اور پالونی.

آتش دان (atašdān) - ا.

م. اور عالی، یرغولی.

آتش زبان (atašzabān) -

ص. اور ژبی.

آتش زدن (atašzadan) -

ا. ف. اور اچول.

آتش فشان (atašfīšān) -

ص. فا. کور و غر.

آتشک (atašak) - ا. اوبلک.

آتش کاو (ataškāw) -

ا. اولرہونی.

آتشکده (ateskada) - ا.

اور تون، دد ہی.

آدمیت (ādamīyat) - ص.

سرپتوب.

آدمی زاده (ādamīzāda) -

ا.م. بنیادم.

آدینه (ādīna) - ا. جمعه.

آزین (āzīn) - ا. سینگار.

آر (ār) - ف. ا. راوله.

آراء (āra?) - ا. سلاوی.

آراستن (ārāstan) - ا. ف.

جوړول، پسرولول

آرام (ārām) - ص. سوله.

آرامش (ārāmīš) - ا.

سوکالی، هوسایی.

آرامگاه (ārāmgāh) - ا.م.

تیکانه، تیکاونه.

آرایش (ārayeš) - ا. ډول،

سینگار.

آرد (ārd) - ا. اوږه.

آردبیز (ārdbez) - ا.م.

پروپزی.

آردترمیده (ārditarmayda) -

ا.م. پستوره. پاسته اوږه.

آرزو (ārizū) - ا. خوبښه،

غوښتنه

آرمان (ārmān) - ا. ارماند.

آرامیدن (āramīdan) - ا.

ف. آرا میدل.

آرنج (ārinj) - ا. څنگل.

آرن موتر (āranimotqr)

ا. برفی.

آری (āre) . هو، هوکی.

آز (āz) - ا. سوله، سرانستوب.

آزار (āzār) - ا. ربر، کړاو.

آزاد (āzād) - ص. خوشی،

پرانیستی

آزرم (āzarm) - ا. اورم، وایه،

اوبی، تاو، لورنه،

مینه، نول، ناورین، نیاو.

آزرم (āzarm) - ا. کړاو، ربر،

بنکاره، او څار سورگنه.

آزرم (āzarm) - ا. پار، تونس

درد، کار، غوسه

آزرم (āzarm) - ا. وبال، ساتنه.

- آزمایش (āzmāyeš) - ا. ف. از مینت.
- آزمند (āzmand) - ص. سولند. سرا بنی.
- آزمودن (āzmūdan) - ا. ف. از مپیل.
- آزموده (āzmūda) - ا. ف. از مپیلی.
- آزوقه (āzuqa) - ا. خورنده. تایه.
- آسان (āsān) - ص. سوان. آسان.
- آسایش (āsāyeš) - ا. ف. اسرعت، هوسایی.
- آستان (āstān) - ا. درشل.
- آستین (āstīn) - ا. استونی.
- آسمان (āsmān) - ا. هسک.
- آسمان خراش (āsmān xaras) - ا. م. آسمان خک.
- آسودن (āsūdan) - ا. ف. هوسا کیدل.
- آسوده (āsūda) - ا. ف. سود مرغ، هوسا.
- آسوده گی (āsūdagi) - ا. ف. هوساینه.
- آسیا (āsya) - ا. جرنده، ژرنده.
- آسیا بان (āsya bān) - ا. ف. جرنده گری.
- آسیب (āseb) - ا. تکه. ناورین.
- آش (ās) - ا. خواره.
- آشپز (āspaz) - ا. ف. پخلاوی، پخوونکی.
- آشپزخانه (āspaxāna) - ا. م. پخلنخی، پخلوخی.
- آشامیدن (āsamīdan) - ا. ف. چنبل، شومل.
- آشتی (āstī) - ا. ف. سوله.
- آشفتن (āsuftan) - ا. ف. ترهوریدل.
- آشفته (āsufta) - ا. ف. ترهور.
- آشغال (āsgāl) - ا. چفالی.
- آشکار (āskar) - ص. خرگند، جوت.
- آشنا (āsna) - ا. بیژندوی، آشنا.

آشوب (asob) - ا. ف. انگل. غوغا	آفرینش (afarīnis) - ا. ف.
آشیانہ (asiyana) - ا. خالہ، جالہ.	پنخہ، پیدایښت.
آغا (āgā) - ا. بادار.	آگاہ (āgāh) - ص. خبر، اتر.
آغاز (āgāz) - ا. پیل، سرغہ.	آگندہ (āgenda) - ص.
آغشته (āgista) - ص. م.	سیخلی، ډک.
ککر، لړلی.	آلات (ālat) - ا. اوږی، کالی.
آغوش (āgōs) - ا. غیر.	آلام (ālam) - ا. رنخونه، خوږ.
آفات (āfat) - ا. بلاوی.	آلایش (ālayes) - ا. م. ککر تیا.
آفاق (āfaq) - ا. خنډی.	آلت (ālat) - ا. اوږه، رچ.
آفت (āfat) - ا. آیت، بلا.	آلوبالو (alubalu) - ا. سرکچ.
آفتاب (āftab) - ا. لمر، نمر.	آلوبخارا (aluboxara) - ا. ولی.
آفتابه (āftaba) - ا. کوزه.	آلودن (āludan) - ا. ف. لړل.
آفتابه ولگن (āftabawalagan) - ا. م. گډوه لاس ولونی.	آلوده (ālūda) - ص. ف.
آفریدن (afarīdan) - ا. ف.	لړلی، ککر.
پنخول، شته کول.	آلوده گی (ālūdagi) - ص. ککر تیا.
آفریده گار (afarīdagar) - ص. فا. پنخوونکی، شته کوونکی.	آماج (āmāj) - ا. نښه، ټکی.
آفرین (afarīn) - ا. شا باش.	آماده (āmāda) - ا. ف. چمتو.
	آماس (āmās) - ا. پړسوب.
	آمال (āmal) - ا. غوښتنی، هیلی.

آن (ān) - ا.رپ ، شيبه .  
 آنا (ānan) - ا.هره شيبه .  
 آواره (āwāra) - ا.ص.پردیس .  
 آوازه (āwāza) - ا.انگازه ،  
 ډنډوره .  
 آوردن (āwardan) - ا.ف .  
 راوستل .  
 آویختن (āwixtan) - ا.ف .  
 خړول .  
 آه (āh) - ا.وی .  
 آهسته (āhesta) - ص.ورو .  
 آهن (āhan) - ا.اوسپنه .  
 آهن ربا (āhanrubā) - ا.م .  
 اوسپنکښ .  
 آهنگر (āhangar) - ا.فا .  
 پښ ، لوهار .  
 آهنين (āhanīn) - ص ، ن .  
 کروړ .  
 آهنگ (āhang) - ا.غار ،  
 تکل ، دوډ .

آمدن (āmadan) - ا.ف .  
 راتلل ، راتگ .  
 آمده (āmada) - ا.ف.راغلی .  
 آمر (āmir) - ا.فا.مگمارونی .  
 آمرزیدن (āmurzīdan) -  
 ا.ف.بخښل .  
 آمرزش (āmurziš) - ا.ف .  
 بخښنه .  
 آمرزگار (āmurzgār) -  
 ص.فا.بخښاوو .  
 آمرزنده (āmurzinda) -  
 ص.فا.بخښونی .  
 آموختن (āmoxtan) - ا.ف .  
 ورزده کول .  
 آمیختن (āmextan) -  
 ا.ف.مکډول .  
 آموزگار (āmozgār) - ا .  
 فا.ښوونکی .  
 آمیزش (ām-zeš) - ا.ف .  
 مکډون .  
 آن (ān) - ص.هغه .



- |                            |                               |
|----------------------------|-------------------------------|
| آیین (āyen) - ا. دور.      | آهو (āhū) - ا. هوسی، غرڅه.    |
| آینه (āyena) - ا. هنداره.  | آهوبره (āhūbara) - ا. کبلی.   |
| آینه بندان (āyenabandān) - | آیات (āyāt) - ا. نښی، پیلامی. |
| ا.م. خراغان، بنارینگار.    |                               |

## الف

اثر (asar) - ا. نبنہ، پیلامہ، کرنسی  
 اجازہ (aijāza) - ا. ف. رسخت  
 اجازہ.  
 اجاق (aujaq) - ا. نغری، اورغالی.  
 اجتماع (aijtinā?) - ا. تولنہ.  
 اجرت (aujrat) - ا. بارہ.  
 اجنبی (ajnabī) - ا. پردی،  
 اوپرہ، بدیانی.  
 احترام (aihtirāz) - ا. ف.  
 خان ساتل، خان ژغورل.  
 احترام (aihtirām) -  
 ا. ف. نمانخنہ، نمانخل،  
 مدار.  
 احتیاج (aihteyāj) - ا. ف. ارہ.  
 احتیاط (aihtyāt) - ا. ف. پام  
 کول.

ابتداء (aibtedā) - ا. ف. پیل،  
 لاسپوری، سرٹیہ.  
 ابتر (abtar) - ص. اوتر.  
 ابتکار (aibtekār) - ا. ف.  
 نوبت.  
 ابچار (abhār) - ا. ج. سیندوونہ.  
 ابر (abir) - ا. وریخ. مرغسانہ.  
 ابرو (abro) - ا. وروخہ، وریخہ.  
 ابریشم (abrešum) - ا. وریشم.  
 ابلق (ablaq) - ص. برگ.  
 ابلیس (aiblīs) - ا. شیطان.  
 ابہام (aibhām) - ص. پت، پتوالی  
 اتباع (atbā?) - ا. تابیان، ایلان  
 اتحاد (aitihād) - ا. ف. یووالی  
 اتفاق (aitifaq) - ا. ف. لاس یوی  
 اتہام (aitihām) - ا. ف. تور.

ارشاد (airsād) - ا. ف.  
 نغوته، لارښوونه.  
 ارمان (armān) - ا. ارماند،  
 اوپ.  
 ازار (aizār) - ا. پرتوگ.  
 ازدواج (aizdiwāj) - ا.  
 ف. جوړه کیدل،  
 واده کول.  
 اژدر (aždar) - ا. ښامار.  
 اساس (asās) - ا. آره،  
 بنسټ، سټه، رده.  
 اساطیر (asatīr) - ا. جم. سترې.  
 اسپ (asp) - ا. آس.  
 استاد (austād) - ا. ښوونکی.  
 استخراج (aistixrāj) - ا.  
 ف. را ایستل.  
 استراحت (aistirāhat) - ا. ف.  
 هوساینه، سوډه، سهنه.  
 اسلحه (asliha) - ا. وسله، درسته.  
 اسلام (aislām) - ا. اسلام.  
 اشتباه (aištibāh) - ا. ف.  
 اړنگ، وپ، کو شیبی

احسان (aihsān) - ا. ف.  
 ښیکنه، ښیگره.  
 احکام (ahkām) - ا. جم.  
 حکمونه، پرمانونه.  
 اخبار (axbār) - ا. جم. خبرونه.  
 اختراع (aixtirā?) - ا. ف.  
 نوی را ویستل، نوی  
 ایستنه.  
 اختلاف (aixtilāf) - ق.  
 توپیر، بیلوالی.  
 اخگر (axgar) - ا. سکروته.  
 ادب (adab) - ا. ډب، سرپیتوب.  
 ادنی (adnā) - ص. ټیټ، پاسو.  
 ادیان (adyān) - ا. جم. دینونه.  
 ارادت (airādat) - ا. ف.  
 گروهه، عقیده  
 ارتفاع (airtifā?) - ا. ف.  
 لوړوالی، هسکبوالی  
 ارجمند (arjumand) -  
 ص. گران.  
 ارزان (arzān) - ص. ارزان.

اشیا (ašya) - ا. ف. شیان، خیزونه.  
 اصرار (aisrār) - ا. ف. ټینګار.  
 اصوات (aswāt) - ا. جم. غږونه، ږغونه.  
 اطاعت (aitā?at) - ا. ف. منل، غاړه ایښودل.  
 اطاق (autāq) - ا. کوټه، دیره.  
 اطفال (atfāl) - ا. ج. واره، ماشومان.  
 اظهار (aizhār) - ا. ف. څرګندول، ښکاره کول.  
 اعانه (ai?āna) - ا. مرسته.  
 اعتراف (ai?tirāf) - ا. ف. وین، په ځان شاهی ویل.  
 اعداد (a?dād) - ا. جم. شمیر.  
 اعلان (ai?lān) - ا. ف. خبرول، خبرتیا.  
 اغماز (aigmāz) - ا. ف. ځان ناکاری کول، غمازی کول، کول.  
 افتادن (auftādan) - ا. ف. غورځیدل.  
 افتخار (aiftixār) - ا. ف. لوړل، ویارل.  
 افراط (aifrat) - ا. ف. له اندازی وتل.  
 افروخته (afroxta) - ص. مف. بل.  
 افسار (afsār) - ا. تر سری تیسخوری، تیر سری.  
 افسانه (afsāna) - ا. کیسه. ستري.  
 افسوس (afsos) - ا. ټاپ. تریاپ.  
 افشا (aifšā) - ا. ف. رسوا کول.  
 افطار (aiftār) - ا. ف. روژه. ماتول.  
 افق (aufuq) - ا. څنډه.  
 افلاس (aiflās) - ا. ف. خواری لاس تنګی.  
 افیون (afyon) - ا. اپیم، اپین.  
 اقارب (aqārib) - ا. جم. خینسان، خپلوان.  
 اقبال (aiqbāl) - ا. ف. بخره، مرغ، برخه، سخ.

اشیا (ašya) - ا. ف. شیان، خیزونه.  
 اصرار (aisrār) - ا. ف. ټینګار.  
 اصوات (aswāt) - ا. جم. غږونه، ږغونه.  
 اطاعت (aitā?at) - ا. ف. منل، غاړه ایښودل.  
 اطاق (autāq) - ا. کوټه، دیره.  
 اطفال (atfāl) - ا. ج. واره، ماشومان.  
 اظهار (aizhār) - ا. ف. څرګندول، ښکاره کول.  
 اعانه (ai?āna) - ا. مرسته.  
 اعتراف (ai?tirāf) - ا. ف. وین، په ځان شاهی ویل.  
 اعداد (a?dād) - ا. جم. شمیر.  
 اعلان (ai?lān) - ا. ف. خبرول، خبرتیا.  
 اغماز (aigmāz) - ا. ف. ځان ناکاری کول، غمازی کول، کول.  
 افتادن (auftādan) - ا. ف. غورځیدل.

امداد (aimdād) - ا. ف. مرسته  
 امضا (aimzā) - ا. لاسلیک.  
 اناث (ainās) - ا. بنسختی.  
 انار (anār) - ا. نرگوسی، انار، وانگ  
 انتحار (aintihār) - ص. خان وژل.  
 انتقاد (aintiqād) - ا. ف. سره  
 کول، کره کول.  
 انتها (aintihā) - ا. ف. پای.  
 انجام (anjām) - ا. پای.  
 انجمن (anjuman) - ا.  
 ټولنه، ټولی.  
 اندیشه (andesa) - ا. ډوی،  
 اندینه، پرو اند.  
 انسانیت (ainsānyat) - ا.  
 ف. سریتوب.  
 انصاف (ainsāf) - ا. ف. نیاو  
 انکار (ainkār) - ا. ف. ناکاره.  
 انشت (angust) - ا. گوته، گوتی.  
 انیس (anīs) - ص. زړه سودی.  
 اوباش (awbas) - ص. لنډهر،  
 چورلند، لنډه غر.  
 اوج (awj) - ا. لوړ.

اقتدار (aiqtidār) - ا. ف.  
 وس، واک، لاس.  
 اقدام (aiqdām) - ا. ف.  
 وړاندیکیدل، پښه ایښودل.  
 اقرار (aiqrār) - ا. ف. ویل.  
 اکمال (aikmāl) - ا. ف.  
 بشپړول، پوره کول.  
 الاغ (aulāg) - ا. کرکی، خر.  
 البسه (albasa) - ا. کالی،  
 نمری، نوری.  
 الحاق (ailhāq) - ا. ف.  
 اجوتیدل.  
 السنه (alsana) - ا. جم. ژبو.  
 الفت (aulfat) - ص. مینه.  
 القاب (alqāb) - ا. جم.  
 لقبونه، پتنومونه.  
 الماری (almārī) - ا. تونی،  
 درگهی، درگی.  
 امارت (aimārat) - ف.  
 ټولواکی.  
 امام (aimām) - ا. بومیا.  
 امت (aumat) - ا. امت.

اهلی (ahlī) - ص. جوتی.

ایام (ayām) - ا. جم. ورخی.

ایزد (aezid) - ا. خښتن تعالی.

ایمن (aemin) - ا. پورا، پوره

خوندی.

ایوان (aywān) - ا. مانی.

ایور (aiwar) - ا. لپور.

اودر (awdur) - ا. تره.

اوراق (awraq) - ا. پانی.

اورنگ (awrang) - ا. گدی، پلاز

اوسط (awsat) - ا. منخی،

منخوی.

اوصاف (awsaf) - ص. ستاینی.

اھانت (aihānat) - ا. ف. سپکول.

# ب

باد افراہ (bādafrah) - ا۔  
 اهداد، هيداد.  
 بادام (bādām) - ا۔ بادام،  
 البنتی، غروشتی.  
 بادرنجب (bādrang) - ا۔  
 دنگوری، تریوری، بادرنک  
 باد زهر (bādzahr) - ا۔  
 مارجری.  
 بادنجان (bādenjān) -  
 ا۔ بانجن.  
 بادہ (bāda) - ا۔ بور، بدال.  
 بادیان (bādeyān) - ا۔  
 انو، خوارہ یلنی، خوارہ  
 ولنی کوپہ، کارہ ویلنی،  
 کلور.

باب (bāb) - ا۔ اور.  
 بابا (bābā) - ا۔ نیکہ.  
 بابہ غور غوری  
 (bābagōrgōr) - ا۔ غرنده.  
 باج (bāj) - ا۔ کلنگ.  
 باجہ (bāja) - ا۔ سانہو.  
 باختر (bāxtar) - ا۔ ختیخ.  
 باد (bād) - ا۔ باد.  
 بادپا (bādpā) - ص۔ اوسگو،  
 باد منگ.  
 بادریزہ (bādreza) - ا۔  
 ستر او.  
 باد سر (bādsar) - ص۔  
 کبرجن.

بامداد (bāmdād) - ۱. کھیخ

بایسکل (bāysikil) - ۱. جولہ

کادی.

بت (but) - ۱. بوت، ختگی.

بحر (baħr) - ۱. سیند، سین.

بخت (baxt) - ۱. تالی، پاورہ،

بخره، مرغه.

بخشش (baxšis) - ۱. ف.

ور کړ، بخښنه.

بخل (buxul) - ۱. ف. شومی،

کروتی، موزیتوب، کینسکی.

بدن (badan) - ۱. ختہ، پیری،

سرت.

بذر (bazir) - ۱. تومنہ، تخم.

بذل (bazl) - ۱. ف. ور کړه، ښندنه.

برادر (birādar) - ۱. ورور.

برباد (barbād) - ص. پوپنا،

میرات.

برف (barf) - ۱. واوړه.

برنج (birinj) - ۱. ورجی،

وریخی. ژر.

برہ (bara) - ۱. وری.

بادیہ (bādeya) - ۱. بیدیا، داگ.

بار (bār) - ۱. وری، بار.

بارگاہ (bārgāh) - ۱. پاریال.

باران (bārān) - ۱. وړینگی،

وریا، باران.

باروت (bārūt) - ۱. دارو.

باریک (bārīk) - ص. نری،

میین.

باز (bāz) - ۱. باز، لمختی، کرج.

بازخواست (bāzχāst) -

ص. گروپړنه.

بازرگان (bāzargān) - ۱.

پلوری، سوداگر.

بازو (bāzū) - ۱. مت، گردی لیچ.

بازی (bāzī) - ۱. لوبه، مستی.

باستان (bāstān) - ص.

لرغون، پخوانی، زور.

باطل (bātil) - ص. بابیز، کوره.

باغ (bāg) - ۱. بن.

باکره (bākira) - ۱. پیغله، بچره.

بال (bāl) - ۱. وزر، ووزی.

بالغ (bālig) - ۱. پیلستی،

رسیدلی، خوان.



بیت الخلاء (baytulxalá) - ۱.

تتی، باسی، مکان.

بیخ (bēx) - ۱. بنست، ولی، جمر،

نوخی.

بید (درخت) (bed) - ۱. ونه.

بیداد (bedād) - ص. تیرغی، تیری.

بیرانه (berāna) - ۱. کندوال،

وران.

بیرق (bayraq) - ۱. رپی،

بربری، جنده، جندی.

بیره (bayra) - ۱. اوری.

بیزار (bezār) - ص. ویزار، تپرا، پکو.

بیست (bīst) - ۱. ع. شل.

بیشه (beša) - ۱. درکه.

بیضه (bayza) - ۱. هگی، وی، ها.

بیعت (bayʔat) - ۱. لاسنیوی.

ببگار (beggār) - ۱. بسگر، پگیر.

بیل (bel) - ۱. یوم، گراهه، بیل، کره.

بیم (bīm) - ص. بیره، دار، ویره،

انگیخه

بیمار (bemār) - ص. رنخنی،

ناروغه، ناجوره، رنخور.

برهنه (birahna) - ص. لڅ،

لغر، برمنلو، بربنلو،

بریدن (burīdan) - ۱. ف.

غوڅول، پریکول.

بز (buz) - ۱. وزه.

بسمل (besmel) - ۱. مرچین،

مرغیجن، مرغیجن.

بشارت (bišārat) - ۱. زیری.

بغض (buǧz) - ۱. ارور،

هیرخی، رڅه، غچ.

بلهوس (bulhawas) - ص.

اوریدونی، چرتکی تلولی.

بوریا (boryā) - ۱. پوزی، اندپیری،

توری.

بوسیدن (bosīdan) - ۱. ف.

مچول، چپول، بنکلول.

بهار (bahār) - ۱. پسرلی، خرمنی.

بی آب (beāb) - ص. بی پته.

بی مغز (bemaǧz) - ص. پوچ،

کواته.

بیابان (byābān) - ۱. داک،

دنت، بیدیا، میره.

بینوا (benawā) - ص. نهه، نهوه.

بیوه (bewa) - ا. کونډه

بیمارستان (bemāristān)

- ا. روغخی، روغتون.

بینی (benī) - ا. پیزه، پزه، پوزه.

# ت

تابوت ( *tábút* ) - ا. آتینگ  
 تابه ( *tába* ) - ا. تپی، تیغنه.  
 تابید ( *tábíd* ) - ا. تلوالی.  
 تاپه (مهر) ( *tápamuhr* ) -  
 ا. پکنه، تاپه.  
 تاثیر ( *tásír* ) - ا. ف. نپنه کور.  
 اغیزه.  
 تاج ( *táj* ) - ا. توپیل، وره،  
 کرکره.  
 تاجدار ( *tájdār* ) - ص.  
 توپلوال.  
 تاجیک ( *tájek* ) - ا. تاجک.  
 دیگان.  
 تاجیل ( *tájíl* ) - ا. ف. مولت،  
 اتاله.  
 تاجر ( *tájir* ) - ص. ف. سوداگر.

تاب ( *táb* ) - ا. توان، وس، تاو.  
 تاب آوردن ( *tábáwardan* ) -  
 ا. ف. تاو راورل.  
 تابان ( *tábán* ) - ص. ف.  
 خلیدونکی، خلاوو.  
 تابناک ( *tábnák* ) - ص.  
 ف. خلاند، برینبند.  
 تابخانه ( *tábxána* ) - ا. م.  
 تاوخانه.  
 تابش ( *tábiš* ) - ا. ف. رنا،  
 خلاند.  
 تابع ( *tábi?* ) - ا. ف. بابی،  
 ایل.  
 تابعیت ( *tábi?yat* ) - ا. ف.  
 تابیکلوی، ایلاینی  
 تابلو ( *táblo* ) - ا. تابلو، پت.

تاریک (tārīk) - ص. تیاره.  
 تاریک خانه (tārīkxāna) -  
 ا.م. تیاره کوټه.  
 تازه (tāza) - ص. نوی.  
 تازی (tāzī) - ا. ص. عرب.  
 تازیان (tāziyān) - ا. جم.  
 عربان.  
 تازیانه (tāziyāna) - ا.  
 مترکه، کمچنه، غمچینه.  
 تاس (tās) - ا. خله. لوخی،  
 کتوری.  
 تأسف (tāsuf) - ا. ف.  
 اسویلی، ترتاب.  
 تاسیس (tāsīs) - ا. ف. آره.  
 اینبودل، بنسټ اینبودل.  
 تافته (tāfta) - ا. تاوشوی.  
 تاک (tāk) - ا. میلوه، تاک.  
 تاجکستان (tākīstan) - ا. م.  
 کوربن.  
 تاکید (tākīd) - ا. ف. تینکارنه  
 تینکار.  
 تالاق (tālaq) - ا. ککریر.  
 خیریر. ککره.

تاخت (tāxt) - ا. ف.  
 خغاسته، منډه، کوپ.  
 تاختن (tāxtan) - ا. ف.  
 زغلول.  
 تاخیر (tāxir) - ا. ف.  
 بیرته پاته کیدل.  
 تاخیر (tāxīr) - ا. ف. خندو.  
 تادب (tādub) - ا. ف.  
 ادب موندل، روزیدل.  
 تادیب (tādīb) - ا. ف.  
 ادب ورکول.  
 تادیبه (tādiya) - ا. ف.  
 رسول، ورکول.  
 تار (tār) - ا. تار، سپنسی.  
 تارتار (tārtār) - ا. ص.  
 دانگی. دانگی.  
 تارومار (tāromār) - ص.  
 تاش پتاش، تیت وپیت.  
 تاراج (tāraj) - ا. تالا،  
 تالان، لوټ.  
 تارک (tārik) - ا. فا.  
 پرینوونکی.  
 تاریخ (tārīx) - ا. تاریخ.

تبدل (tabadul) - ا. ف. بدليدل.

تبر (tabar) - ا. تبر. گدرک.

تبرک (tabaruk) - ا. ف. برکتی.

تبریک (tabrīk) - ا. ف.

مبارکی. بنادمینی.

تبسم (tabasum) - ا. ف.

مسیدل، مسکیدل، مسکی.

تبصره (tabsira) - ا. ف.

سترگی روښانول،

روښانول.

تبعه (tabʔa) - ا. تابعان.

تبعیت (tabiʔyat) - ا. ف.

تابیگلوی، سو انگلوی.

تبعید (tabʔīd) - ا. ف.

لری کول.

تبعیض (tabʔīz) - ا. ف. ویشل.

تبلیغ (tablīg) - ا. ف. رسول.

تبنگ (tabang) - ا. توتک.

تبین (tabayun) - ا. ف.

بنکاره کول، بنکارول.

تپ (tap) - ا. وتر به.

تپش (tapiš) - ا. ف. تونښ.

تالم (tālum) - ا. ف.

خورموندل، خوریدنه.

تالیف (tālīf) - ا. ف. بنهونه.

تأمل (taʔmul) - ا. ف.

اندینبل.

تأمین (tāmīn) - ا. ف. ساتل.

تانستن (tānistan) - ا. ف.

له لاسه کیدل.

تانک (tānk) - ا. ف. ټانک.

تانی (tānī) - ا. ف. ځند.

تائب (taʔib) - ا. ف. توبه کار.

تایید (tāyed) - ا. ف. ټینګول.

تب (tab) - ا. لوی ټبه.

تبخال (tabxāl) - ا. م.

خوله خوری، خوله وتل.

تبادل (tabādul) - ا. ف.

بدلول، اینبول.

تباشیر (tabāšīr) - ا. تباشیر.

تباه (tabāh) - ص. ست،

ډبر، مبرات.

تبحر (tabāhur) - ا. ف.

ډک پوهنه.

تجسس (tajasus) - ا. ف.  
لتول.

تجسم (tajasum) - ا. ف.  
غتیدل.

تجلی (tajalī) - ا. ف. برینس، خلا.  
تجلیل (tajlīl) - ا. ف.  
پوست اغوستل.

تجمال (tajamul) - ا. ف.  
سینگارول.

تجویز (tajwīz) - ا. ف.  
روا کول.

تجهیز (tajhīz) - ا. ف.  
تاینه، سمبالنه.

تحت (taht) - ا. لاندی، کوز.  
تحت الحمايه (tahtilhimaya) -  
ص. لاس لاندی.

تحت الشعاع (tahtisu'a?) -  
ص. بدوه.

تبحر (tahajur) - ا. ف.  
کروړیدل.

تحریر (tahrīr) - ا. ف.  
لیکل، کښل.

تحریر (tahrīf) - ا. ف.  
اړول، گړخول.

تپاندن (tapāndan) - ا.  
ف. سیخل، تخته کول.

تپه (tapa) - ا. غوندی پشاگی.

تپیدن (tapīdan) - ا. ف.  
ترپیدل، کرپیدل.

تتبع (tatabu?) - ا. ف.  
پلیتنه، پلتنه، شننه.

تتله (tutla) - ا. ص. ترتری،  
تتلی، چارا.

تجارت (tijarat) - ا. ف.  
پلورنه، سوداگری.

تجاوز کردن (tajawuzkardan) -  
ص. فا. تیری واخته،  
تیری کول.

تجاهل (tajāhul) - ا. ف.  
نما، حوله، کوسدل، حال پلن اچول.

تجدد (tajadud) - ا. ف.  
نوی کول، له سر کول.

تجوید (tajwīd) - ا. ف.  
نوی توب، نوی والی.

تجربه (tajruba) - ا. ف.  
آزمینه، آزموینه.

تجزیه (tajziya) - ا. ف.  
برخی برخی کول.

- تحریرک ( tāhrīk ) - ا.ف. بنورول، خوځول.
- تخسین ( tāhsīn ) - ا.ف. ستاینه.
- تخصیل ( tāhsīl ) - ا.ف. اخیستل.
- تخفه ( tuḥfa ) - ا.ف. مجره، خونۍ، ډالۍ.
- تخقیر ( tāḥqīr ) - ا.ف. سپکول.
- تخقیق ( tāḥqīq ) - ا.ف. شننه.
- تخکم ( tāḥkum ) - ا.ف. حکم کول.
- تخکیم ( tāḥkīm ) - ا.ف. دریمان کول.
- تخریم ( tāhrīm ) - ا.ف. مردود گڼل.
- تخلیف ( tāḥlīf ) - ا.ف. قسم ورکول.
- تخلیل ( tāḥlīl ) - ا.ف. رواکول.
- تخمل ( tāhamul ) - ا.ف. زغمه.
- تخول ( tāhawul ) - ا.ف. گرزیدل.
- تخویل ( tāḥwīl ) - ا.ف. سپارل.
- تخویلدار ( tāḥwīldār ) - ا.ص. ساتلوال، تخویلدار.
- تخویلخانه ( tāḥwīlxāna ) - ا.سپارلخی، سپارنخی.
- تخاصم ( taxāsm ) - ا.ف. سره دښمنۍ کول.
- تخت ( taxt ) - ا.پلاز، گدی.
- تخته ( taxta ) - ا.پټه، تخته، دره.
- تخته به پشت ( taxtabapust ) - ا.م. ستونی ستخ، سمه تخته.
- تخته سنگ ( taxtasang ) - ا.م. شازه، پلنه تیره.
- تخته مشق ( taxtamaşq ) - ا.م. تختی، دره.
- تخریب ( taxrīb ) - ا.ف. وړانول.
- تخصص ( taxasus ) - ا.ف. خان ته کیدل.
- تخصیص ( taxsīs ) - ا.ف. خانله کړی.
- تخفیف ( taxfīf ) - ا.ف. سپکیدل.

تذکار ( tazkār ) - ا.ف.  
په یاد لرل.  
تذکره ( tazkira ) - ا.ف. تذکره.  
تذکر ( tazakur ) - ا.ف.  
په زړه کیدل.  
تر ( tar ) - ص. خيشت، لوند.  
تر شدن ( tarsudan ) - ا.  
ف. لوندیدل، خيشتیدل.  
تر کردن ( tarkardan ) -  
ا.ف. لوندول، خيشتول.  
ترازو ( tarāzū ) - ا.تله.  
تراشیدن ( tarāšīdan ) -  
ا.ف. تورل.  
تراشیده ( tarāšīda ) - ا.  
ف. تورلی.  
تراکم ( tarākum ) - ا.ف.  
کوټه کیدل، تولیدل.  
ترانزیت ( taranzīt ) - ا.  
ترانزیت.  
ترانه ( tarāna ) - ا.ص.  
گلالی، بنکلی.  
تربت ( turbat ) - ا.خاوره.  
تربوز ( tarbūz ) - ا.هندوانه.

تخلص ( taxalus ) - ا.ف.  
تریدل، ترهیدل.  
تخم ( tuxum ) - ا.ف.  
تومنه، تخم.  
تخمین ( taxmīn ) - ا.ف.  
اتکل، جاج.  
تخیل ( taxayul ) - ا.ف.  
په زړه ر اوستل، په خیال  
راوستل.  
تداخل ( tadāxul ) - ا.ف.  
اغیر، اتبرل.  
تدارک ( tadāruk ) - ا.ف.  
درک کول.  
تداوی ( tadāwī ) - ا.ف.  
دارو کول.  
تدبیر ( tadbīr ) - ا.ف. تکبیر.  
تدریس ( tadrīs ) - ا.ف.  
لولول.  
تدفین ( tadfīn ) - ا.ف.  
بنخول.  
تدویر ( tadwīr ) - ا.ف.  
گانه کول، گروول.  
تدوین ( tadwīn ) - ا.ف.  
ټولول، تالیفول.



ترسا (tarsá) - ا. ص.  
 بیرندو کی، ترسا.  
 ترسان (tarsán) - ص. فا.  
 ډارن، یراند، بیرندو کی.  
 ترسناک (tarsnák) - ص.  
 م. یراند.  
 ترسو (tarso) - ص. - یراند.  
 ترساندن (tarsándan) -  
 ا. ف. بیړول، ویړول.  
 ترسیدن (tarsídan) - ا.  
 ف. بیړیدل، ویړیدل.  
 ترسیم (tarsím) - ا. ف.  
 کینده کول.  
 ترش (turs) - ص. تریو، ټاک.  
 ترش رو (tursro) - ص.  
 بروس، کارساو، بوټ.  
 ترشی (tursí) - ا. تریو والی.  
 ترغیب (targíb) - ا. ف.  
 لمسول، تومبار کول، پارول.  
 ترفند (tarfand) - ا. ص. تگی،  
 مارغیب.  
 ترفع (tarf?) - ا. ف. لوړول،  
 جگول، پورته کول.

تربیت (tarbiyat) - ا. روزنه.  
 تربیت کردن  
 (tarbiyatkardan) -  
 ا. ف. روزول.  
 ترتیب (tartíb) - ا. ف. روڼ،  
 سمبال، اوډنه.  
 ترتیب کردن (tartibkardan) -  
 ا. ف. اوډل، روڼول،  
 سمبالول.  
 ترجمان (tarjumán) - ص.  
 ترجمان، ژباړی.  
 ترجیح (tarjeh) - ا. ص.  
 زیاتوالی، باندیوالی  
 ترحم کردن (tarahumkadan) -  
 ا. ف. لورنه، لور، زړه سواند  
 لورنه کول، زړه سول.  
 ترخیص (tarxís) - ا. ف.  
 رسختول، رخصت ورکول.  
 تردد (taradud) - ا. ف.  
 تله راتله.  
 تردید (tardíd) - ا. ف.  
 ردول، نه منل.  
 ترس (tars) - ا. بیره،  
 ویره، ډار.

تسکین (taskīn) - ا.ف.

بسیاکول.

تسلسل (tasalsul) - ا.ف.

پرله پسی، پرله پسی

کیدل.

تسلط (tasalut) - ا.ف.

لاس، لاسبری.

تسلی (tasalī) - ا.ف. داډ،

سوده، داډ گیرنه.

تسلیت (taslyat) - ا.ف.

داډ ور کول.

تسلیم (taslīm) - ا.ف.

سلام کول.

تسهیل (tashīl) - ا.ف. آسانول.

تشبه (tašbīh) - ا.ف.

ورته کیدل.

تشت (tašt) - ا.ف. نباتک.

تشتت (tašatut) - ا.ف.

تیتیدل.

تشخص (tašaxus) -

ا.ف. ټاکل کیدل.

تشخیص (tašxīs) - ا.ف.

نا-پېرل، ټاکل.

ترقی (tarqī) - ا.ف. لوړوالی.

ترقی کردن (tarqīkardan) -

ا.ف. لوړیدل.

ترکیب (tarkīb) - ا.ف.

جوړب.

ترمیم (tarmīm) - ا.ف. تیندل،

لاسوهل، توک نیول.

ترنم (taranum) - ا.ف.

بنگیدل.

ترویج (tarwīj) - ا.ف.

بابول، دو دول.

تریاک (taryāk) - ا.ف. اپین،

ایم.

تزویر (tazwīr) -

ا.ف. ټگی، دروه، چم.

تزئید (taz?īd) - ا.ف. دیروول.

تزئین (tazīn) - ا.ف. سینگاریدل.

تساوی (tasawī) - ا.ف.

سم، برابر.

تسخیر (tasxīr) - ا.ف.

مالول، ایلول.

تسریع (tasre?) - ا.ف.

اخه کول، بیره کول.

## تصادف (tasaduf) -

ا.ف. پېښېدل، مخامخ  
کیدل.

## تصاحب (tasahub) -

ا.ف. څښتن کیدل.

## تصادم (tasadam) -

تکر، لگیدل.

## تصاویر (tasawir) -

ا.ف. جم. خیری.

## تصحیح (tashih) -

روغ، جوړ.

## تصدیق (tasdiq) -

امنا، مننه.

## تصرف (tasaruf) -

لاس وهل.

## تصفیه (tasfiya) -

ا.ف. چانول.

## تصمیم (tasmim) -

ف. لوړه، هندپه.

## تصور (tasawur) -

ری، اند، اندیښنه.

## تضعیف (taz'if) -

انول، خېل.

## تضمین (tazmin) -

ځامن ګرځول.

## تشدد (tasadud) -

خرته، سخته.

## تشدید (tasdid) -

خرته کول.

## تشریح (tasreh) -

روښانول.

## تشریف (tasrif) -

لویې ور کول.

## تشریک (tasrik) -

ګډول، شریکول.

## تشکر (tasakur) -

ستاینه، کور ودانی.

## تشکل (tasakul) -

جوړاېدل.

## تشکیل (taskil) -

جوړاب.

## تشناب (tasnab) -

چرچونې، تشناو.

## تشنج (tasanj) -

ا.بری، باری.

## تشنه (tasna) -

ص. تری.

## تشویش (taswis) -

ا.ف. سودا.

## تشویق (taswiq) -

هڅول، لسول.

تفاهم ( tafáhum ) - ا. ف.

سره پوهیدل.

تفتش ( taftis ) - ا. ف. پلتنه، تپوس.

تفرقه ( tafruqa ) - ا. ف. بیلتون.

تفریح ( tafreh ) - ا. ف. سیل،

ساتیری.

تفریق ( tafríq ) - ا. ف. بیلول،

کمول.

تفصیل ( tafsíl ) - ا. ف. پوره ویل.

تفکر ( tafakur ) - ا. ف.

اندیننه کول.

تفنگ ( tufang ) - ا. توپک.

تفهیم ( tafhím ) - ا. ف.

پوهول، پوه کول.

تقابل ( taqábul ) - ا. ف.

مخامخ، مخامخ کېدل.

تقاضا ( taqáza ) - ا. ف. غوښتنه.

تقاعد ( taqá?ud ) - ا. ف.

ناسته، کښیناسته.

تقیح ( taqbeh ) - ا. ف.

میارنه، غندنه.

تقدم ( taqadum ) - ا. ف.

وړاندی والی.

تضاد ( tazád ) - ا. ف. وړانوالی.

تطبيق ( tatbÍq ) - ا. ف. پرتله.

تعادل ( ta?adul ) - ا. ف.

اندول والی.

تعالی ( ta?alÍ ) - ا. ف. لوړیدل.

تعبیر ( ta?bÍr ) - ا. ف. وین، وینا.

تعداد ( ti?dad ) - ا. ف. شمیر.

تعریف ( ta?rÍf ) - ا. ف.

پیژند کلوۍ.

تعقیب ( ta?qÍb ) - ا. ف.

پسی کېدل.

تعلیم ( ta?lÍm ) - ا. ف.

ښوونه، لولول.

تعمیر ( ta?mÍr ) - ا. ف.

ودانی کول.

تعنه ( ta?na ) - ا. ف. هوده.

دښمنی کول.

تعویق ( ta?wÍq ) - ا. ف.

ځندول، اټالول. تالنه.

تعین ( tay?Íyn ) - ا. ف. غوره

کیدل، ټاکل کیدل.

تغیر ( tagÍyr ) - ا. ف. اوښتل.

تفاوت ( tafáwut ) - ا. ف. توپیر.

تکذیب (takzīb) - ا.ف. دروغجنوال.  
 تکرار (tikrār) - ا.ف. له سره کول، بیا بیا رویدل.  
 تکریم (takrīm) - ا.ف. نمانځل، درنول.  
 تکلم (takalum) - ا.ف. خبری کول.  
 تکلیف (taklīf) - ا.ف. زمنه، جنجال، خواری، غم.  
 تکمیل (takmīl) - ا.ف. بشپړول.  
 تکه (tika) - ا.ف. ټوټه، ټوکر.  
 تلاشی (talāshī) - ا.ف. پلټون، پلټل.  
 تلافی (talāfī) - ا.ف. وټه.  
 تلاوت (talāwat) - ا.ف. لوستنه.  
 تلخ (talx) - ص. تریخ، اشار.  
 تلف (talaf) - ا.ف. ځار، توی.  
 تلفظ (talafuz) - ا.ف. کړت.  
 تلک (talak) - ا.ف. تلکه، بتکی.  
 تماس (tamās) - ا.ف. سره موبستل، بلورل.  
 تماشا (tamāša) - ا.ف. ننداره، سیل.

تقدیر (taqdīr) - ا.ف. کچل، کچه کول، ستایل.  
 تقدیم (taqdīm) - ا.ف. وړاندی کول.  
 تقسیم (taqsīm) - ا.ف. ویشل، ونډی کول.  
 تقلید (taqlīd) - ا.ف. پیښی، سوانگ.  
 تقلیل (taqlīl) - ا.ف. لږول.  
 تقویت (taqwīyat) - ا.ف. برم ورکول، ټینګول.  
 تقویم (taqwīm) - ا.ف. سمول.  
 تک (tak) - ص. یواځی.  
 تکافو (takāfo) - ا.ف. سمون، سمواله.  
 تکان (takān) - ا.ف. تکان، څندنه.  
 تکاندن (takāndan) - ا.ف. خان پر سول.  
 تکبر (takabur) - ا.ف. لوی ګنل.  
 تکبیر (takbīr) - ا.ف. الله اکبر ویل.  
 تکثیر (taksīr) - ا.ف. ډیرول.

تنو مند (tanomand) - ص دډو.  
 تنه ( tana ) - ا. خان.  
 تناب ( tanáb ) - ا. تناو.  
 تناقص ( tanāqus ) - ا. ف.  
 وروورو لیریدل.  
 تنبل (tanbal) - ا. کھال. لت.  
 تنبور ( tanbūr ) - ا. تنبور.  
 تنبه ( tanbih ) - ا. ف.  
 وینیدل، خبریدل.  
 تنبيه ( tanbiya ) - ا. ف.  
 وینول، خبرول.  
 تند ( tund ) - ا. تیره.  
 تندرو (tundro) - ص. م. بروس، بوټ.  
 تنزیل ( tanzíl ) - ا. ف.  
 تیتوال، کوزول.  
 تنظیف ( tanzíf ) - ا. ف.  
 ستره کول، پاکول.  
 تنظیم (tanzím) - ا. ف. پیودل.  
 تنفر (tanafur) - ا. ف. کرکه.  
 تنفس ( tanafus ) - ا. ف.  
 ساکنیل، ساکنیل.  
 تنگدل (tangdil) - ص. م.  
 سا دوبي، زر خورپینی.  
 تنگی (tangí) - ا. تنگسه.

تمام (tamám) - ا. ف. بشپړ.  
 تمثيل (tamsíl) - ا. ف. مثل تیروول.  
 تمجید (tamjíd) - ا. ف. لوی بلل.  
 تمدن (tamadun) - ا. ف. ودانیت.  
 تمديد (tamdíđ) - ا. ف. اوږدول.  
 تمر د (tamarud) - ا. ف.  
 سر غرته، غاړه غړول.  
 تمرکز (tamarkuz) - ا. ف.  
 خای نیول.  
 تمسخر ( tamasxur ) - ا.  
 ف. پشاری، ملندی.  
 تمکین (tamkín) - ا. ف. درناوی.  
 تملق ( tamaluq ) - ا. ف.  
 غور مالی، رما.  
 تمنی ( tamaná ) - ا. ف.  
 ا سره هیله.  
 تمیز ( tamíz ) - ا. ف. بیلول.  
 تن ( tan ) - ا. خان.  
 تن آسا ( tanásá ) - ص. ف.  
 خان پالی.  
 تن خواه ( tanxwáh ) -  
 خور، مهینه.  
 تندرست ( tandurust ) -  
 ص. م. روغ رمت.

- تنویر (tanwīr) - ا. ف. بلول، لگول.
- تنها (tanhá) - ص. سورتونه، یواخی.
- تو (tú) - ض. ته، تا.
- تواریخ (tawārīx) - ا. جم. تاریخونه.
- توازن (tawāzun) - ا. ف. اندول، هم تول.
- توافق (tawāfuq) - ا. ف. جورپدل، اسلپدل.
- توان (tawān) - ا. اوس، واک.
- توانا (tawāna) - ص. وسمن، واکمن.
- توانستن (tawānistan) - ا. ف. د لاسه کیدل، له وسه کیدل.
- توانگر (tawāngar) - ص. بدای، شته من.
- توانگری (tawāngarī) - ص. بدای، شته منی.
- توبه (toba) - اشا. توبه.
- توبیخ (tawbīx) - ا. ف. ترپل.
- توت (tút) - ا. توه، توت.
- توجه (tawajuh) - ا. ف. پام، پاملرنه، مخ کول.
- توجیه (tawjīh) - ا. ف. پام کول، مخ کول.
- توسط (tawasut) - ا. ف. منځگری کول، واسطه کول.
- توسعه (taws?a) - ا. ف. ارتوالی.
- توسل (tawasul) - ا. ف. خان نردی کول.
- توسیع (tawse?) - ا. ف. پراخول.
- توشک (tošak) - ا. تولایی، تایی، لاندیستونی.
- توصیف (tawsíf) - ا. ف. ستایل، سپت کول.
- توصیه (tawsya) - ف. زیرمه.
- توضیح (tawzeh) - ا. ف. روښانه، ښکاره.
- توفیق (tawfīq) - ا. ف. مرسته کول.
- توقع (tawaqo?) - ا. ف. اسره، هیله.
- توقیف (tawqīf) - ا. ف. درول، اتالول.
- توکل (tawakul) - ا. ف. توکل وپسا.
- تولد (tawalud) - ا. ف. زیږیدل.
- تولید (tawlīd) - ا. ف. زیږول.
- تهاجم (tahajum) - ا. ف. ورنه.

تیر ماه ( tīrmáh ) - ا.م.منی.

تیره ( tīra ) - ص. تیاره، تت.

تیز ( tez ) - ص. تیره.

تیشه ( teša ) - ا. ترخخ، تخخ.

تیغ ( teg ) - ا. توره.

تیل ( tel ) - ا. تیل، تور، غور.

تیم ( tīm ) - ا. تیم.

تیمار ( tīmār ) - ا. روزنه

تیمم ( tayamum ) - ا. ف.

تیون، وچ اودس.

تهدید ( tahdīd ) - ا. ف.

زورنه، پټکه.

تهنیت ( tahniyat ) - ا. ف.

مبارکی، مبارکی.

تهی ( tihī ) - ا. ص. تش.

تهیه ( tahya ) - ا. ف. جوړیا،

تا پو، تیاری.

تیاتر ( tayātr ) - ا. تیاتر.

تیر ( tīr ) - ا. غشی، بش، تیر.



## ث

ثروتمند (surwatmand) -

ص. فا. بدای، مور.

ثری (ثرا) (sarā) - ا. نمجنه زمکه

زیم لرونکی زمکه نم

جنه خاوره، خاوره.

ثری (sarā) - ص. بدای، مور.

ثریا (surayā) - ا. هبرونی،

خمبک ستوری.

ثرید (saríd) - مف.

خشته کری چوچی.

ثغر (sağar) - ا. غابن، د مخ

غابن، برید.

ثفل (sufl) - ا. ختپیل، گبجه، پوسل.

ثقابت (saqábat) - ا. ف.

بلبدل، خلبدل.

ثقات (saqát) - ص. سپین

روبی، سپین دروبی.

ثابت (sábit) - ا. فا. ټینگ،

زبات، واره ستوری.

ثاقب (sáqib) - ا. فا.

روبنانه ستوری.

ثالث (sális) - ص. دریم،

دریمان.

ثالثه (sálisha) - ص. دریمه.

ثانوی (sánawí) - ص. ن. دوم.

ثبات (subát) - ا. ف.

سته، پای، ټینگواله.

ثبوت (subūt) - ا. ف.

زباد، اډونه.

ثخانت (saxánat) - ا. ف.

هرپرېدل، پنډېدل.

ثخین (saxín) - ص. پریر، گانه.

ثروت (surwat) - ا. بدایی.

ثلاثی ( salāsī ) - ا. دری حرفی

کلمه لکه فرس، فلس.

ثلج ( salj ) - ا. واوره.

ثلمه ( sulma ) - ا. سوری، چاود.

ثمر ( samar ) - ا. میوه.

ثمانی ( samānī ) - ا. آته،

داتو عدد، له نهو دمخه عدد.

ثمن ( saman ) - ا. آتمه،

اتمہ برخه، یو په آته.

ثمین ( samīn ) - ص. قیمتی شی،

قیمتی.

ثنا ( sanā ) - ص. ثنا و صفت،

اشتیایندوی، ستاینه.

ثنایا ( sanāyā ) - ا. جم - دوه

مخامخ غابونه، داری.

ثواب ( sawāb ) - ا. اجوره،

بڼه، بڼه بڼندنه.

ثور ( sawar ) - ا. غوی، غوڅکی.

ثوب ( sawb ) - ا. اغوستن،

داغوستلو کالی، لباس.

ثوم ( sūm ) - ا. هوره.

ثیاب ( seyāb ) - ا. جم، جامی، کالی.

ثیب ( sayeb ) - ص. متاهل.

ثقافت ( saqāfat ) - ا. ف.

پوهنبت، پوهېدنه.

ثقالت ( saqālat ) - ا. ف.

درنېدل، دروند والی.

ثقب ( saqab ) - ا. جم.

سوره، سوری.

ثقبه ( saqaba ) - ا. وړوکی سوری.

ثقلت ( siqlat ) - ص.

دروندوالی، دروند،

د ډوډی دروندوالی معده کی.

ثقلین ( saqalayn ) - ا. جم.

انس و جن، انسان او پری.

ثقیف ( saqīf ) - ص. چالاک،

پوه، څیرک.

ثقیل ( saqīl ) - ص. دروند،

هغه څوک چی خبره یی

په نورو سخته تما میری.

ثقه ( siqa ) - ص. سپین دروبی،

گونده، کره.

ثکلی ( saklay ) - م. ف. هغه

بڼه چی زوی مرشوی وی.

ثلاث ( salās ) - ا. دری.

## پ

پارسال ( pársál ) - ق .  
 پروسكال .  
 پارسل ( pársal ) - ا . پارسل .  
 پارسى ( pársí ) - ا . پارسى .  
 پاره ( pára ) - ا . ف . خيروول .  
 پاس ( pás ) - ا . ف . عزت كول ،  
 قدر كول .  
 پاسبان ( pásbán ) - ا .  
 ص . محافظ .  
 پاسخ ( pásix ) - ا . خواب .  
 پاسره ( pástra ) - ا . ص .  
 ذخيره .  
 پاشان ( pášan ) - ا . ف .  
 تيت .  
 پاش دادن ( pásdádan ) -  
 ا . ف . تيتول .  
 پاشنه ( pášna ) - ا . پونده .

پا ( pá ) - ا . پينه .  
 پابرجا ( pábarjá ) - ص . م .  
 خاى په خاى .  
 پاپى ( pápí ) - ا . كوته .  
 پات ( pát ) - ا . پات ، تخت .  
 پاچه ( páča ) - ا . پيانخه .  
 پاداش ( pádas ) - ا .  
 مزدورى ، وجوره .  
 پادشاه ( pádsáh ) - ا .  
 ص . پاچا .  
 پاده ( páda ) - ا . رمه ، كله .  
 پار ( pár ) - ق . پروس كال .  
 پاراگراف ( páragiráf ) -  
 ا . پاراگراف .  
 پارچه ( párča ) - ا . توتيه .  
 پارسا ( pársa ) - ص .  
 پرهيزكار .

پایان (páyán) - ا. اخیر، پای.  
 پای بند (páyband) - ا.  
 ص. ټینگ، ولاړ.  
 پای پاک (páypák) - ا. م.  
 پای پاک.  
 پای پوش (páyposh) - ا. م. بوت  
 پایتخت (páytaxt) -  
 ا. م. پایتخت.  
 پای زیب (páizeb) -  
 ا. م. پای زیب.  
 پای کوب (páykob) - ا.  
 پای کوب  
 پای کوبی (páykobÍ) -  
 ا. ف. گدا سنخا.  
 پایگاه (páygáh) - ا. م. پایگاه.  
 پای مال (páymál) - ص.  
 مف. لغت کول.  
 پایه (páya) - ا. مته، ډاکه.  
 پائیز (páyez) - ا. منی.  
 پت (put) - ا. ص. پټ.  
 پترول (pitrol) - ا. پترول.  
 پتره (patra) - ا. پتری.  
 پتنوس (patnús) - ا. پتنوس.

پاغنده (págunda) -  
 ا. ف. باغنده.  
 پاکدامن (pákdáman) -  
 ص. م. پاک لمن.  
 پاک دل (pákdil) - ص. ف.  
 پاک زره.  
 پاک سرشت (páksirish) -  
 ص. م. سپیخلی.  
 پاک کاری (pákkarÍ) -  
 ا. ف. پاکول.  
 پاک نفس (páknafs) -  
 ص. م. پاک زری.  
 پاک نویس (páknawís) -  
 ص. م. پاک نویس.  
 پاکي (pákÍ) - ص. سپیخلتیا.  
 پاکیز (pákÍza) - ص. سپیخلتیا.  
 پالان (pálán) - ا. کته.  
 پالش (pálish) - ا. ف. پالش.  
 پالک (pálak) - ا. پالک.  
 پالیز (pález) - ا. باغ سبزی، پالیزه.  
 پامیر (pámÍr) - ا. پامیر.  
 پانزده (pánzda) - ا. پنخلس.  
 پاو (páw) - ا. پاو.

پراشوت ( parāṣot ) - ا.

پراشوت.

پراگنده ( parāganda ) - ا.

تیت.

پرتاب ( partāb ) - ا. ف. اچول.

پرتو ( partaw ) - ا. ف. خلیل.

پرچم ( parčam ) - ا. بیرغ.

پرچون ( parčūn ) - ا. پرچون.

پر خاش ( parxāš ) - ا. ف.

جنجال.

پر خچه ( paraxča ) - ا. توتیه.

پردل ( purdil ) - ص. م.

ډک زړه.

پرده ( parda ) - ا. پرده.

پرده دری ( pardadarī ) -

ص. ف. رسوای ( بر بنده )

پرده نشین ( pardanišīn ) -

ص. ف. خلوت.

پوزه ( purza ) - ا. پوزه.

پوسان ( pursān ) - ص.

فا. پوښتنه.

پرستار ( parastār ) - ا.

فا. ساتونکی.

پتو ( patū ) - ا. پتو.

پتونۍ ( patūnī ) - ا. پتونۍ.

پته ( پندلی ) ( pata ) - ا. پته.

پختن ( puxtan ) - ا. ف.

پخول.

پخته ( puxta ) - ص. پخه.

پخته ( paxta ) - ا. مالوچ.

پخته سال ( puxtasāl ) -

ا. م. دپوخ عمر سړی.

پخته کار ( puxtakar ) -

ص. م. دکار سړی ،

پوخ سړی.

پدر ( padar ) - ا. پلار.

پدر اندر ( padarandar ) -

ا. ص. پلندر.

پدر کلان ( padarkalān ) -

ا. م. نیکه.

پذیرائی ( pazīrayī ) - ا.

ف. هر کلی.

پر ( par ) - ا. بڼکه.

پر ( pur ) - ص. ډک.

پرارسال ( pirarsāl ) - ق.

پرسرکال

پروپاگاندا (puropágand) -  
 ا. پورو پاگند.  
 پروتوکول (purotokol) -  
 ا. ف. موافقه.  
 پروردگار (parwardigār) -  
 ص. فا. خښتن تعالی.  
 پرورش (parwaris) - ا.  
 ف. روزنه.  
 پرهیز (parhez) - ا. عبادت،  
 ډډه.  
 پرهیزگار (parhezgār) -  
 ص. فا. عبادت کونکی.  
 پری (parí) - ا. بناپیری.  
 پروروز (pareroz) - ق.  
 وړمه ورځ.  
 پریشان (piresān) - ص.  
 خپه.  
 پژمورده (pažmurda) - ا.  
 ف. مړاوی.  
 پس انداز (pasandáz) -  
 ا. ص. سپما. زیرمه.  
 پسته (pista) - ا. پسته.

پرستش (parastis) -  
 ا. ف. عبادت (نمانځنه)  
 پرستو (parasto) - ا. توتکی.  
 پرستیژ (parastež) - ا.  
 پرستیژ، وقار.  
 پرسش (pursis) - ا. ف.  
 پوښتنه.  
 پرسشنامه (pursisnāma) -  
 ا. م. پوښتنلیک.  
 پرسنده (pursinda) - ا.  
 ف. لیرونکی.  
 پرکار (purkār) - ص. م.  
 پرکار.  
 پرکار (parkār) - ا. پرکار.  
 پرنده (parinda) - ا.  
 الوتونکی.  
 پرنیان (parniyān) - ا.  
 ورینیم.  
 پروا (parwā) - ا. پروا.  
 پرواز (parwáz) - ا. ف.  
 الوتنه.  
 پروانه (parwāna) - ا.  
 الوتونکی.

- پس خانہ ( pasxána ) -  
 ۱ . پس خانہ .
- پس خورده ( pasxorda ) -  
 ص . مف . پاتی شوی .
- پسر ( pisar ) - ۱ . زوی .
- پس رفته ( pasrafta ) -  
 ص . کم جرائتہ ، بی زړه .
- پس شب ( pasisab ) - ۱ . م .  
 شومه دم .
- پس کوچہ ( paskoča ) -  
 ۱ . م . کوخه .
- پس مانده ( pasmánda ) -  
 ص . وروسته پاتی .
- پسند ( pisand ) - ۱ . ف .  
 په زړه پوری .
- پشت ( pušt ) - ۱ . شا ، خټ .
- پشتاره ( puštára ) - ۱ . پنډو .
- پشت کار ( puštikár ) -  
 ص . م . جدی ، خواری کښ .
- پشته ( pušta ) - ۱ . غونډی .
- پشتی ( puští ) - ۱ . وزر . پښتی .
- پشک ( pišak ) - ۱ . پیشو .
- پشم ( pašm ) - ۱ . وړی .
- پشه ( paša ) - ۱ . ماشی ، منگس .
- پف ( puf ) - ۱ . پوکی .
- پکوره ( pakawra ) - ۱ . پکوره .
- پکه ( paka ) - ۱ . بیوزی .
- پگاه ( pagá ) - ۱ . سهار ، گھیخ .
- پل ( پای ) ( pal ) - ۱ . پل .
- پل ( pul ) - ۱ . پل .
- پلته ( palta ) - ۱ . پلته .
- پلک ( pilk ) - ۱ . بانہ .
- پلنگ ( palang ) - ۱ . پرانگ .
- پلو ( palaw ) - ۱ . پلو .
- پلوان ( pulwán ) - ۱ . پولہ .
- پله ( pala ) - ۱ . پلہ ، تلہ .
- پمپ ( pamp ) - ۱ . پمپ .
- پناه ( paná ) - ۱ . پت .
- پناہندہ ( panáhinda ) - ۱ .  
 ف . پناہ اخیستونکی .
- پنبہ ( punba ) - ۱ . مالوچ .
- پنجال ( panjál ) - ۱ . منگول .
- پنجرہ ( panjara ) - ۱ . پنجرہ .
- پنجه ( panja ) - ۱ . خپر . پنجه .
- پنجه چنار ( panjačínár ) -  
 ۱ . م . چنار .
- پنچر ( pančar ) - ۱ . پنچر .

پوسیده (posída) - ا. ف.  
 وروسته.  
 پوش (poš) - ا. پوښ.  
 پوشاک (pošák) - ا. جامی.  
 پوشیده (pošída) - ا. ف. پت.  
 پوقانہ (poqána) - ا. پوکانی.  
 پوک (pok) - ص. پوک.  
 پولدار (púldár) - ا. م.  
 ثروت مند.  
 پول سیاہ (púlisiyá) -  
 ا. م. میدہ پیسی.  
 پھرہ (pahra) - ا. پھرہ.  
 پهلوان (pahlawán) -  
 ص. پهلوان.  
 پیادہ (piyáda) - ا. پلی.  
 پیاز (piyáz) - ا. پیاز.  
 پیالہ (piyála) - ا. پیالہ.  
 پیام (payám) - ا. پیام، پیغام.  
 پیچان (pečán) - ص. فا.  
 گلکوتی، گور گوتی.  
 پیچک (pečak) - ا. پروتی.  
 پیچہ (píča) - ا. اوربل، پیچکہ.  
 پیر (pír) - ص. بودم.  
 پیراھن (peráhan) - ا. کمیس.

پند (pand) - ا. عبرت،  
 نصیحت، ورم.  
 پندک (pandak) - ا. پندہ.  
 پنیرک (panerak) - ا.  
 پندیرک.  
 پوپک (popak) - ا. خونہی.  
 پوپنک (popanak) - ا.  
 چنیاسی.  
 پوچ (puč) - ص. بی مغز، پوچ.  
 پوچ مغز (pučmagz) -  
 ص. م. بی مغز، ناخبری.  
 پودینہ (púdína) - ا. ویلنی.  
 پور (púr) - ا. زوی.  
 پوز (púz) - ا. تمبوزی.  
 پوز خند (púzxand) -  
 ا. م. پس خند.  
 پوزش (pozis) - ا. ف.  
 بښنه.  
 پوست (post) - ا. پوستکی،  
 پوتکی.  
 پوست کردن (postkardan) -  
 ا. ف. پوستول.  
 پوستین (postín) - ا. پوستین.



پیروز (peroz) - ص. بریالی.

پیزار (payzár) - ا. پنی.

پیسه (paysa) - ا. روپیه.

پیشانی (pešaní) - ا. تڼده، تندی.

پیش قبض (pešqabz) -

ا. م. ستووه.

پیشنهاد (pešnihád) -

ا. ف. وړاندیز.

پیشوا (pešwá) - ص. لارښوونکی.

پیک (payk) - ا. قاسد، رویبار.

پیکار (paykár) - ا. شخړه.

پیکان (paykán) - ا. غشی.

پیکر (paykar) - ا. سټه، تمه.

پیمان (paymán) - ا. تړون.

پینه (pína) - ا. پیوند، توتیه.

## ج

جای ( jāey ) - ا. خای .  
 جادو ( jādū ) - ا. کوډې .  
 جادو گر ( jādūgar ) - ا. فا .  
 کوډ گر .  
 جاده ( jāda ) - ا. لار ، ليار .  
 جارو ( jāru ) - ا. ربيخ ، جارو .  
 جاری ( jāri ) - ا. فا . بهاند ،  
 روان .  
 جاری شدن ( jāriśudan ) -  
 ا. ف . بهول ، روانول .  
 جاری کردن ( jārikardan ) -  
 ا. ف . بهيدل ، رانيدل .

جا ( jā ) - ا. خای .  
 جا انداختن ( jāandāxtan ) -  
 ف . خای اچول .  
 جا بر جا ( jābarjā ) - ا. ف .  
 خای پر خای .  
 جابر جا شدن ( jābarjāsudan ) -  
 ا. ف . خای پر خای کيدل .  
 جا گرفتن ( jāgiriftan ) -  
 ف . خای نيول .  
 جانشین ( jāniśin ) -  
 ا. ص . خاینا ستای .  
 جانماز ( jānamāz ) - ا. مسله .

جاندار (jándár) - ۱. ساکن،

ژوی.

جان کندن (jánkanda) -

۱. ف. ځنکندن.

جانب داری (jānibdār) -

۱. ف. پلوي.

جانب (jānib) - ۱. لور، خوا،

پلو.

جانی (jānī) - ۱. ف. اوبالی.

جاوید (jāwed) - ص. تل ترته.

جاویدان (jāwedán) -

ص. تل ترته.

جاه (jāh) - ۱. پت.

جاهل (jāhil) - ص. نا پوه،

خروک.

جای (jāy) - ۱. تون ځای. تکانه.

جايداد (jāydād) - ۱. سپری،

شته.

جای نماز (jāynamāz) - ۱.

م. مسله.

جبار (jabār) - ۱. ف. واکنم،

زورور.

جبال (jabāl) - ۱. جم. غرونه.

جبر (jabr) - ۱. زور، تیر غمی.

جبران (jabrán) - ۱. ف. کوشیر.

جبه (jabha) - ۱. وچلی، اچرلي،

تنده، تندی.

جبین (jabīn) - ۱. تنده، تندی.

جد (jad) - ۱. خواری، مته،

نیکه، با با.

جدی (jidī) - ۱. ص. پربنتیا،

دزړه.

جدیت (jidyat) - ۱. ف. خواری

، کوربه زیار.

جدا (judá) - ص. گونښی، بیل.

جدا جدا (judá judá) -

ص. بیل، بیل، جلا جلا.

جراح (jarāh) - ا. ف. پرهاری.

جراحی (jarāhī) - ا. ف.

پرهارونه.

جرس (jaras) - ا. کړنگانی،

ډغړنی.

جرعه (jur?a) - ا. غړپ،

کوټ.

جرگه (jirga) - ا. جرگه، مرکه.

جرم (jurm) - ا. وبال.

جرمانه (jurmāna) - ا.

پره، گرمانه.

جرئت (jur ʔt) - ا. ف. زغر،

برید.

جریان (jiryān) - ا. ف.

بهدنه.

جریب (jirīb) - ا. جریب،

تراو.

جریده (jarída) - ا. اخبار،

خره، یلغز.

جدا شدن (judášudan) -

ا. ف. بیلول، جلا کول.

جدا کردن (judá kardan) -

ا. ف. بیلیدل، جلا کول.

جدائی (judáci) - ا. ف.

بیلتون.

جدال (jadál) - ا. جگره،

جنگ.

جدل (jadal) - ص. میرخی،

دښمنی.

جدول (jadwal) - ا. لښتی.

جذب (jazb) - ا. ف. راڅکول

کشول.

جذبه (jazaba) - ا. څکونه

جر (jar) - ا. څکول، کشول.

جراحت (jaráhat) - ا. پرهار.

جرايد (jarayid) - ا. جم.

اخبارونه.

جرايم (jaraiym) - ا. جم.

وبالونه، گناوونه.

جرح (jarh) - ا. ف. پرهار.

جریمه (jaríma) - ص. وبال

جز (juz) - کلمه شرطیه، انډول.

جزا (jazá) - ا. ف. جزا.

جزیره (jazíra) - ا. ټاپو، چچاری.

جدیه (jazíla) - ا. ججه، جیجه.

جسارت (jasárat) -

ا. زړور توب.

جستن (jastan) - ا. ف.

توپو وهل.

جستن (justan) - ا. ف. لټول،

پلتن.

جستجو (justujo) - ا.

ف. تپوس، پلتنه.

جسد (jasad) - ا. ځان، سرت.

جسم (jism) - ا. ځان، تن.

جسور (jasúr) - ص. څرلی،

زړور.

جشن (jašn) - ا. میله.

جعل (ja?l) - ا. ف. کول، چلولی.

جعلی (ja lí) - ص. چلولی.

جفا (jafa) - ا. ف. خور، تلغمه،

تیر غمی.

جفت (juft) - ا. جوړه، غبرگ.

جفت شدن (juftsudan) -

ا. ف. جوړه کیدل.

جگر (jigar) - ا. ځگر.

جگر پاره (jigar pára) -

ا. م. د زړه سر.

جگر خون (jigarxún) -

ا. م. شیشکه. نیټه

جگر گوشه (jigargosa) -

ا. م. د زړه ټوټی.

جلاب (jaláb) - څکاوو.

جلاد (jalád) - ا. ف. جلاد

جلال (jalál) - ا. ف. لویی،

لویوالی.

جنازه ( jināza ) - ا. اورمړی.

جنایتکار ( jināyatkar ) -

ا. فا. و بالی.

جنبانندن ( junbāndan ) - ا.

ف. خو خول.

جنت ( jannat ) - ا. جنت.

جنگ ( jang ) - ا. جگره.

شخره.

جنگل ( jangal ) - ا. خره ،

خنگل.

جنوب ( junūb ) - ا. لمر.

کین ، سو هیل.

جنون ( junūn ) - ص.

لیونتوب.

جواب ( jawāb ) - ا. خواب.

جو ( jaw ) - ا. اوربشی.

جواری ( jawārī ) - ا. جوار.

جواز ( jawāz ) - ا. روا.

جلب ( jalb ) - ا. ف. لنډی،

را خکول.

جلسه ( jalasa ) - ا.

کسینسنل.

جماعت ( jamāʔat ) - ا.

ټولګي، ټولګی.

جمع ( jamʔ ) - ا. ف. ټول.

جمع شدن ( jamaʔsudan ) -

ا. ف. ټول بدل.

جمعه ( jumʔa ) - ا. جومه.

جمله ( jumla ) - ا. وار.

، ټوله ، خبره.

جمله ګی ( jumlagī ) - ا.

ټوله.

جمهور ( jumhūr ) - ا.

ولس ، بهیر.

جمهوری ( jumhūrī ) -

ا. ولسواکی.

جنایت ( jināyat ) - ا. ف.

اوبنتل، و بال ګناه.

جوش ( juš ) -ص. زغره.  
 جوشاندن ( jušāndan ) -  
 ا. ف. خوبنول، خوتول.  
 جهاد ( jahād ) - ا. غزا.

جوال ( juwāl ) - ا. کیچ،  
 جوال.  
 جوان ( jawān ) - ا. زلمی، خلمی.  
 جوره ( jura ) - ا. جوړه.

## ح

- حاتم (hātam) - ا.ص. قاضی.
- حاجی (hājī) - ا.فا. حاجی.
- حاجت (hājat) - ص. اړه.
- حاجت مند (hājatmand) -  
ص. م. اړه لرونکی.
- حادثه (hādisa) - ا.فا. پېښه.
- حاذق (hāziq) - ا.فا. پوه.
- حاشیه (hāsiya) - ا. خنډ،  
ژی، جاچی.
- حاصل (hāsil) - ا.فا. گټه،  
اخسته، ترلاسه.
- حاصلخیز (hāsilxez) -  
ص. م. ابره وره
- حاصل کردن (hāsilkardan) -  
ا.ص. گټه کول،  
ترلاسه کول.
- حاضر (hāzir) - ا.فا. شته، حاضر.
- حاضر جواب (hāzir jawāb) -  
ص. م. ځواب لوخی،  
زر ځوابی.
- حاضر و آماده (hāziroāmāda) -  
ص. م. تیار، چمتو.
- حاضری (hāziri) - ا.فا. حاضری.
- حافظ (hāfiz) - ا.فا. ساتونکی،  
ساتندوی.
- حافظه (hāfiza) - ا.فا. حافظه.



حال (hāl) - ا. اوس.

حالا (hālā) - ق. دستی.

حامد (hāmid) - ا. ف.

ستايونکي، ستايوال.

حامل (hāmil) - ا. فا. باروړونکي.

حامله (hāmila) - ا. فا.

بلاربه، امیندواره.

حامی (hāmī) - ا. فا. ساتندوی،

د سر سیوری.

حاوی (hāwī) - ا. فا. چاپیرونکي.

حب (hub) - ا. مینه.

حایز (hāiz) - ا. فا. راټولونکي.

حباب (hubāb) - ا. و. بی،

پوکښي، پوتکه.

حبس (habs) - ا. ف. اړيځي،

بندي.

حبوب (hubūb) - ا.

جم. نیني، دانې.

حبيب (habīb) - ا. ص.

رښتني آشنا، مینه وال.

حتم (hatim) - ا. ص. هرومرو.

حتی (hata) - حرف جر. تر.

حتى المقدور (hatalmaqdūr)

ا. ص. تروسه.

حجاب (hijāb) - ا. پلو.

حجاج (hujāj) - ا. جم. حاجیان.

حجره (hujra) - ا. کورټک.

حدت (hidat) - ا. ف.

سوریدل، تیره کیدل.

حدس (hads) - ا. ص. اټکل.

حدقه (hadaqa) - ا.

د سترگو تور.

حدیث (hadīs) - ا. ص. نوی.

حذر (hazar) - ا. ډار. اتيات بیره.

حر (hur) - ص. ساهو.

خپلواک سړی.

حریت (huriyat) - ا. ص.

پرانتون، ساهو گلوی.

حرارت ( ḥarārat )-ا.ف

تودوخه، توروالی.

حراس ( ḥirās )-ا.ص

ساتونکی.

حراست ( ḥirāsāt )-ا.ف

نگهبانی، ساتندوی.

حرام ( ḥarām )-ا.ص

ناروا.

حرب ( ḥarb )-ا.جنگ،

جگړه.

حربه ( ḥarba )-ا.

لنډه، توره.

حرص ( ḥirs )-ا.ف.سوله،

لیواله، سرانستوب.

حرف ( ḥarf )-ا.توری،

تورکی، خبره.

حرفه ( ḥirfa )-ا.چاره،

کاراو پېښه.

حرکت ( ḥarakat )-ا.

خوځیدل، بنوریدل.

حرکات و سکانات

( ḥarakātosakanāt )-

ا.جم.ناسته ولاړه.

حرم ( ḥaram )-ا.حرم شریف،

دحرم کعبه چاپیریال.

حرمان ( ḥirmān )-ا.

بی اسری، نا امید.

حرمت ( ḥurmat )-ا.

حرامول، ناروا گڼل.

حریو ( ḥarīr )-ا.ورینمینه کالی.

حریص ( ḥarīs )-ص.آزمند.

حریف ( ḥarīf )-ص.بده.

حریق ( ḥarīq )-ا.سوی.

حرم ( ḥarīm )-ا.وربوی.

حزب ( ḥizb )-ا.گوند.

حزن ( ḥuzn )-ا.غم.نول.

حزین ( ḥazīn )-ص.غمجن،

تولجن.

حظ ( haz ) - ا. خونند.  
 حفاظت ( hifāzat ) - ا. ف.  
 ساتنه، ژغورنه.  
 حفر ( hufr ) - ا. ف. کیندل.  
 حفظ ( hifz ) - ا. ف. یاد، ساتل، ساتنه.  
 حفیظ ( hafīz ) - ص. یادونکی  
 ساتندوی.  
 حق ( haq ) - ا. رښتیا، وړ.  
 حقدار ( haqdar ) - ص. فا.  
 هکبانندی.  
 حقارت ( hiqārat ) - ا. ف.  
 سپکتیا، سپکاوی.  
 حقایق ( haqāiq ) - ا. جم.  
 رښتیاوی.  
 حقوق ( huquq ) - ا. جم.  
 حقونه.  
 حقه باز ( huqabāz ) - ص. فا.  
 ډبلی مار، مداری.  
 حقیر ( haqīr ) - ص، سپک،  
 سپوتک، خوار.

حساب ( hisāb ) - ا. ف. شمیر.  
 حسد ( hasad ) - ا. ف. غور، ارور.  
 حُسن ( husun ) - ا. ف. ښایست.  
 حسن ( hasan ) - ص. ښه، اغلی.  
 حُسین ( husayn ) - ص. ښایسته.  
 حشر ( hasar ) - ا. ف. پاڅونه،  
 غونډول.  
 حشره ( hasara ) - ا. خوځنده.  
 حشمت ( hasmat ) - ا.  
 دباب، شمشه، سامانه.  
 حصار ( hisar ) - ا. کلا.  
 کوټ، گڼر.  
 حصر ( hasr ) - ا. ف. چاپیرول.  
 حصه ( hisa ) - ا. برخه، ونډه.  
 حضرات ( hazarat ) - ا.  
 جم. ښاغلو.  
 حضرت ( hazrat ) - ا.  
 ښاغلی، درشل.

حقیقی (ḥaqīqī) - ص. ن.

په رښتیا، د زړه.

حکایت (ḥikāyat) - ا. ف.

کیسه، نکل.

حکومت (ḥukūmat) -

ا. ف. حکومت.

حکیم (ḥakīm) - ص. حکیم.

حلال (ḥalāl) - ض. کرنی، الال.

حلاوت (ḥalāwat) - ا.

ف. خوږوالی.

حلف (ḥalf) - ا. لوره، قسم.

حلقه (ḥalqa) - ا. غری، کری.

حلقه.

حلقه حلقه (ḥalqaḥalqa) -

ا. ص. کری، کری.

حلوا (ḥalwā) - ا. الوا، اوښه.

ورښه.

حلول (ḥulūl) - ا. فرانښکته.

کیدل.

حماسه (ḥamāsah) -

ص. زړه وړ توب.

حماقت (ḥamaqat) - ا.

ف. نا پوهنه، نا پووالی.

حمال (ḥamāl) - ص. پندوی.

جووالی.

حمایل (ḥamāil) - ا. لړ، هار.

حمد (ḥamd) - ا. ف. ستاینه.

حمید (ḥamīd) - ص. ستایلی.

حملة (ḥamla) - ا. غورځنگ، برید.

حنیف (ḥanīf) - ص. سم مسلمان.

حوادث (ḥawādis) -

ا. جم. پېښی، توری سړی.

حواس (ḥawās) - ا. جم. حواس.

حواشی (ḥawāshī) - ا. جم.

څنډی، غاړی.

حواله (ḥawālah) - ا. چتی.

حومه (ḥuma) - ا. خواوشا.

چپ و چاپیر.

حویلی (ḥawīlī) - ا. انگر.

سړی، تینگری.

حیات (ḥayāt) - ا. ف.

ژوندون، ژواک.

حیدر (ḥaydar) - ا. زمري.

حیرت (ḥayrat) - ا. ف.

اریانی، اریانیدل.

حيوان (ḥaywān) - ا. ژوند.

ژوندون، ژواک.

حيوان (ḥaywān) - ا. ژوی.

ساکښ.

## خ

خاریدن (xarīdan) - ا. ف. گروول.

خاص (xās) - ص. خانگیری، خاصه.

خاصیت (xāseyat) - ا. خوی، اخته.

خاطر (xātir) - ا. تکه، زره.

خاک (xāk) - ا. خاوره.

خاکباد (xākbad) - ا. م. دوری

خاک جارو (xākjarū) -

ا. م. ورخری، خلبلی.

خاکستر (xākistar) - ا. ایره.

خاکستری (xākistarī) - ص.

ن. خر، ایرن، ایریخ.

خال (xāl) - ا. تکی، پوتی، خال.

خایف (xāyef) - ص. دارن.

خادم (xādim) - ا. ص. چوپری،

چوکر.

خار (xār) - ا. اغزی، ازغی.

خارمغیلان (xārimuǧiylān) -

ا. م. مرکندی، گرهله.

خارا (xārā) - ا. شخره، گاره.

خارج (xārij) - ا. ف. د باندی، بهر.

خارجی (xārijī) - ص. ن.

باندینی، پردی.

خارج شدن (xārijsudan) -

ا. ف. وتل.

خارج کردن (xārijkardan) -

ا. ف. ویستل.

خارش (xāriš) - ا. ف. کله، خارش.

خال زدن (xálzadan) -

ا. ف. ستنوهل.

خاللی (xáll) - ص. تش.

خام (xám) - ص. او مه.

خام بوی (xámboy) -

ص. م. سور بوی.

خامس (xámis) - ص. پنځم.

خاموش (xámoš) - ص.

چپ، غلی، خپ.

خاموش شدن (xámoššudan) -

ا. ف. خپیدل.

خاموشی (xámošl) - ص. چپتیا.

خان (xán) - ا. خان.

خانقاه (xánaqáh) - ا. م. لنگر.

خانه (xána) - ا. کور، مینه.

خانه آباد (xánaabād) -

ا. م. کوردی ودان.

خانه خراب (xanaxarāb) -

ا. م. کور خوری، کور چوری.

خانه دان (xándān) -

ا. م. کورنی، کورمه، کهول.

خانه به خانه (xánabaxāna) -

ا. م. کور په کور.

خانه بدوش (xánabadoš) - ا.

م. کوچی.

خانه دار (xánadar) -

ص. فا. کوروالا.

خانه داماد (xánadámád) -

ا. ص. کور زومی.

خانه واده (xánawáda) -

ا. م. کورنی.

خانم (xánem) - ا. میرمن.

خاور (xáwar) - ا. ختیخ، لمر خواته.

خاین (xāyen) - ص. فا. دغل، درغل.

خبر (xabar) - ا. خبر.

خبیث (xabís) - ص. خپل،

ناولی، ککر.

خبیر (xabír) - ص. پوه.

خپ (xap) - ص. غلی، خپ، چپ.

خجالت (xijálat) - ا. خر، زمنه،

خینگ.

خجالت شدن (xijalatsudan) -

ا. ف. شرمیدل.

خراب (xarāb) - ص. وړان،

ویجاړ.

خرابه (xarāba) - ص.

کنډواله، وړانه.

خراج (xarāj) - ا. لگاوو، تاوونی.

خراس، خروس (Xurās)

(xurās) - ا. چرگ.

خرافات (xirāfat) - ا. جم.

چتیات، ارتاویزی.

خرام (xirām) - ا. نخره، نشم،

شانه، وړانه.

خرامیدن (xirāmīdan) -

ا. ف. نشمیدل،

په نخرو وتل.

خربوزه (xarbūza) - ا. ختکی.

خرچ (xarc) - ا. خرخ، لگښت،

لگون.

خرس (xirs) - ا. هنر، میله.

خجسته (xujista) - ص.

بناد من، ورین، تالیمن.

خجیل (xijil) - ص. خر، خیند، پکه.

خدا (xudá) - ا. خدای څښتن،

خاوند.

خدا حافظ (xudáhafiz) -

ا. م. خدای په امان.

خدا داد (xudádád) -

ص. مف. خدای ورکړی.

خدا یگان (xudáygan) -

ا. ص. پاسوال، پاچا.

خدمت (xidmat) -

ا. ف. چوپړ، خدمت، چوکړی.

خدمه (xadama) -

ا. چوپړان، چوکړان.

خر (xar) - ا. کرکی، خر.

خر (xar) - ا. گیدی، خر، خرډگ.

خر مگس (xarmagas) -

ا. م. بکن.

خر مهره (xarmuhra) -

ا. گوجی، گنجکه.

خرسند (xursand) ص. خوبن

خوشاله.

خورشید (xoršíd) - ا. لمر، نمر.

خرقه (xirqa) - ا. خرکه گودری.

خرگوش (xargos) - ا. سوی.

خرما (xurmá) - ا. کجوره.

خرمن (xirman) - ا. درمن،

درمند.

خروج (xurúj) - ا. ف. وتل.

خروش (xuros) - ا. چیغه، کریکه.

خروشدن (xurošídán) -

ا. ف. سوریدل، چیغیدل.

خریدن (xarídán) ا. ف.

پیرول، اخیستل.

خریطه (xaríta) - ا. کخوره، خلته.

خزان (xazán) - ا. منی.

خزاین (xazáyen) ا. جم.

زیرمی، خزانی.

خزانه (xazána) - ا. زیرمه،

خزانه.

خزیده (xazída) - ا. مف. غلی.

خس دزد (xasduzd) -

ا. م. غلچکی.

خسپیدن (xuspídan) - ا.

ف. خملاستل، پریوتل.

خسته (xasta) - ص. ستړی

ستومانه، خسته زنی.

خسر (xusur) - ا. سخر، خسر.

خسر بره (xusurbura) -

ا. اوښی، اخبښی.

خسر خیل (xusurxel) -

ا. جم. خسر گنی.

خشک (xasak) - ا. سپل،

چښی، اغزکی.

خسوف (xusuf) - ا. بر. تندرہ،

سرنده.

خسیس (xasís) ص. پاسو، تیت.

خشت (xišt) - ا. خښته، سله.

خشت پخته (xistipuxta) -

ص. مف. پخه خښته.

خشک (xušk) - ص. وچ.

خشکابې (xuškábí) - ا. م.

وچوبی.



خطا (xatá) - ا. گناه، اوبال.  
 خطاط (xatát) - ا. ف. بنه لیکی.  
 خطبه (xutba) - ا. بنه وینا،  
 موعظه.  
 خطیر (xatír) - ص. غت، ستر.  
 خفا (xafá) - ا. پت، پتول.  
 خفاش (xafás) - ا. خکالکی،  
 کتیز، شمپرک.  
 خفتن (xuftan) - ا. ف.  
 خمالستل، ویدیدل.  
 خفقان (xafaqán) - ا. ف.  
 خواشیني، خوابدی.  
 خفه (xafa) - ص. خپه.  
 خلص (xulas) - ص. لنډو.  
 خلعت (xil?at) - ا. خلات.  
 خلف (xalaf) - ا. بنه زوی.  
 خلق (xalq) - ا. ف. پنخیدل،  
 پنخول، پنخولی.  
 خلق (xulq) - ص. خوی، غونی.  
 خم (xam) - ا. ص. کور، کړوپ.  
 خم چشم (xamčasm) -  
 ص. مړسترگی.

خشک سال (xušksal) -  
 ا. م. سوکره، وچ کالی.  
 خشک شدن (xušksudan) -  
 ا. ف. وچیدل.  
 خشک کردن (xuškkardan) -  
 ا. ف. وچول.  
 خشم (xasm) - ص. غوسه، گواښ.  
 خشو (xušú) - ا. خواښی.  
 خصوص (xusus) - ا. ف. خانگری.  
 خصوصی (xusúsí) - ص.  
 ن. خانه، خاص خانه.  
 خصومت (xusumat) - ص.  
 دښمني، میرختی.  
 خضرا (xazrá) - ص. سبز، شین.  
 خضوع (xuzo?) - ا. ف. کمینی،  
 تیته.  
 خط (xat) - ا. لیک.  
 خط آهن (xatiáhan) - ا. مر.  
 اوسپن لیکه.  
 خط کش (xatkaš) -  
 ا. مر. ختیکه، خط کش.  
 خط راست (xatirást) -  
 ا. مر. سمه کرښه.

خو اهش (xāhis) - ا. ف.  
 غو بنسټه، خو بنه.  
 خوب (xúb) - ص. بنه.  
 خود (xod) - ضم. خپل.  
 خوراک (xorák) -  
 ا. خواره، خوروم.  
 خورد (xord) - ا. ورکي، کمکي  
 کوچنی.  
 خوردن (xordan) - ا. ف. خورل.  
 خوش (xoš) - ص. خوښ.  
 خوش آمدید  
 خوشامد (xošámed) - ا. ف.  
 بنه راغلاست، هرکله  
 راشی.  
 خوشه (xoša) - ا. وړی.  
 خوشمزه (xošmaza) - ص.  
 م. خوندور.  
 خوش شدن (xošsudan) -  
 ا. ف. خوښیدل.  
 خوک (xúk) - ا. خوک، سوډر.  
 خون (xún) - ا. وینه.

خمیدن (xamídan) -  
 ا. ف. کریدل، توغیدل.  
 خمیر (xamír) - ا. خمیره.  
 خنک (xunuk) - ص. بپاره، یخ.  
 خنگ (xing) - ص. سپین هرشی  
 چه سپین وی، سپین آس.  
 خو (xu) - ا. خوی، غونی.  
 خو کردن (xokardan) - ا.  
 ف. آموخته کیدل، غولی اخیستل.  
 خواب (xáb) - ا. خوب.  
 خوابیدن (xábídan) - ا. ف.  
 بیدیدل، ویدیدلی.  
 خواجه (xwája) - ا. ص. خاوند  
 بادار.  
 خواست (xást) - ا. ف. غوښتنه.  
 خواستگار (xástgar) - ص.  
 فا. مرکه، غو بنسټه.  
 خواستن (xástan) - ا. ف. غوښتل.  
 خواندن (xándan) - ا. ف.  
 غوښتل.  
 خواهر (xáhar) - ا. خور.  
 خواهر خوانده -  
 (xáharxánda)  
 ا. م. دینی خور، خو بنه.

خیال (xiyál) - ا. چرت .  
 خیر (xayr) - ا. بښگره .  
 خیرمقدم (xayrimaqdam) -  
 ا. ف. بښه راغلی .  
 خیز (xez) - ا. ف. ټوپ، خیز .  
 خیززدن (xezzadan) - ا. ف .  
 ټوپ وهل .  
 خیلی (xele) - ق. خورا .

خونخوار (xūxār) - ص. فا .  
 خوناری، خونری .  
 خون ریختن (xūnrextan) -  
 ا. ف. وینه تویول .  
 خیاشنه (xiyāšana) - ا. بښنه .  
 خیاط (xayát) - ا. ص. درزی،  
 گنډونکی .  
 خیانت (xiyanat) - ا. ف. دغل  
 درغله .

## چ

چادر (čádar) - ا. تگری،  
لوپتہ، دانو.  
چادر نشین (čadarnišín) -  
ا. کوچیان، پونده.  
چادری (čadarí) - ا. م.  
مکنہ، اودنہ، خادری.  
چاق (čáq) - ص. روغ، جور.  
چاشت (část) - ا. غرمہ،  
بریختر، خابنت.  
چاقو (čáqu) - ا. چقو، چاکو،  
چکو.  
چاک (čák) - ا. چاور، چو.  
چاکر (čakar) - ا. چوپری،  
چوکر.

چابک (čábuk) - ا. ص.  
چتک، گرنندی، زغرد.  
چابکی (čábukí) - ص.  
ن. چتکی، چالاکی، چابکی.  
چاپ (čáp) - ا. چاپ، تاپ.  
چاپخانہ (čápxána) - ا. تاپخی.  
چاپلوس (čápalús) - ص.  
غورمال، متازو، ستلی.  
چاپلوسی (čápalúsí) -  
ص. ن. غورمالی، غورہ.  
چاپی (čápí) - ص. بلودہ، چاپی.  
چاپیکردن (čápíkardan) - ا. ف.  
بلودل، چاپی کردن.

چپه (čapa) - ف.م. نسکورول

چپه کول.

چپه کردن (čapakardan) -

ا.ف. نسکورول ، چپه کول.

چت (čat) - ا.پشتول ، چت.

چتر (čatr) - ا.چتری، سیورن

چچ (čac) - ا.چج، خپ.

چراگاه (čaragáh) - ا.م.

خر، خر، بیته، ورشو،

راغه.

چرانندن (čarāndan) - ا.ف.

خړول ، پوول.

چرا (čira) - استفهام. ولی، خله.

چراغ (čirağ) - ا.خراغ،

دیوه.

چراغان (čirağán) - ا.جم.

خراغان.

چال (čál) - ا.چنی.

چالاک (čalák) - ص. کاغ

اراده ، چکوره.

چامه (čama) - ا.بدله.

چاه (čah) - ا.کوهی، خا.

چای (čáy) - ا.چای ، چی.

چپ (čap) - م. کین، گخ، چپ.

چپ شدن (čapsudan) - ا.

ف. کوزیدل ، لړیدل.

چپ (čup) - ا.غلی.

چپاول (čapawul) - ا.ف.

نبتل ، پوریکولی ، لگیدل.

چشیدن (ča š ĩ dan) - ا.

ککر، ناولی.

چپلک (čaplak) - ا.خپلی، چوتی.

چپلی (čaplí) - ا.خپلی، چوتی.

چپن (čapan) - ا.غدکه،

چکمنه، خپنه.

چرنند (čaran) - ا. ص. پرتی،

بربادی.

چسپ (časp) - ا. اسل، جوخت

چسپانندن (časpāndan) -

ا. ف. نسلول، پوریکول.

چشانندن (čašāndan) -

ا. ف. خکول.

چشک (čašak) - ا. ف. خکه.

چشم (čašm) - ا. سترکه، لیمه.

چشم آب دادن

(čašmābdādan) - ا. ف.

سترکوته، غور ورکول.

چشم افتادن

(čašmūfutādan) -

ا. ف. سترگواندیرل

سترکه نیمه

چشم بستن (čašmbastan) -

ا. سترگی پتول.

چرب (čarb) - ص. غور.

چرب زبان (čarbzabān) -

ص. م. غورژبی.

چرب شدن (čarbsūdan) -

ا. ف. غوریدل.

چرب کردن (čarbkardan) -

ا. ف. غورول.

چربو (čarbū) - ا. دل،

غوز، د نس وازده.

چرت (čurt) - ا. پرمینخی،

چرت.

چرخ (čarx) - ا. تا وول، خرخ.

چرخانندن (čarxāndan) -

ا. ف. تاوول، خرخول.

چرخ زدن (čarxzadan) - ا.

ف. چر لیدل، تا ویدل.

چرک (čirk) - ص. زوه.

چرک آلود (čirkālūd) - ص.

کرغیرن، خیرن، لغرن.

چرم (čarm) - ا. خرمن.

چقدر (čiqadar) - ق.  
خومره، خونه.  
چقر (čur) - ا. ص. غوچ،  
دوغل، چوغانی.  
چقوری (čurí) - ا. ص.  
کوندری، زوه چوغانی.  
چک (čak) - ا. چوک.  
چکان (čakan) - ص.  
خخیدونکی، خخیدون.  
چکاندن (čakandan) - ا. ف.  
خخول.  
چکش (čakus) - ا. مترکه، ختکی.  
چکک (čakak) - ا. چوغکه.  
چکه (čaka) - ا. خاخکی.  
چلو (čalaw) - ا. سپینی وریجی.  
چلو صاف (čalawsáf) -  
ا. م. نینونی.  
چله (čila) - ا. م. خله.  
چله انگشتر  
(čilaanguštar) -  
ا. م. بندی، خلی.  
چلیپا (čalípa) - ا. مکرک.

چشم پوشی (časm poší) -  
ا. ف. سترگی پتول.  
چشم داشتن (časm dāšan) -  
ا. ف. سترکه کرل،  
سترکه اوښتل.  
چشم روشنی  
(časm rošan) -  
ا. م. زبری.  
چشم سفید (časm safed) -  
ا. م. سپن سترگی.  
چشم سیر (časm ser) - ا.  
م. مور سترگی.  
چشمک (časmak) - ا. سترگک.  
چشمک زدن (časmakzadan) -  
ا. ف. سترکه وهل.  
چشم گشنه (časm gusna) -  
ص. وری سترگی،  
ملالی سترگی.  
چشمه (časma) - ا. چنه، چینه.  
چشیدن (časīdan) - ا. ف.  
خکل.

چوری (čurí) - ا. بنگری.

چوشک (čosak) - ا. کوزه‌پری.

چوشیدن (čošidan) - ف. رودل.

چوکات (čawkat) - ا. چوکات، کانه.

چون (čun) - ق. خنگه، خرنکه.

چه (čih) - حرف. استفهام، څه.

چهار زانو (čaharzanu) -

ا. م. پیلستی، نیگولی

چیدن (čidan) - ا. اودل، روپول.

چیز (číz) - ا. څیز، شی.

چیق (čiq) - ا. چغه، بغاری.

چین (čín) - ا. م. کوت، چن، گرمیل.

چین دار (čindar) - ا. م. کرپتو.

چلیدن (čalidan) - ا. ف.

کومبریدل.

چمن (čaman) - ا. بن، باغ.

چنار (činar) - ا. چنار.

چنان (činán) - ق. هغی.

چنانچه (činančih) - ق.

لکه څه، هغسی چه.

چند (čund) - ا. دپخو په سر، بوخ.

چند (čand) - ق. څو.

چندان (čandán) - ق. دومره.

چنگ (čang) - ا. منگل.

چنگال (čangal) - ا. منگل پنجه.

چنگگ (čangak) - ا. څوکه.

چنین (čunín) - ق. داسی، دغسی.

چوب (čob) - ا. لرگی.

چوپان (čopán) - ا. شپون، شپه.

چوچه (čuča) - ا. بچی، بچونی.

چور (čur) - ا. تالا، لوپ.



## د

دادو گرفت (dādogirift) -

ا. ف. راکړه ، ورکړه .

دادار (dādar) - ا. لوی څښتن .

داداش (dādāš) - ا. لالا ،

روکی .

دادآفرین (dādāfarīn) -

ا. لوی خاوند .

دادن (dādan) - ف. ورکول .

دار (dār) - ا. غرغره ، سولی .

داد آفرین (dādāfarīn) -

ا. ډډی ، سرویردی .

دارالخلافة (dārulxilāfa) -

ا. پلازمینه .

دارالشفاء (dārušifa) - ا .

م. روغځی ، روغتون .

داتوره (dātorra) - ا. باتوره

دمتوره ، بربک .

داخل (dāxil) - ف. دننه ،

ننوتلی .

داد (dād) - ف. نیاو .

دادخواه (dādxāh) - ا .

فا. غاوی ، پریادی .

دادرس (dādras) - ا. فا .

غاورسی ، نیاوی ،

نیاویری .

دادگر (dādgar) - ا. فا .

نیاو ، نیاویری .

دادو بیداد (dādobedād) -

ف. زوزه ، پوژه ، هلی ځلی

ناری سوری .

دار چین (dārċīn) - ا.

دالچینی.

دارش (dāris) - ا. سانه.

دارو (dārow) - ا. درمل، دوا.

داروغه (dāruwġa) - ا.

کروی، کبسی.

داس (dās) - ا. آ. لور.

داستار (dāstar) - ا. ف.

بلاونه.

داستان (dāstān) - ا.

مورسه، نکل، کیسه.

داش (dāš) - ا. م. کوغالی.

داشوان (dāšwān) - ا. فا.

بتیاری، بتی والا.

داشتن (dāstan) - ا. ف. لرل.

داعی (dā?ī) - ا. فا. دواپر.

داعیه (dā?iya) - ف. غوښتنه.

داغ (dāġ) - ا. ص. سور.

داغی (dāġī) - ص. تاپلی،

تاپ شوی، متهم، زره.

دارالعلوم (dāruḷ?ulūm) -

ا. م. پوهنځی.

دارالفنون (dāruḷfunūn) -

ا. م. پوهنتون.

دارباز (dārbaz) - ا. فا.

بازیگر، دالباز.

داردار (dārdār) - ف.

چیغی پیغی، ناری سوری.

دارزرد (dārzard) - ا.

کور کمن.

دار کدو (dārkadu) - ا. کوبی.

داروگیر (dārogīr) - ف.

اخ وډب، ډېلېبه.

دارو مدار (dāromadār) -

ف. تیت و پاس،

راشه درشه، پوست.

دارایی (dāraīy) - ص.

درلوده، شتمنی.

دارای (dāraī) - ا. فا.

روزونکی.

داغ سر (dāḡsar) - ا.م.

ټکسری.

داغمه (dāḡma) - ص. لټکه.

دافع (dāf) - ا.فا. ستونو،

ستونونکی.

داکتر (dāktar) - ا. ډاکتر.

دال (dāl) - ا. پیتی، پاتی.

دال (dāl) - ا.فا. لارښوونکی

لارښوونی، لارښوان بومیا.

دالان (dālān) - ا.م. ډېوډی.

تونکری، منډو، برمک.

دال بوز (dālbūz) - ا.

توتکی.

دام (dām) - ا.آ. دام. لوینه.

دام ماهی (dāmehāī) -

ا.آ. چجه، چجکی.

دامی (dāmī) - ا.فا. دامیار.

داماد (dāmād) - ا. زوم.

دامان (dāmān) - ا. لمن.

دامن چیدن

(dāmančīdan) - ا.ف.

لمن ټولول، لمن غونډول.

دامنه (dāmana) - ا. لویه تبه.

دانا (dānā) - ص. پوه، پوهیالی.

دانش (dāniš) - ا.م. پوهه،

پوهنه.

دانستن (dānistan) - ا.ف.

پوهیدل.

دانشگر (dānišgar) - ا. فا.

دانشمند، پوهندوی.

دانشمند (dānišmand) -

ا.ف. پوهندوی.

دانشور (dānišwar) - ا.

فا. دانشمند، پوهندوی.

دانگ (dāng) - ا. آ. منای،

سوتی، دمپری، دانگ لور.

دانه (dāna) - ا. نونه،

زړی، زڼی.

داوطلب (dāwotalab) -

ا. فا. پناوی.

دوار (dāwar) - ا. فا. نیاوی

دمکړی.

داوری (dāwai) - ا. ف.

نیاوخی.

داهی (dāh) - ا. زیارسی.

دایر (dāyer) - ف. گرځاند.

دایره (dāyra) - ا. آ. چمبه، خند.

دایم (dāyem) - ق. تل، هر کلن.

داین (dāyin) - ص. پورورپی.

نتمشه، دباب ډیچ.

دایه (dāya) - ا. دائی، دشیدومور.

دبستان (dābistān) - ا.

م. بنوونخی، لوستخی.

دبدبه (dābdaba) - ص.

شمشه، وباب، ډیچ.

دبنگ (dābang) - ص.

گادر، تمبوس، تندو.

دبه (dāba) - ا. کلبی، ډبه.

دبیر (dābīr) - ا. ف. لیکوال.

دچار (dočār) - ف. اخته،

ککر، دخار.

دخ (dox) - ا. لوخه.

دخان (doxān) - ا. لوگی، دود.

دختر (doxtar) - ا. لور، جلی

نجلی، جنی.

دختر باکره

(duxtaribākira) - ا.

پیغله، جلی، بچری.

دختر برادر

(duxtaribrādar) - وریره.

دختر پاچا (duxtaripāča) -

ا. م. تراکی.

دختر خانه (duxtaixāna) -

ا. ص. پلوی، سر پته، پیغله.

دختر خوانده (duxtarxānda) -

ا. دینی لور، لور نپو.

دختر خواهر (cuxtarixāhar) -

ا. خورزه.

دخترک (duxtarak) - ا. ت.

نجلکی.

## دختر کا کا

(doxterikāká) - ا. ترله.

## دختر نامزد دار

(duxtarināmzāddār)

ا. نجل، چنغله.

دختری (duxtarÍ) - ا. ص.

بکارت، پیغلتوب

نجلیتوب.

دخل (daxil) - ا. ظ. ننوتل.

## دخل و غرض

(daxloğarz) - ا. ف. اړه، تره.

دخمه (daxma) - ا. م.

مرستون، شامی خرته.

## دخمه رباب

(daxmairubáb) - ا. آ. شاباز.

دخیل (daxÍl) - ص. اوپره.

دد (dad) - ا. خناور، خروپی.

در (dar) - ا. اور، دره، تمبه.

## در آستین کردن

(darástín kardan)

ف. تر لاسه کول

لاسته راوستل.

در افتادن (daroftádan)

ف. سره لویدل، سره لکیدل.

در آمدن (darámadan) -

ف. ننوتل.

درباد (darbād) - ق. پوپنا،

میرات، چت چت.

دربار (darbār) - ا. م. دربار،

دربار.

دربان (darbán) - ا. ورساتی،

قاپوچی، تماوچی.

دربدر (darbadar) - ق. لالواند

درپه دره سرگردانه.

دربه دیوار (drbadewár) -

ص. وره په وره.

دربست (darbast) - ا. ورتپر.

درحال (drhál) - ق. اوس،

دستی.

## در عرق شدن

(dar?raqšudan) - ص. په

خولو ډوبیدل.

درگیر شدن (dargÍrsudan) -

ص. لکیدل.

## در میان آمد

(darmyánámadan) -

ا. ف. منخ ته لویدل.

دراز شدن (darāzšudan) -

ص. اوردیدل.

دراز شمشیر

(darāzšamšer) -

ص. تگلاسی، چاره مار.

دراز کشیدن

(darāzkašīdan) -

ا.ف. غزبدل، پریوتل.

دراز گوش (darāzgoš) -

ا.م. کرکی، خر.

دراز نفس

(darāznafas) - ا.م. گراوو،

سرماغزن.

درازی (darāzī) - ص.

اوردوالی.

درک (dark) - ف.

میندل، پوهیدل.

دراک (darāk) - ا.فا. خیر کفار.

درایت (darāyat) - ص.

پوه، خورتیا، زیا.

درب (darb) - ا.ا. اور، دره.

در (dur) - ا. مرغلره.

در دانه (durdāna) ص.

مرغلری، گران، نازمن.

در یختن (durrextan) ا.ف.

مرغلری توپول.

در سفتن (dursuftan) -

ف. تیخل، تلیل.

در یتیم (duriyatīm) -

ص. حسین سترکه،

نره مرغلره.

درا (darā) - ا. زغبزغی،

گونگری، گونگرو.

دراز (darāz) - ق. اوربد.

دراز افگندن

(darāzafgandan) -

ا.م. اوردول، پری

ایستل، غورول.

دراز دست (darāzdast) -

ا.م. متیخ، تیر غمونی.

دراز دستی (darāzdastī) -

ص. ف. لاس اچول، تیر غمی.

درخت بلوط (d.balūt)-

۱. خیری

درخت بید انجیر

(d.bedanjīr)- ۱. هر هنده.

درخت بید جنگلی

(d.bedijangālī)- ۱. پده.

درخت بی شاخ

(d.Bešāx)- ۱. کونډی.

درخت پشه خانه

(d.Pašaxāna)- ۱. م. ادی، کھی.

درخت چهار مغز

(daraxtičārmağz)- ۱. اوغز.

درخت زار (daraxtizār)-

۱. م. ځنگل، جنگی.

درخت زار انبوه

(daraxtizāranboh)-

ص. زمبر، درنیک، ډوله

درخت زار تنک

(daraxtizārtunuk)-

ص. ځنگه، رینگری.

درج (darj)- ف. نغبتل.

درج (durj)- ۱. آ. دبلی.

درجات (darajāt)- ۱. جم، درجی.

درجن (darjan)- ۱. ع. کوری،

بی.

درجه (daraja)- ص. پور، مرتبه.

درخت (daraxt)- ۱. ونه.

درخت ارچه

(daraxtiarča)-

او بنسته. پیچوره، سرب.

لمنځه، بجور.

درخت انار

(daraxtianār)- نرگوسه.

درخت انجیر کوهی

(daraxtianjīrkohī)- ۱. ارمل.

درخت بادام

(d.bādām)-

۱. اړوښتی، لښتی،

غور، غوښتی.

درخت بازک

(d.Bāzak)- ۱. تکیکانی، کنده زن.

در دمند (dardmand) -

ص. خور من.

درد (dard) - ص. ختپیل.

در دادن (dardādan) -

ا. ف. اور لگول،

اور بلول.

در گرفتن (dargiriftan) -

ا. ف. اور لگیدل،

اور بلیدل.

در گیران (dargerān) - ق.

پیلوخی، لگوونی.

درز (darz) - ا. چاود.

درزن (darzan) - ا. ستن،

ورتکونکی، ورتکونی.

درس (dars) - ا. لوست،

بینات، پانیات.

درس خوان (darsxān) -

ا. ص. زده کرونی.

درست (durst) - ق. جوړ،

روغ، سم.

درست شدن

(durustsudan) - ص.

جوړیدل، روغیدل،

سمیدل، سیخیدل.

درخت گز

(daraxtigaz) - ص. غز.

درخشان (duruxšān) -

ص. خلاند، خلیدونکی،

بریننده، برینندوکی.

درخشیدن

(duruxšādan) -

ا. ف. برینیدل،

خرکیدل، خلیدل.

درخواست (darxāst) -

ف. غوښتنه.

درخواستن

(darxāstan) - ا. ف. غوښتل.

درخور (darxor) - ص. وړ.

درد (dard) - ا. درد، خوړ.

درد دل (dardidil) -

ا. ص. خواله،

د زړه خواله.

درد سر (dardisar) - ا. م.

سر خوړی.



## درست کردن

(durustkardan) - ا.ف.

جوړول، روغول،

سمول، سیخول.

درشت (durušt) - ص. زېږ

لوار، ځبن.

درشتی (duruštī) - ص.

زېږتیا.

درشته (durošta) - ص. کوتره.

درشکه (duroška) -

ا. آ. بگی، گاډی.

درفش (darafs) - ا. آ. رینه،

رینه، ربی، بربری برینینا، رڼا.

درفشان (darafsān) -

ص. برینند، ځلانند.

درفشه (darafsā) - ا. توره.

## درفشیدن

(darafsīdan) - ص. ځلیدل،

برینیدل، توپدل.

درک (dark) - ا. ص. پوهیدل.

درگاه (dargāh) - ا.

درشل، جوس.

در گذاشتن (darguzāstan) - ا.

ف. ا. تیریدل، مړه کیدل.

در گرفتن (dargiriftan) -

ا. ف. لکیدل، بلیدل.

درمان (darmān) -

ف. درمل، دارو.

درماندن (darmāndan) -

ا. ف. کریابیدل، زپیدل.

درمانده (darmānda) -

ا. مف. ار، کریاب.

درمانده و حیران

(dermāndawhāīrān) - ص.

هک و پک.

درنده (darinda) -

ا. ص. خیرونی، بژونی.

درنگ (darang) - ف. ترنگ.

درو (darqw) - ف. لو.

دروگر (darowgar) -

فا. لوگری.

درود (duruūd) -

ف. درود، صلوات.

درودگر (duruūdgār) -

۱. فا. ترکان، دروزگر.

درودن (duruūdan) - ۱.

ف. ریبیل.

دروغ (durowg) -

ص. درواغ.

دروغگو (duroḡgo) -

۱. ص. دروغجن،

سورن، سونین.

درون کوب

(darūnkob) - ص.

خولبول، خيخیرل.

درویش (darweš) -

۱. درويزگر،

خواستگر، پکیر.

دره (dara) - ۱. ناو، وټ، تاله، لری.

درهم (darham) - ص.

کلهوډ.

دری (dary) - ۱. ځلانده ستوری.

دریا (daryā) - ۱. سین، سیند.

دریاچه (daryāča) - ۱. بیله

دریاب (daryāb) - ف.

مه را گوره.

دریافتن (daryāftan) -

ف. میندل، موندل.

دریچه (darīča) - ۱. ۱. کرکی

بریاله، وریخه.

دریدن (darīdan) - ۱. ف.

سگنل، خیرل،

بژول، بژه کول.

دریشی (!dirīs) - ۱. دریشی.

دریغ (dirēg) - ص. وای وای،

وش.

دریغا (dirēgā) - ص. هی هی

وی وی.

دریغ کردن

(dirēgkardan) - ۱. ف.

سپمول، سپما.

دزد (duzd) - ۱. غل.

دزدانه (duzdāna) -

ص. غلی، په غلا.

دزدیدن (duzdīdan) - ۱.

ف. غلا کول.

## دست به دست

- (dastbadast)

ص. لاس په لاس.

## دست به دست زدن

- (dastbadastzadan)

ا.م. لاس ټکول.

## دست به دندان کردن

- (d.badandānkardan)

ف. گوته چیچل.

## دست بر آوردن

- (dastbarāwardan)

ف. لاس پورته کول.

## دست برداشتن

- (dastbardāstan)

ف. لاس اخیستل.

دست بردن (dastburdan)

ف. لاس وړل، لاس

وهل، لاس غزول.

دست بر سر (dastbarsar)

ص. ف. لاس تر زنی.

## دست بر سینه

- (dastbarsīna)

ص. ف. لاس په نامه.

دسایس (dasāyes) - ا. ف.

تگی، چلو تی، سوړه.

دستاس (dastās) - ا. آ.

مېچن، مېچنی.

دست آموز (dastāmoz)

ا. م. آموخته، روپړی.

دست از جان شستن

- (dastazjānšustan) - ص.

ف. دخانه لاس پر

یمینخل.

## دست انداختن

- (dastandāxtan)

ا. ف. لاس اچول.

## دست افشاندن

- (dastafsāndan)

ف. کلیدل روخارول

پرینبودل ترک وهل.

دست باف (dastbāf)

ص. لاس اوبی.

دست بالا (dastbālā)

ص. بر لاسی.

دست به دامن کسی زدن

- (d.Badamenikasizdan)

ف. بلن ته لاس اچول.

دست چپ (dastičap) -

ا. کین لاس.

دست خط (dastxat) -

ا. م. لاسلیک.

دستخورده (dastxord) -

ف. لاسخورلی.

دست خوش (dastxoš) -

ص. لاسلوبه.

دست دادن

(dastdādan) - ف. چمبه کول،

لاس ور کول.

دسترس (dastras) - ا. م. لاس

بری.

دست راست

(dastīrast) - ا. بنی لاس.

دست رنج (dastranj) -

ا. م. دلاس کته.

دست زدن (dastzadan) -

ا. ف. لاس وهل.

دست شستن

(dastšustan) - ف. لاس مینخل.

دست فروش (dastfuroš) -

ا. ف. لپړ.

دستک (dastak) - ا. لاری،

دگهوره.

دست بریده

(dastborīda) - ص. پدی.

دست بسته (dastbasta) -

ص. لاس ترلی.

دست بند (dastband) -

ا. م. لاس وندی.

دست بند شدن

(dastbandsudan) -

ف. کریابیدل، لاس

بندیدل.

دست بوس (dastbos) - ف.

لاس مچی، لاس مچول.

دست به آستین

(dastbaāstīn) - ق.

لاس په لستونی.

دست به زیر زنج

(dastbazerizanax) -

ف. لاس تر زنی کښیناستل.

دست بین (dastbīn) - ا.

لاسکتونی، لاسکوخی.

دست پاک (dastpāk) -

ا. م. لاس وچونی.

دست پنا (dastpanā) - ا.

آپتندی، مرخینک، ختموښی.

دست کاری (dastkārī) -

ا.م. لاس وهل.

دستکش (dastkaš) - ا.

آ. لاس ماغه دسکله

لا سماغو.

دست کشاده

(dastkušáda) - ص. لاس

پرانتی، لاس وازی،

ارت لاسی.

دست کشی (dastkašī) -

ا. ف. لاس اړول.

دست کم (dastikam) -

ا. کم له کمه، خه نه خه.

دستگردان (dastgardān) -

ا.م. لاس گززی،

لا سگرزاندی.

دستگیر (dastgīr) - ص. نیولی.

دستگیری (dastgīrī) - ف.

مرسته.

دستمال (dastmál) - ا.

لا سبنونی، رومال.

دست مایه (dastmāya) -

ا. پنگه.

دست مزد (dastmuzd) - ا.

لاس باره، لاس کته.

دست نشان

(dastnišān) - ا.م. لاس نیالگی.

دست نگاه کردن

(dastnigāhkardan) - ا.

ف. لاس ساتل.

دست نماز (dastnamāz) -

ا. اودس.

دست و پا بریده

(dastopāburīda) - ا.م.

خوزنگ، سخره.

دست یاب (dastyáb) -

ا.م. تر لاسه.

دستیار (dastyār) - ا.

لا سگری، لاس وزری،

لاس، مرستی.

دست یافتن

(dastyāftan) - ا. ف. بری

موندل، لاس موندل.

دست یک (dastyak) -

ص. لاس یوی.

دستار (dastár) - ا. پگری،

منپوسه، درگنه.

دستار بندان

(dastárbandán) - ا.م.

سپین روبی، ستانه،

سپین دروبی.

دستان (dastán) - ا. لاسونه.

دسته (dasta) - ا. لاستی.

## دسته دار (dastadār)-

ص. لاستور.

دسته شمشیر

دستامسر (dastāsamser)- ا. موتی.

دسیسه (dasīsa)- ا. ف.

چل، دروټه،

چلوټه، سوره.

دشت (dašt)- ا. م. میره،

ډاگ، بیدیا، دبنته.

دشلمه (dašlama)- ا.

خوځوزی، تشلمه، کچلمه.

دشمن (dušman)- ا. ص.

میر خمنی، دبنمن، میر خن.

دشنام (dušnām)- ف.

کنځا، زیری، زورله.

دشووار (dušwār)- ق. به لغت

دشخوار مراجعه شود.

دعاء (du?ā)- ا. کرده، پاتا،

غوښته، خواست.

دعوای (da?wā)- ف. داوه

نزاع، جنگ چکره.

دغدغه (dagdaḡa)- ا. خر خنبه.

دغل (daḡal)- ا. ص.

غالیجن، گری جن،

گولیجن.

دفتر (daftar)- ا. دوتر. دیوان.

دفعه (daf?ā)- ا. وار، پلا، خل.

دفعتا (daf?atan)- ق. نابیره

یو په یو، ناخاپه.

دفن (dafin)- ف. خښ، ښخ.

دقت (diqat)- ص. پام، خیر،

اتیات.

دقیق (daqīq)- ص. ا. نری،

اتیات، پام خیرک.

دکان (dukān)- ا. م. هتی، دکان.

دکانداری (dukāndārī)-

ق. هتی والی

دکانداری.

دکاندار (dukāndār)-

ا. م. هتی وال

دکتر (duktur)- ا. درملی،

ډاکتر.

دکمه (dukma)- ا. غوټه تنی.

دل آراء (dilārā)- ص.

زړه مښتی.

دل آرام (dilārām)- ص.

زړه سودی.

دل آسا (dilāsā)- ف. دلاسا.

دل افتادن (dilauftādan)-

ص. زړه پریوتل،

زړه لویدل.

دل بستن (dilbastan) -

ا.ف. زړه تړل.

دلبنده (dilband) - ا.ص. زړه

پوری.

دل بیجا شدن

(dilbejāsudan) - ا.ص.

زړه ختل.

دلپذیر (dilpazīr) - ق.ص.

زړه غوښتی، په زړه

پوری.

دلتنگ (diltang) - ص.

خو اشینی، ساړوبی،

خو ایتتی.

دلجوی (dilgoj) - ف. دلا ساینه

لاوسا کیرنه.

دلچسپ (dilčasp) - ا.م.

په زړه پوری.

دل خانه (dilxāna) - ا.م.

کوکل، کوکل.

دلخراش (dilxarāš) - ا.م.

زړه مینودی.

دلخسته (dilxasta) - ا.م.

زړه خوړی، خو اشینی.

دلخواه (dilxāh) - ا.م. زړه

غوښتی.

دلخوش (dilxoš) - ا.م.

زړه خوښی، خوشاله.

دل افسرده (dilafsurda) -

ص. زړه سور، زمول.

دل فگار (dilfigār) - ص.

ویشتلی، زړه مینودی.

دل انداختن (dilandāxtan) -

ا.ف. زړه اچول،

زړه غورخول.

دلاور (dilāwar) - ص. زړه

ور، زړن.

دل باختن (dilbāxtan) - ا.

ف. زړه ورکول

زړه با یل.

دل به دریا زدن

(dilbadaryāzadan) - بی گودره

کله بدل.

دل بدست آوردن

(dilbadastāwardan) -

ا.ف. زړه په لاس راوړل.

دل بد شدن

(dilbadšudan) - ا.ف.

خو اکیدل، خو اکر خیدل.

دلبر (dilbar) - ا.ص.

زړه مینتی، زړه وړونی.

دل بردن (dilburdan) -

ا.ف. زړه وړل.

دلخون (dilxún) - ا.ص.

لر موند، خوړپښی.

دلدادن (dildádan) -

ا.ف. زړه بایلل.

دلدار (dildár) - ا.ص. دلیر،

زړه ور، زړه وړی.

دلدارۍ (dildáry) - ق. ډاډهڼه

ډاډه‌کېرنه.

دلداشتن (dildástan) - ا.

ف. زړه لرل.

دل دقی (dildiqí) - ا.م.

گروم، خواشینی.

دلربا (dilrubá) - ص.

زړه وړونی.

دل روز (dilroz) - ا.م. ټکنده

غرمه.

دلریش (dilreš) - ا.م.

خواشینی، زړه خوړی.

دل زدن (dilzadan) - ا.ف.

زړه وهل.

دلستان (dilistán) - ا.

زړه وړونی.

دلسرد (dilsard) - ا.م. زمول

سور زړی.

دلسردی (dilsardí) - ا.م.

زړه سور تیا.

دلسوختن (dilsuxtán) -

ا.ف. زړه سول.

دلسوز (dilsoz) - ا.م. زړه

سوانده.

دل شب (dilišab) - ا.م.

نیمه شپه.

دل شکسته (dilsikasta) -

ا.م. زړه ماتیدل، زړه

پریوتل.

دل قوی (dilqawí) -

ص. روغ زړی، غټ زړی.

دل کردن (dilkardan) -

ا.ف. زړه کول.

دلکش (dilkaš) - ا.م.

زړه څکوونی، زړه وړونی.

دل گرفتن (dilgiriftán) -

ف. زړه نیول، زړه ټولول.

دلگرمی (dilgarmí) - ا.م.

زړه لگیدنه.

دلگیر (dilgír) - ا.م. زمول

بروس، خپه.

دل ناخواه (dilnaxáh) -

ا.م. مړه خوا.

دل نرم (dilnarm) - ا.ص.

نری زړی، زړه سواندی.



دمادم (damādam) - ا.

پله پسی.

دمبدم (dambadam) - ق.

سا په سا، په سیا له.

دمراست (damrāst) - ص.

ورومه.

دم راست کردن

(damrāstkardan) - ا.

ف. سا اخیستل،

دمه کول، سا نیول.

دم راستی (damrāsī) -

ا. م. او ساینه، دمه،

سهدنه، سو که توب.

دم زدن (damzadan) - ا. ف.

دمول، اوره کول، پارل.

دمساز (damsāz) - ا. م.

زړه سوری.

دمش (damīš) - ص. پارسی،

پارسوب.

دم گرفتن

(damgiriftan) -

ا. ف. دمه کول.

دم و دود (damodūd) -

ا. م. ف. او خله پو خله.

دماغ (damāg) - ا. ماغزه،

منزغزی، مازغه.

دل به هم خوردن

(dilbahamxordan) -

ا. ف. زړه هسکیدل.

دلاک (dalāk) - ا. دم، نایی.

دلال (dalāl) - ا. ریبار.

دلالت (dalālat) - ا. ف.

ریباری، بومیا کلوی.

دلدل (daldal) - ا. م. بښتنه،

لن غلیشکی، پلندی.

دلده (dalda) - ا. اتوب، ورغستلی

گوری، کیر کیره.

دلِق (dalq) - ا. گودپی.

دلِقک (dalqak) - ص.

توکمار.

دلیر (diler) - ص. زړه ور، زړن.

دلیل (dalīl) - ا. بومیا، خولبر.

دم (dum) - ا. لکی.

دم بریده (dumburīda) -

ا. ص. لنډی.

دمچی (dumčī) - ا. پیارمه.

دم دار (dumdār) - ص. لکی ور

دمغوزه (dumgoza) - ا.

لمخندی، لمکوی، بچکی.

دم (dam) - ا. سا، دم.

دنده (danda) - ا. پښتی.  
 دنده کلک (dandakilak) -  
 ف. افس دنلې، ډی.  
 دنیا (dunya) - ا. نړی، توپن،  
 دنیا.  
 دنیا دار (dunyādār) -  
 ا. ص. بلدای.  
 دوباره (dobāra) - ق. بیا،  
 بل وار، دوه پلا،  
 دوه واریخ.  
 دوبالا (doballā) - ص. دو  
 باجه، یو په دوه،  
 پردوه.  
 دو به دو (dūbadū) - ص.  
 دوه په دوه.  
 دو بیتي (dūbaytī) -  
 ا. م. څلوریخه.  
 دوپله یی (dupallaeī) -  
 ص. دوه پتیخ.  
 دو پشته (dupušta) -  
 ص. غبرگ.  
 دو تا (dutā) - ص. کړوپ.  
 دو تایی (dutaēī) - ا. ص.  
 دواړه.  
 دوچند (dučand) - ا. ص.  
 یو په دوه، کوره، دوگون.

دماغ سوزی (damāgsozī) -  
 ا. م. پزه تروه کول،  
 پزه کړول.  
 دمبل (dambal) - ا. سینجکی.  
 شنځه لونه، شینځه.  
 دمدمه (damdama) - ف.  
 اغدغ، چل.  
 دنبال (dunbāl) - ا. لکی.  
 دنباله دار (dunbālladār) -  
 ص. اوږد.  
 دنبیره (danburra) - ا. دنبوره.  
 دنبه (dunba) - ا. لم.  
 دنبه دادن (dunbadādan) -  
 ا. ف. شویول، بوس  
 ورکول، بوس لاندی  
 کول.  
 دنبه دار (dunbadār) -  
 ا. ص. لمور.  
 دندان (dandān) - ا. غابښ.  
 دندانه (dandāna) - ا. پره،  
 مورکه، غاښی.  
 دندانی (dandānī) - ص.  
 داړو، داړور.

دوات (diwāt) - ا. مشوانی.

دوازده (dowāzdah) - ا. ع

دولس.

دوچار (dočār) - ف. دوچار

مخامخ کیدل.

دوختن (doxtan) - ف. کنډل

دوخت (doxt) - ف. کنډنه.

دود (dūd) - ا. لوکی، دود، لو.

دود بوی (dūdboy) -

ص. لوغرن.

دوددل (dudidil) - ا. م. د زړه تاو.

دودراو (dūdṛāw) - ا.

وتکی، روزان،

کولک، موری.

دور (dūr) - ق. لری.

دور افتادن (dūraftādan) -

ا. لری لویدل، لری تلل.

دور اندیش (durandēs) - ا.

م. اور داندی، اوښندی.

دور دست (durdast) -

ا. م. لری.

دور شدن (dūršudan) -

ا. ف. لری کیدل.

دوری (dūrī) - ص. لری والی.

دودل (dodil) - ا. م. دبلدینی،

دوه زړه، زړه نا زړه.

دودزده (dudzada) - ص.

لمانی، نواری، نماری.

دورگه (doraga) - ص. کبزی.

دورو (doro) - ص. سورزبر،

دوه مخی، دوه مخیخ.

دوروزه (doroza) - ق. دوه

روخنی.

دوزانو نشستن

(dozānūnišastan) - ا. ص.

گونډی وهل.

دوزبانہ (dozabāna) - ص.

دوه ژبی.

دو طرفه (dutarafa) - ا. ص.

دوه خوائیخ.

دوقات (duqāt) - ص. غبرگ

برغ، بغرگ.

دوگانگی (dogānagī) -

ص. غبرگونی،

غبرگولی، غبرگی.

دویی (duē) - ص. بیلواله، بیلتون.

دوان (dawan) - ص. خغلاند، په

خغاسته.

ده یک (dahyak) - ق. لپگی

ده یکه (dahyaka) - ا. لسمه

ده (dih) - ا. کلی.

ده خدا (dihxudá) - ا. م.

کندی دار، ملک، کلی

مشر.

دهات (dihát) - ا. کلی.

دهان بسته (dahánbasta) -

ص. البنگ، پت خولی.

دهان پاره (dahánpárra) -

ص. خولخیر، پوچ

خولی.

دهان مزه

(dahánmaza) - ا. خوله

خونده.

دهان یخ (dahányex) -

ص. جینگه خولی،

ویت خولی.

دهشت زده

(dahšatzada) - ص. تراه،

ترهورتیا.

دهل (duhul) - ا. ډول.

دهلیز (dahliz) - ا. ډیوډی.

دیار (diyār) - ا. بنارونه، بومونه.

دورادور (dawrádawr) -

ص. چپ چاپیر.

دوران (dawrán) -

ف. چلاو، چلند، چلنه.

دور خوردن

(dawrxordan) - ا. ف.

تاویدل، چورلیدل، خرخیدل.

دوستدار (dustdār) - ا.

فا. مینه ور.

دوستی (dostī) - ف. خیلوی.

دوسیه (dúsyā) - ا. دوسیه.

دوشاب (došáb) - ا. زوښه،

زوښا، دوښا.

دوشیزه (došízā) - ص. پیغله

بجری، جلی.

دوعا (doʔa) - ف. خاست،

پاتا، غوښتنه.

دوغ (dog) - ا. شرمبی، تروی،

شوملی، شلومبی.

دوک (dok) - ا. دوک، خاښی.

دول (dol) - ا. بوکه، سلواغه، ډول.

دولانه (dollána) - ا. غونځه.

دولتمند (dawlatmand) -

ص. بدای.

دییاجه (debāca) - ۱. برید لیک.

دیدار (dīdār) - ۱. ق. مخ، انگ.

دیده و دانسته

(dīdawodānista) - ۱. په

لوی لاس، رډید، لیره پیده.

دیر (der) - ق. خند.

دیر شدن (dersudan) - ۱.

ف. خندیدل.

دیر کردن (deirkardan) -

۱. ف. خندول.

دیر مانده (dermānda) -

ص. خند نی.

دیرینه (deirīna) - ص. زاری

لرغون، پخوانی، خند نی.

دیشب (dīšab) - ق. برایی.

دیگ (deg) - ۱. دیگی، کتوه.

دیگدان (diegdān) - ۱. نغره.

دیگدان سرد

(diegdānisard) -

ص. بی نغری،

اورمپ، سور نغری.

دیگر (dīgar) - ۱. زلرمل، مازدگر.

دین (dīn) - ۱. دین، گروهه.

دیندار (dīndār) - ص. سادمنی.

دیو دل (dewdi) - ص. اوی.

دیو (dew) - ۱. دیپ ایره، دیو.

دیوار (dewār) - ۱. دیوال،

خندک، النکه.

دیوار گر (diwārgar) -

۱. فا. ختگر.

دیوار سنگی

(dewārisangī) - ۱. ص. باره.

دیوان (dewan) - ۱. م. دوتر،

پول لیک.

دیوانه (dewāna) - ص. لیونی.

دیوانه گی

(dewānagī) - ص. لیونتوب.

## ذ

- ذات (zát) - ۱. م. خواند، خبستن.
- ذال (zál) - ۱. دالفا توری، توره.
- ذخیره (zaxíra) - ۱. ف. زیرمه، پاسره، ارویستی.
- ذره (zarra) - ۱. نوکی، وپرانگه، رچه، پلوشه.
- ذکات (zakawat) - ۱. م. زیارسی، خیرک تیا.
- ذکر (zikir) - ف. یادول، بلل.
- ذکی (zakí) - ۱. زیارسی، خیرک.
- ذلیل (zalíl) - ۱. م. ذیلی، توزن، خوار.
- ذمه (zimma) - ۱. اولکه، غاره.
- ذمه وار (zimmawār) - ۱. ف. په غاره اخیستل، عهده دار.
- ذوق (zawq) - ۱. ف. شکل، چشل، مینه.
- ذغال (zuǧ'ál) - ۱. ب. سکاره. ذغال سنگ
- (zuǧ'ál lisang) - ۱. م. دپروسکاره.
- ذیحق (zīhaq) - ۱. م. دحق خواند، دحق خبستن.
- ذیروح (zīroh) - ۱. م. ژوی، ساکنس.
- ذیصلاح (zīsaláh) - ۱. م. دصلاحیت خواند، دواک خبستن.
- ذیعلاقه (zī'alláqa) - ۱. م. دذوق خواند، دمینی خبستن.
- ذیربط (zírabt) - ۱. م. داریکی خبستن، درابطه خواند.

## ر

راقم (rāqim) - ص. لیکونکی.  
 راکب (rākib) - ا. فا. سپور.  
 رام (rām) - ا. ایل.  
 رامش (rāmīš) - ا. سوکالی.  
 راوی (rāwī) - ا. فا.  
 روایت کونکی.  
 راه (rāh) - ا. لاره.  
 راهب (rāhib) - ا. راهب.  
 راه زن (rāhzan) - ا. م. دار مار.  
 رای (rāy) - ا. گروهه.  
 رایگان (rāyagān) -  
 ص. فا. وریا.  
 رب (rab) - ا. خبستن تعالی.  
 رباعی (rubā?ī) - ا. خلور پیخه.  
 ربح (rubh) - ا. کتبه.  
 رتبه (rutba) - ا. پور.

رابط (rābit) - ص. فا. ارتباط  
 ور کونکی.  
 راتب (rātib) - فا. دنده، ثابت.  
 راجع (rāj?ī) - فا.  
 برگشت کونکی.  
 راحت (rāhat) - ا. ف. استراحت.  
 راد (rād) - ص. خوانمرد.  
 رادیکال (rādīkāl) - ا. ص.  
 اصلاح غوبنتونکی.  
 راز (rāz) - ا. خواله.  
 راستکار (rāskār) - ا. م. ربنستی.  
 راستی (rāstī) - ص. ربنستی.  
 راسخ (rāsīx) - ص. هوڊمن.  
 راش (rāš) - ا. ربنه.  
 راشد (rāsid) - ا. فا. ربنستی.  
 راضی (rāzī) - ص. خوبن.  
 راعی (rā?ī) - شپون.

ر ص د (rasad) - ا. خار.  
 ر ض ا (ra zā) - ا. ف. خوبنه.  
 ر ط و ب ت (rutubat) - ا. ف.  
 لنده، خیتوالی.  
 ر ع ا ی ت (ri?āyat) - ا. ف.  
 ساتل، ماتفه.  
 ر ع ی ت (ri?yat) - ا. پاسلی.  
 ر غ ب ت (ragbat) - ا. مینه والی.  
 ر ف ا ق ت (rifāqat) - ا. ف.  
 ملگرتوب.  
 ر ف ی ع (raf.ī?) - ص. لور،  
 هسک.  
 ر ف ی ق (rafīq) - ا. ص. مل،  
 ملگری، اندیوال.  
 ر ق ص (raqs) - ا. ف. نڅا، کلاوا.  
 ر ک ی ک (rakīk) - ص. سپک.  
 ر م ز (ramz) - ا. بناره، زونگه  
 به یچمی.  
 ر م ض ا ن (ramazān) - ا.  
 دروژی میاشت.  
 ر ن ج (ranj) - ص. خواری.  
 ر و پ و ش (rop os) - ا. م. مخنیونی.  
 ر و س ی ا ه (rosyāh) - ص. تورمخی.

ر ج ح ا ن (rujhān) - ا. لور تیا.  
 ر ح م (rahm) - ا. زړه سوی.  
 ر خ (rux) - ا. مخ.  
 ر خ س ا ر (ruxsār) - ا. خیره، مخ.  
 ر خ ش ا ن (ruxsān) - ص. ځلانده.  
 ر ذ ل (razil) - ص. کچه، پاسو،  
 سپوتک.  
 ر ز م (razim) - ا. جگره، جیکار.  
 ر س ا ل ه (risāla) - ا. لیک.  
 ر س ا م ی (rasāmī) - ص.  
 کنبید یاری.  
 ر س ت ا خ ی ز (rastāxez) - ا. ف.  
 پاڅون.  
 ر س ت ه (rasta) - ا. خپره، لین.  
 ر س د (rasad) - ا. بخره، برخه،  
 ډډی.  
 ر س م (rasim) - ا. کنبیده.  
 ر س ن (rasan) - ا. پړ، رسی.  
 ر س و ا (ruswā) - ص. اشوا.  
 ر س و ل (rasūl) - ا. استازی.  
 ر س و م (rusūm) - ا. جم. دودونه.  
 ر ش و ت (rišwat) - ا. ف. بری،  
 موک، گیده موکه.



رویہ (rawya) - ص. چار چلند،

سلوک.

رہایش (rahāys) - ا. استوگنه.

ریاضت (riyāzat) - ص. زهد.

ریز (rez) - ص. وارہ.

ریزش (reziš) - ص. دومه،

والکبی، دومی.

رسمان (resmān) - ا. رسیز.

ریش (rīš) - ا. ریرہ.

ریشخند (rešxand) - ص.

ملندی.

ریگ (reg) - ا. شگه.

ریم (rīm) - ص. زوی، زویبی.

روگردان (rogardān) -

ا. ف. مخ اړونی.

رونویس (roniwīs) - ا. م.

دمخه لیکل.

روابط (rawābit) - ا. جم.

تراوی، آمتی.

روز روشن (rozirošan) -

ا. م. پسینه ورخ.

روز مزد (razmuzd) - ا. م.

روخبارہ.

روزنامه (roznāma) - ا. م.

ورخپاڼه.

روستا (rosta) - ا. کلی.

روشن (rošsan) - ص. روښانه.

روغن (roḡan) - ا. غوری.

## ز

زاد (zād) - ا. تونبه.  
 زاد و بوم (zādobūm) - ا. تاتوبی.  
 زار (zār) - ص. خوار.  
 زارع (zāri?) - ا. ف. بزرگور.  
 زاغ (zāg) - ا. تبخی.  
 زال (zāl) - ا. زور.  
 زانو (zānū) - ا. زنگون.  
 زاهد (zāhid) - ا. سمکوت.  
 زاهر (zāhir) - ا. خرگند، جوت.  
 زاید (zāyīd) - ا. ف. زیاتی.  
 زایل (zāyīl) - ا. ف. زوم، زهه، لری.  
 زبان (zabān) - ا. ژبه.  
 زبان آور (zabānāwar) - ا. م. ژب غرن.  
 زبده (zubda) - ا. ص. غوره.  
 زبردست (zabardast) - ا. م. پیاوری.  
 زبون (zabūn) - ص. زبولی،  
 خوار.  
 زجر (zajir) - ص. ستونہ، منہ.  
 زحمت (zahmat) - ص.  
 خواری، زیار کراو، رپر، غم.  
 زخم (zāxim) - ص. پرها، تپ.  
 زخمہ (zaxma) - ا. شاباز، زخمی.  
 زخمی (zaxmī) - ص. ژوبل.  
 زدن (zadan) - ا. ف. وهل، ویشتل.  
 زدوبند (zadoband) - ا. ف. چل ول.  
 زد و خورد (zadoxord) - ا. ف. جنگیدل.  
 زر (zar) - ا. سره زر.  
 زراعت (zirā? t) - ا. ف.  
 کرل، کر، کرونه، کرله.  
 زربفت (zarbaft) - ا.  
 زر زری.

زاد (zād) - ا. تونبه.  
 زاد و بوم (zādobūm) - ا. تاتوبی.  
 زار (zār) - ص. خوار.  
 زارع (zāri?) - ا. ف. بزرگور.  
 زاغ (zāg) - ا. تبخی.  
 زال (zāl) - ا. زور.  
 زانو (zānū) - ا. زنگون.  
 زاهد (zāhid) - ا. سمکوت.  
 زاهر (zāhir) - ا. خرگند، جوت.  
 زاید (zāyīd) - ا. ف. زیاتی.  
 زایل (zāyīl) - ا. ف. زوم، زهه، لری.  
 زبان (zabān) - ا. ژبه.  
 زبان آور (zabānāwar) - ا. م. ژب غرن.  
 زبده (zubda) - ا. ص. غوره.  
 زبردست (zabardast) - ا. م. پیاوری.  
 زر زری.

زمستان (zimistán) - ا.  
 ژمی، جمی، زمی.  
 زمین (zamín) - ا. ځمکه.  
 زن (zan) - ا. بنځی.  
 زنبق (zanbuq) - ا. زنبق.  
 زنجیر (zanjír) - ا. زنجیر.  
 زندان (zindán) - ا. بندیخانه.  
 زنده (zinda) - ص. ژوندی، ژوی.  
 زنگی (zangí) - ا. تور.  
 زوج (zawj) - ا. میړه، جوړه.  
 زورق (zawraq) - ا. بیړی.  
 زولانه (zawlána) - زولنی،  
 پایکړی.  
 زهد (zuhd) - ص. پالیالی، مناتوب.  
 زهر (zahr) - ا. انډیر، گنډیر، جر.  
 زیان (ziyán) - ص. فا. ځلل. تاوان.  
 زیتون (zaytún) - ا. بنون، خانی.  
 زیرک (zírak) - ص. څور، څیر.  
 زین (zín) - ا. سرغ، گانی، آنه.  
 زینت (zínat) - ا. سینگار، شیوه.  
 زیور (zewar) - ا. گانه، پسول،  
 گینه.

زر خرید (zarxaríd) - ا. م.  
 زر خرید.  
 زردک (zardak) - ا. کازر.  
 زرکوب (zarkob) - ص.  
 زرکوب.  
 زرگر (zargar) - ا. زرگر.  
 زرنګ (zarang) - ص. تکره،  
 غبتلی.  
 زشت (zišt) - ص. ناکاره،  
 کرغیرن.  
 زعیم (za?fm) - ا. مشر.  
 زغال (zigál) - ا. سکاره.  
 زفاف (zifáf) - ص. واده.  
 زقوم (zaqūm) - ا. توهر،  
 دوغس ونه.  
 زکام (zukám) - ا. والکی.  
 زلال (zulál) - ص. رنی اوبه.  
 زلزله (zilzila) - ص. زلزله.  
 زلت (zilát) - ص. بنویدنه،  
 ختاوتنه.  
 زمام (zimám) - ا. واک.  
 زلف (zulf) - څونګی، بنوخی،  
 څونی.  
 زمان (zaman) - ا. پیر.  
 زمخت (zumuxt) - ص.  
 ترینګری.

# ژ

ژیان (žiyān) - ص. غوسه ناک.

ژنده (žanda) - ص. زاره،

زاره کالی.

ژئولوژی (žeožī) - ا.

خمک پیژندنه.

ژست (žest) - ا. حرکت

واعمال شخص.

ژاژخا (žážxā) - ص. دنی،

ایلت، گاکیری.

ژاله (žāla) - ا. دلی، ژلی.

ژرف (žarf) - ص. ژور، تندوره.

ژوبین (žobīn) - ا. بله.

ژولیده (žolīda) - ص. خوره،

خپولی.

## س

ساخته گی (sáxtagí) -	سابق (sábiq) - ا. ف. پخوا، رومی لرغون.
ا. ف. چلول، تگی.	ساجد (sájid) - ا. ف.
ساختمان (sáxtumán) -	سجده کونکی، سرینودونکی.
ا. ف. جوړاب، رغبت، اړاو.	ساجق (sájiq) - ا. ژاوله.
ساخته (sáxta) - ا. ف. جوړ.	ساچمه (sáçma) - ا. زرنیخی، ساچمی، چری.
ساخته کاری (sáxtakári) -	ساحت (sáhat) - ا. ولکه، چلکه، راک، غولی.
ا. ف. چلول، جوړ کړی.	ساحر (sáhir) - ا. ف. کوډگر، پارو، پاروگر.
ساده (sáda) - ص. ساد، پاری	ساحره (sáhira) - ا. ف. کوډگره.
سپیدلی، شوده.	ساحل (sáhil) - ا. سین غاړه، سین خنده.
ساده دل (sádadil) -	ساخت (sáxt) - ا. ف. جوړ کړ.
ص. م. سپین زری، سپیدی.	ساختن (sáxtan) - ا. ف.
ساده گی (sádagí) -	جوړول، رغول، سازول، جوړه.
ص. ساده توپ، سپیدلیتا، سپیدلتوپ.	
ساده لوح (sádalawh) -	
ص. م. سپیدلی، شوده.	
ساربان (sárbán) - ا. ص.	
اوبنبه، او بنوان.	

سارق (sāriq) - ص. فا. غل.  
سارقه (sāriqa) - ص. فا. غله.  
سازش (sāziš) - ا. ف. جوړه.  
سازگاری (sāzgarī) - ا. ف.

جوړښت، سازښت.  
ساعت (sā?at) - ا. گڼی.  
ساعت.

ساعت ساز (sā?atsāz) - ا. ف. ساعت ساز.

ساعد (sā?ied) - ا. لیچه،  
لیچی، لیچ، لیخ.

ساعی (sā?ī) - ا. فا. خواری کښی  
زیارمن، هاوند.

ساغر (sāgar) - ا. ټوپانکی  
(کاکړ) توتیالی، کوناتی.

ساق (sāq) - ا. پرکی.  
ساق درخت (sāqidarxt) - ا. م. ډر.

ساقط (sāqit) - ا. ص. لوپدلی.  
ساقی (sāqī) - ا. فا. اوبی، اوبیار.

ساکت (sākit) - ص. چپ،  
یتخولی، غلی.

ساکن (sākin) - ص. دریدی،  
ولار.

سال (sāl) - ا. کال.

سالانج (sālāna) - ق. ص.  
کلنی، کالیخ.  
ساخلوردده (sālxorda) - ص. م. زور.

سالگره (sālgira) - ا. م. تلین.  
سالنامه (sālnāma) - ا. م.  
کال لیک، کالنی.

سالار (sālār) - ا. ص. مشر.  
سالک (sālik) - ص. فا. لاربه،  
لارونی.

سالم (sālim) - ص. روغ، ساز.  
سالوس (sālūs) - ص. ټگی،  
چم، چل.

سالون (sālūn) - ا. لوی دالان.  
سامان (sāmān) - ا. سمبال،  
ساز.

سامعه (sāmi?a) - ا. فا. اورنی.  
سان (sān) - ا. دور.

سانتی متر (sāntīmitir) - ا. م. سانتی متر.

سانسور (sānsor) - ا. بدن،  
کوره، سانسور، کرنټیل.

ساویدن (sāwīdan) - ا. ف.  
سولول، زدویل، زدوول.

سایه (sāya) - ا. سوری.

سابق (sabaq) - ا. لوست.  
 سبک پاچه (subukpāca) -  
 ص. م. ډرپل، سپونک،  
 ورکر، ډرنګی.  
 سبک دست  
 (subukdast) -  
 ص. مر. ټک لاسی.  
 سبوس (subos) - ا. ځکول،  
 ځمک.  
 سپارش (sipāris) - ا. ف.  
 سپارنه، زیرمه، سپارښ.  
 سپردن (sipurdan) - ا. ف.  
 سپارل.  
 سپند (sipand) - ا. سپلنی، سپلنی.  
 ستاره (sitāra) - ا. ستوری.  
 ستایش (sitāyes) - ا. ف. ستاینه.  
 ستم (sitam) - ا. زور، تیری،  
 تیرغمی، ناسازی.  
 ستم دیده (sitamdāda) -  
 ص. مف. اپوته.  
 ستیزه (siteza) - ا. ف. جګړه،  
 هوده، لانجه.  
 سحر (saḥar) - ا. سهار.  
 سحری (saḥarī) - ا. پیشلمی،  
 پرشمی، پسیمی.  
 سڅاوت (saxāwat) - ا. ف.  
 تلوانی.

سایه بان (sāyabān) - ا.  
 سیوران، مینا، چتر.  
 سایه دار (sāyadār) - ص.  
 فا. بیرانی.  
 سایه رخ (sāyarux) - ص.  
 مخپسوری، سیورن،  
 سورلن.  
 سبب (sabab) - ا.  
 پاسونه، سوب.  
 سبحان (subḥan) - ا. ف.  
 پاکول، سپینول.  
 سبحة (sabḥa) - ا. تسبی.  
 سبد (sabad) - ا. توکری،  
 بشکور، سوده.  
 سبز (sabz) - ا. شین، زرغون.  
 سبز شدن (sabzšudan) -  
 ا. ف. شیندل.  
 سبز و خرم (subzoxuram) -  
 ص. م. شالیز.  
 سبزه زار (sabzazār) - ا. م.  
 شنیلی، وښیاند.  
 سبزی (sabzī) - ا. شینوالی.  
 سبزی پالک (sabzīpāla) -  
 ا. م. چرګ سابه، چرګولی.  
 سبزی پلو (sabzīpalaw) -  
 ا. م. سبونا که.

سر افگنده (sarafganda) -  
 ص. م. سر تښتی.  
 سر باز (sarbāz) - ص. م.  
 سرتوری.  
 سر بالائی (sarbālāey) - ا.  
 ص. لورڅه، بوکره، بیرونه.  
 سر بر اوه (sarbarah) - ا. ف.  
 سرپه لاره، نامی.  
 سر به سر (sarbassar) - ق.  
 سرپه سر.  
 سر به کف (sarbakaf) -  
 ص. م. سرپه تلی.  
 سر بلند (sarbulsand) -  
 ص. م. سر لوی، سر لورڅه.  
 سر بلندی (sarbulsandī) -  
 ص. م. سر لوری، سر لوئی.  
 سر به تالاق  
 (sarbatalāq) - ص. م.  
 سرپه خیری، سر لاتی.  
 سر به خود (sarbaxod) -  
 ص. م. پخیل سر.  
 سر بهوا (sarbahawā) -  
 ص. م. هوک، پوک، پروس.  
 سرپا (saripā) - ص. م. پښوپه سر.  
 سرپایانی (sarpāyānī) -  
 ص. م. خور، زوره، مخ بنکته.

سخت (saxt) - ص. کلک.  
 سخت جان (saxtjān) -  
 ص. م. خری.  
 سخت گیر (saxtgīr) -  
 ص. م. لانجه ور.  
 سخن (suxan) - ا. خبره.  
 سخن بیهوده (suxanibehāda) -  
 ا. م. پرتی، چتیا.  
 سخن چین (suxancīn) -  
 ص. ما، مراسی، خبرغل.  
 سخن ناشنو  
 (suxa nnāšīnaw) -  
 ص. فا. تور غوری.  
 سخن ور (suxanwar) -  
 ص. ژبه ور.  
 سخی (saxī) - ص. بنه خوان،  
 بنه خلمی، نارینه.  
 سر (sar) - ا. ککره، سر.  
 سراپا (sarāpā) - ا. م.  
 سرتو پښو، جوړه.  
 سر اسیمه (sarāsīma) -  
 ص. م. الویزان،  
 خلباند، هک پک.  
 سر انجام (saranjam) - ق. پای.  
 سرا مد (sarāmad) - ص. م.  
 سر کرده، سر غندوی.



سر خوش (sarxōš) - ص. م.  
 بڼه تار، چټ.  
 سر خیل (sarxel) - ا. ص. مشر.  
 سردار (sardār) - ا. ص. سرغندی.  
 سردچار (sadučār) - ص.  
 قا. کښیوتلی، ارخار.  
 سردرگم (sardargum) -  
 ص. م. انجره، هوک.  
 سردست (saridast) -  
 ا. م. سم دلاسه.  
 سرراست (sarrāst) - ص.  
 م. نیغ، یگانه، سرخیره.  
 سرراه (sarirāh) - ا. م.  
 دلاری په سر.  
 سررشته (sarrīšta) - ا. م.  
 سبمالونه.  
 سرزمین (sarzamīn) -  
 ا. م. هیواد.  
 سرزنش (sarzanīš) - ا. ف.  
 زورنه، منت.  
 سرزور (sarzor) - ص. م.  
 سرتمبه، هوری.  
 سرزیادی (sarziyādī) -  
 ق. ترونه.  
 سرسام (sarsām) - ا. م. باسار.

سرپرست (sarparast) -  
 ا. ص. پالونی.  
 سرپناه (sarpanāh) - ا.  
 دناستی، خای.  
 سرپوش (sarpos) - ا. م. سرپوش.  
 سرپیچیدن (sarpīčīdan) -  
 ا. ف. سر غرول،  
 غاره غرول.  
 سرتاسر (sartāsar) - ق.  
 سرترسره، له یوی مخی.  
 سرچادر (sarīčādar) - ا. م.  
 کبره سمله.  
 سرچرخ (sarčarx) -  
 ص. م. سربلهال، اکر.  
 سرچشمه (sarčašma) -  
 ا. م. سرچینه.  
 سرحد (sarhad) - ا. م.  
 بزید، وینس، پوله، ټک.  
 سرخاریدن (sarxārīdan) -  
 ا. ف. سرگرول.  
 سرخشکان (sarxuškān) -  
 ا. م. سروچونی.  
 سرخم (sarxam) - ص.  
 سرخوری، سرتیتی.  
 سرخمیری (sarxamīrī) -  
 ا. م. رینگی، کندری.

بوښت، لگیا.

سر گشته (sargašta) - ص.

م. ترهور، الویزان.

سر گم (sargum) - ص. م.

انجر، لپروم.

سر گوشنی (sargoš) -

ا. م. غوری، گنگوسی.

سر گیچه (sargiča) - ا. م. اکر.

سر مایه (sarmāya) -

ا. م. پنگه، پونگه،

سنگه پانگه.

سر مشق (sarmašq) - ا. م. پتی.

سر منزل (sarmanzil) - ا. م.

مینه، سر کنپی.

سر نگون (sarnegūn) -

ص. م. نسکور.

سر نوشت (sarniwešt) -

ا. م. تندی لیک.

سرور (sarwar) - ص. سر غندی.

سر و صدا (sarosada) -

ا. م. غگ او غوک.

سر و کار (sarukār) - ا. م.

اړتړه.

سرونوک (saronok) - ا. م.

خوکه په خوکه،

خوله په خوله.

سر سبزی (sarsabzī) -

ص. م. زرغا.

سر سخت (sarsaxt) - ص.

م. سر تمبه، سر زوره.

سر سر کردن

(sarsarkardan) - ا. ف.

کیلول، سر سر کول.

سر شار (sarsār) - ص.

تل به جی په جی،

ژی په ژی.

سر شماری (saršumārī) -

ا. ف. سر شمیر.

سر شناس (saršinās) -

ص. م. مخاوی.

سر شوخ (saršox) - ص. م. دم.

سر فراز (sarfarāz) - ص.

سر لوړ.

سر کرده (sarkarda) -

ا. ص. مشر.

سر گذشت (sarguzašt) -

ا. م. سپی، تودی.

سر گردان (sargardān) -

ص. م. لالوانده،

خابلانده، لالهانده.

سر گرم (sargarm) - ص. م.

سر (sar) - ا. خواله.  
 سرا (sará) - ا. سرای، انگر.  
 سراغ (suráġ) - ا. درک، پته.  
 سرایدار (saráydár) - ا. ص.  
 تپی، سرای.  
 سرخ (surx) - ص. سور، سره.  
 سرخ رو (surxro) - ص. م.  
 مخرون.  
 سرخ شدن (sarxšudan) -  
 ا. ف. سوریدل.  
 سرخ کردن (surxkardan) -  
 ا. ف. تپیل.  
 سرخکان  
 (surxakán) - ا. شیری.  
 سرد (sard) - ص. سور، سرخه.  
 سرد شدن (sardšudan) -  
 ا. ف. سپیدل.  
 سرد کردن  
 (sardkardan) -  
 ا. ف. سره ول.  
 سردی (sardÍ) - ص. ساره،  
 سرتیا.  
 سرش (sirís) - ا. سرینس.  
 سرشت (siríst) - ا. خته،  
 خورزون خوری، پنخه.  
 سرعت (sur?at) - ا. ف.

بیره، تلوار.  
 سرفه (surfa) - ا. توخی.  
 سرفه سیاه (surfasiyáh) -  
 ا. م. توره توخله، توره غاره.  
 سرک (sarak) - ا. سرک،  
 واپ، لویه لاره.  
 سرکه (sirka) - ا. سرکه، تروبی.  
 سرما (sarmá) - ا. ساره، ژمی.  
 سرمه (surma) - ا. رانجه.  
 سرمه دادن (surmadádan) -  
 ا. ف. رنجرون،  
 مرغاری، بخرومه.  
 سرمه ئی (surmai) - ص.  
 رانجن.  
 سرنچی (surnač) -  
 ا. ف. سرنه یی، سرنی چی.  
 سرو (sarw) - ا. سبر، سبرونه.  
 سرو آزاد (sarwiázad) -  
 ا. م. دنکه سبره،  
 نیغه سبره.  
 سرو سهی (sarwis. ihÍ) -  
 ا. م. سمه سبره،  
 تیغه سبره.  
 سرو د (surúd) - ا. خبره.  
 سرو دن (surrúdan) -  
 ا. ف. بدلی ویل.  
 سرور (surúr) - ا. ف. خوبنی.

سقط (siqt) - ا.ف. اچولی،  
 نخسانی، زیانی.  
 سقف (saqf) - ا.چت، پشتول.  
 سقوط (suqūt) - ا.ف. لویدل.  
 سکتہ (sakta) - ا.کرم.  
 سکونت (sukūnat) -  
 ا.ف. استوکه، اوسیدنه،  
 میشته.  
 سگ (sag) - ا.سپی.  
 سگ رمه (sagirama) -  
 ا.م. خهل.  
 سل (sil) - ا.چک، مره خور،  
 نری رنخ.  
 سلاح (salāh) - ا.وسله، درسته.  
 سلامت (salāmat) - ا.ف.  
 روغتیا.  
 سلسله (silsila) - ا.خیره، لرهید.  
 سلطنت (saltanat) - ا.ف.  
 ټولواکی.  
 سلطه (sulta) - ا.ف. واک.  
 سلیقه (salīqa) - ا.خورزون، خټه.  
 سم (sum) - ا.سوه.  
 سمارق (samāruq) - ا.  
 پوڅکی، پریره، حزمیری.  
 سمت (samt) - ا.خوا، لور، پلو.

سره (sara) - ص. کره، بوب.  
 سزا (sazā) - ا.اندول، بدله،  
 هدار (پاداش بدی).  
 سست (sust) - ص. او مری،  
 پوست، شلت.  
 سره کردن (sarakardan) -  
 ا.ف. کره کول.  
 سست رفتار (sustraftār) -  
 ص. م. مته.  
 سست و بیکار  
 (sustubekār) -  
 ص. م. مرت،  
 جابخی، شاری واری.  
 سطل (satil) - ا.بالتی.  
 سعادت (sa?adat) - ا.ف.  
 نیکبختی شارمنی،  
 برخه منی، نیک مرغی.  
 سفارش (safaris) - ا.ف.  
 زیرمه، سپارښت.  
 سفر (safar) - ا.یون، سپر.  
 سفر کردن (safarkardan) -  
 ا.ف. یون کول.  
 سفره (sufra) - ا.شخولی.  
 سفره آردی (sufrayārdi) -  
 ا.م. کندری، کوندری.  
 سفید (safed) - ص. سپین.

سن (sin) - ۱. عمر، منگ.  
 سنبل (sunbul) - ۱. ځنی، ځنی، کوکو.  
 سنبله (sunbula) - ۱. وږی.  
 سنجاق (sinjaq) - ۱. ستنگ.  
 سنجش (sanjis) - ۱. ف. پرتله.  
 سنگ (sang) - ۱. تیره.  
 سنگ پا (sangipa) - ۱. م. کنگر، پیلو، زیره، تیره.  
 سنگ پشت (sangpušt) - ۱. م. شمشتی، میچنی.  
 سنگچل (sangcil) - ۱. گاتی.  
 سنگ چونه (sangicuna) - ۱. م. پسته گاگره، چوتی تیره.  
 سنگدان مرغ (sangdanimurg) - ۱. م. شاتینکه، تینکه، گلپرک.  
 سنگ دست (sangidast) - ۱. م. دلاس تیره.  
 سنگ ذغال (sangizuḡal) - ۱. م. سکور کانی.  
 سنگریزه (sangreza) - ۱. گاتی، وږی تیری.  
 سنگسار (sangsār) - سین غاری.

۱. م. ډبروژنه.  
 سنگ کش (sangkaš) - ۱. ف. ډبری والا، گرهگی.  
 سنگک (sangak) - ۱. ص. ص. متکر، متکور.  
 سنگلاخ (sanglax) - ۱. کار، ډبرین، تراره.  
 سنگ مثانه (sangimsana) - پو کانی، ډبره مثانه.  
 سنگ مرمر (sagimarmar) - ۱. م. مرمر کانی، سپینه تیره.  
 سنگینی (sangīn) - ۱. ص. ن. درناوی، توله، وزمینی.  
 سنگر (sangar) - ۱. مورچل، سلته، سنگره، څوکی.  
 سنگین (sangīn) - ۱. ص. ن. دروند، وزمین.  
 سنه (sana) - ۱. کال.  
 سنین (sinīn) - ۱. جم. کلونه.  
 سو (su) - ۱. طرف، لور، خوا، پلو.  
 سواحل (sawāhil) - ۱. جم. سین غاری.

سوری.  
 سوراخ کردن  
 (srāxkardan) - ا. ف.  
 سوری کول.  
 سوراخ شدن (sūrāxsudan) -  
 ا. ف. سوری کیدل.  
 سوزاک (suzāk) - ا. سوخی.  
 سوزش (sozeš) - ا. ف. سوی،  
 سوخت.  
 سوزن (sozan) - ا. ستن.  
 سوزن لحاف دوزی  
 (suzanilihāfdozī) -  
 ا. م. نماری ستن.  
 سوگ (sog) - ا. ویر.  
 سوگوار (sogwār) - ص.  
 ویرژرلی.  
 سوگند (sawgand) - ا.  
 لوره، لو، قسم.  
 سوهان (sohān) - ا. سوهن،  
 چوسار.  
 سوژن (so?izan) - ص. م.  
 بغیرنه.  
 سهو (sahw) - ا. ف. تیرونه.  
 سهولت (suholat) - ا. ف.  
 سوانه، سویت، آسانتیا.  
 سی (sī) - ا. ع. دیرش.

سوادخوان (sawādxān) -  
 ا. ف. لوستی، لستونی.  
 سوار (sawār) - ا. ف. سپور.  
 سوار کار (sawārkār) - ص. ف.  
 سپرلونی، سپر کبش.  
 سواری (sawārī) - ا. ف.  
 سولی، سپارلی، سورلی.  
 سوال (sawāl) - ا. غوبنتل.  
 سوال (sawāl) - ا. پوښتنه.  
 سوانح (sawāneh) - ا. بیر،  
 ژوند لیک.  
 سوخت دل (suxtidil) - ا.  
 ف. کوی، زړه سوی.  
 سوخته گی (suxtagī) - ا.  
 ف. سوی.  
 سوخته (soxta) - ا. م. ف.  
 سوخیدل.  
 سود (sūd) - ا. گتیه، وپه.  
 سودائی (sawdāey) -  
 ص. م. تورانی، سودائی.  
 سودخور (suodxor) - ص.  
 ف. سوائی، جر کانی.  
 سوراخ (surāx) - ا. مور.  
 سوراخ سوراخ  
 (sūrāxsūrāx) - ا. م. سوری،

- سیاه (seyáh) - ص. تور.
- ستاره (sitára) - ا. گر خند، ستوری.
- سیاه بخت (siyáh baxt) - ص. م. ناگرانه، کوته، کریابه.
- سیاه چاه (siyáh chah) - ا. م. تور کجمل.
- سیادانه (siyádána) - ا. تور وانجه.
- سیاه کار (siyáh kār) - ص. م. بدلامی، بدلمی.
- سیاه کاسه (siyáh kása) - ص. م. بخیل، وچ لاسی.
- سیب (seb) - ا. م. سبب زمینی (sebizamīn) - ا. م. پدالی، کچالو.
- سیخ بافت (sī xibāft) - ا. م. سپر خکی، سببته.
- سیر آمدن (sirāmadan) - ا. ف. تنگیدل، پخان راتلل.
- سیر چشم (serčašm) - ص. مور سترگی.
- سیر شدن (sersudan) - ا. ف. مریدل.
- سیر کردن (s erkardan) - ا. ف. مړول.
- سیستم (sīstum) - ا. انځور.
- سیل (sel) - ا. نیز، توی، سیلاو.
- سیم خاردار (Sīmīxārdar) - ا. م. اغزنمزی.
- سیم دوزی (sīmdozī) - ا. ف. زرکندهی.
- سیمرغ (sīmurǧ) - ا. ورک مرغه.
- سینه بغل (sīnabaǧal) - ا. م. سکاروی.
- سینه تنگی (sīnatangī) - ا. م. سیاره، آزاری، دبه، سالنوی.

## ش

شادی (šādī) - ص. خوشحالی،

خوشالتیا.

شار (šār) - ا. بنار.

شاراندن (šārāndan) -

ا. ف. شپل.

شارستان (šāristān) - ا. بنار.

شاریدن (šāridan) - ا. ف. تویدل.

شاعر (šā'ir) - ا. ف. شاعر.

شاکی (šākī) - ا. ف. مانی جن.

شاگرد (šāgrd) - ا. ص.

زده کونکی چونی.

شال (šāl) - ا. شری.

شالاق (šālāq) - ص. قید

پکتن، نا کراره.

شالوده (šālūda) - ا. آره،

رده، بیته، بنسپ.

شالی (šālī) - ا. شالی. شوکی

شام (šām) - ا. ما بنام.

شاباش (šabāš) - ا. اشکی. شاپش

شاتوت (šātūt) - ا. م. توه.

شاخ (šāx) - ا. خانگه.

شاخ آهو (šāxiāhú) - ا. م.

د هوسی بنکر.

شاخچه (šāxča) - مچرکی،

لک کی.

شاخدار (šāxdār) - بنکره ور.

شاخه (šāxa) - ا. مندو ه.

شاد (šād) - ص. خوشحاله.

شاداب (šādāb) - ا. ف. ترو تازه

بنالیز، پخت.

شاد شدن (šādšudan) -

ا. ف. خوشحالیدل.

شادمان (šādmān) - ص.

خوشحال. خوبن.

شادمانی (šādmānī) - ص.

خوشحالی.



شباروز (šabāroz) - ا.م.  
 شپه ورځ.  
 شبانه (šabāna) - ا. شپنی،  
 برنی، زیرنی.  
 شب برات (šabibarāt) -  
 ا. ف. دبرات شپه.  
 شب بو (šabbo) - ا.م. شپی.  
 شب پرک (šabparak) -  
 ا.م. کتیز، خکالکی، خکاکی.  
 شب حنا (šabihinā) - ا.م.  
 دنکریزوشپه.  
 شب خیز (šabxez) - ص. فا.  
 شوگیر، شپه لتوی.  
 شب قدر (šabiqadr) - ا.م.  
 دقدر شپه.  
 شب کور (šabkor) - ص. م.  
 شپه روندی، شپیلندر.  
 شب معراج (šabimi?rāj) -  
 ا.م. د معراج شپه.  
 شب مهتاب (šabimahtāb) -  
 ا.م. سپنگی، د سپوژمی شپه.  
 شبان (šubān) - ا. شپون.  
 شباهت (šabāhat) - ا. ف.  
 سکه، ورته.  
 شبدر (šabdar) - ا. شوتله.  
 شبنم (šabnam) - ا.م. پرخه.

شامل (šāmel) - ا. فا. کده، دلی  
 خمسور.  
 شاندار (šandār) - ص. پرتمین  
 پتمن.  
 شانزده (šānzda) - ا. ع. شپارس.  
 شانہ (šāna) - ا. رفخ، مگنر.  
 شاه (šāh) - ا. پاسوال.  
 شاه خیل (šāhxe) - ا.م. ورا.  
 شاه هراه (šāhrāh) - ا.م.  
 لویه لاره.  
 شاهزاده (šāhzāda) - ا.م.  
 شاه زوی.  
 شاهرگ (šāhrag) - ا.م.  
 بنا رگی، بناگونه.  
 شاه کار (šāhkār) - ا.م.  
 پنجه چاره، پوخ کار.  
 شاهد (šāhd) - ا. شها، شهی.  
 شایسته (šāysta) - ص. ورباب.  
 شاید (šāyad) - ا. ص. بنایی.  
 شایستگی (šāyestagī) -  
 ا. ف. ورتیا.  
 شایع شدن (šāy?sudān) -  
 ا. ف. خپریدل.  
 شایق (šāyiq) - ا. لیوال.  
 شب (šab) - ا. شپه.

شتاب (sitāb) - ا. ف. تلوار، بیره.  
 شتر (šuture) - ا. اوښ.  
 شتر مرغ (šuturmurġ) - ا. م. اوښ مرغی.  
 شجاع (šujā?) - ص. دلاور، زړه ور.  
 شخ (šax) - ص. کلک.  
 شخص (šaxs) - ا. سپری.  
 شخصی (šaxsĪ) - ا. خانگری.  
 شخصیت (šaxsiyat) - ا. سپری توب.  
 شدت (šiddat) - ا. ف. کاوره، غسه.  
 شدن (šudan) - ا. ف. کیدل.  
 شدیار (šidyar) - ا. سادین شدیاره.  
 شر (šar) - ص. بد، نابوده.  
 شرانگیختن (šarangextan) - ا. ف. شر جوړول.  
 شرو شور (šarušor) - ا. م. هاها، شور ماشور.  
 شراب (šarāb) - ا. شومنی، شراب.  
 شرب خوردن (šarabxordan) - ا. ف. شراب وهل، شراب خوړل.  
 شرابی (šarābĪ) - ص. بدالی، بدزی.  
 شرافت (sarāfat) - ا. ف. لوئی.

شراکت (sarākat) - ا. ف. گډون.  
 شرایط (sarāyet) - ا. شرتونه.  
 شرف (šaraf) - ا. ف. لوئی.  
 شرق (šarq) - ا. ف. خاتیز، ختیز.  
 شرکا (šurakā) - ا. جم، شریکان.  
 شرکت (širkat) - ا. ف. گډون.  
 شرماندن (šarmāndan) - ا. ف. شرمول.  
 شرم حضور (šarmehozūr) - ا. م. دمخی آبا.  
 شرمسار (šarmsār) - ص. خر، خنگ.  
 شرمنده (šarminda) - ص. پیکه، خر.  
 شرمیدن (šarmīdan) - ا. ف. خریدل.  
 شریعت (šarĪ?at) - ا. حق، دخدای لار.  
 شریف (šarĪf) - ص. لوی.  
 شریک (šarĪk) - ص. مل انډیوال.  
 شستن (šustan) - ا. ف. مینخل.  
 شش (šas) - ا. شپړ.  
 شعاع (šū?ā?) - ا. رڼا، توا.

شعبان (ša?bān) - ا.

د برات میاشت.

شعبده (šū?bada) - ا.

کود لوبه.

شعبه (šū?ba) - ا. خانکه.

شعور (šū?ūr) - ا. ف. سلیم، زیبا.

شغال (šaǧāl) - ا. سور لنډی، کپړ.

شفاء (šafā?) - ا. ف. روغتیا.

شفاعت (šafā?at) - ا. ف.

مخ اړونه.

شفتالو (šaftálu) - ا. شوتالو.

شفتل (šaftal) - ا. شوتله.

شق (šaq) - ا. چو، چاوده.

شقایق (šaqáyeq) - ا. ریدی.

شک (šak) - ا. خر خنبه، وپ بک.

شکایت (šikāyat) - ا. ف. مانه.

شکر گزار (šukurguzár) -

ص. فابنه منونکی.

شکست (šikast) - ا. ف. ماته.

شکست دادن

(šikastdādan) - ا. ف.

ماته ورکول.

شکست و ریخت

(šikastorix †) - ا. م. کنډو کپړ.

شکستن (šikastan) -

ا. ف. ماتول.

شکسته (šikasta) - ا. مف.

مات.

شکسته حال

(šikastahāl) - ص. مف.

کومن، کرمن.

شکسته نفس

(šikastanafs) - ص. مف. کمینی.

شکل (šakil) - ا. ابیرات، خیره.

شکم (šikam) - ا. انس، کپړه.

شکم انداختن

(šikamandāxtan) -

ا. ف. خپته اچول.

شکمبو (šikambú) - ص.

خیتو، خیتور.

شکمبه (šikamba) - ا. لری.

شکنجه (šeknja) - ا. کاره.

شکوه (šukuh) - ا. پتمن.

شگوفه (šugúfa) - ا.

غورو کی، غوتی.

شکیب (šikeb) - ا. سکت، پیخه.

شکیبا (šikebā) - ص. فا.

پیخونکی، سکت کونکی.

شکیبائی (šikebáyí) - ص.

سکتیا، پیخه.

شگاف (šigáf) - ا. سوری.

شگافتن (šigáftan) - ا. ف.

سوری کول.

شگفتن (šuguftan) - ا. ف.

سپړیدل، غویدل.

شگفته (šugufta) - ص. مف.

غوړیدلی.

شگور (šugúr) - ا. شگری،

امبولی، شکور.

شگون (šugún) - ا. بنا کوم،

مرغ اودم.

شل (šal) - ص. مراوی.

شلاق (šalláq) - ا. تراپ، متروکه.

شلغم (šalgam) - ا. تپیر ښکړی.

شما (šumā) - ض. تاسی.

شمار (šumár) - ا. شمیر.

شماره (šumára) - شمیر.

شمال (šamál) - ا. لمر ښ،

شمال، دمرو خوا.

شمال (šamál) - ا. ورنښ، باد، سیلی.

شمالک (šamálak) -

ا. الوینښ، وژمه.

شمردن (šumurdan) -

ا. ف. شمیرل.

شمس (šams) - ا. لمر، نور، نمر.

شمشیر (šamser) - ا. توره.

شمشیر بازی

(šamšerbází) - ا. ف. خورنگ.

شمع (šam?a) - ا. موباتی، شم.

شمعدان (šam?adán) -

ا. م. دیوت.

شمله (šamla) - ا. شکلی، شمله.

شمول (šumúl) - ا. ف. راتول.

شنا (šiná) - ا. لمبو، لامبو.

شنا کردن (šinákardan) -

ا. ف. لامبو وهل.

شناور (šináwar) - ص. ف. لامبوزن.

شناختن (šináxtan) - ا. ف.

پیژندل.

شناس (šinás) - ا. ف. پیژندگلوی.

شناسا (šinásá) - ص. ف. پیژاندوی.

شناساندن (šinásáندان) -

ا. ف. پیژندول.

شناسائی (šinásáey) - ا. ف.

پیژندگلوی، شناخت.

شنبه (šanba) - ا. روزاول

هفته، دخالی ورځ.

شناوا (šinawá) -

ص. ف. اوریدونکی.

شناوانیدن (šinawánÍdan) -

ا. ف. آوریدل.

شنیدن (šunÍdan) - ا. ف. اوریدل.

## شهادتنامه

- (šahādatnāma)

ا.م. بری لیک.

شهامت (šahāmat) - ا.ف.

میرانه، میرانه.

شهر (šahr) - ا.بشار.

شهری (šahrī) - ا.بشاری.

شهرت (šuhtrat) - ا.اوخارنه،

اشوال.

شیار (šayār) - ا.شدیاره، سادین.

شیخ (šayx) - ا.زور، بلوا.

شیر (šer) - ا.زمری.

شیر خدا (šerixudā) - ا.م.

شیردخدای، دخدای

زمری علی (رض).

شیردل (šerdil) - ص.م. دلاور.

شیر مرد (šermard) - ص.م.

میرنی.

شیر برنج (šīrbirinj) -

ا.م. شوده وریچی.

شیر چوشک (šīrčošak) -

ا.م. خوښی، خبینک.

شیر خور (šīrxor) - ص.فا.

تشدی، تی روی.

شیردانی (šīrdānī) - ا.م.

شیر لوښی، جوری.

شنیده (šunīda) - ا.ف. اوریدلی.

شو (šaw) - ا.شپه.

شوخ (šox) - ص.ناپام.

خسنگ، برند.

شور (šor) - مالکن.

شور بخت (šorbaxt) -

ص.اسی، بی بخره.

شور چشم (šorčašm) -

ص.رنلسترگی،

غرندی، بدسرگی.

شور دادن (šordādan) -

ا.ف. لزل، بنورول،

بمول.

شورش (šoriš) - ا.ف. بلوا،

اله گوله، غاوغره.

شوربا (šorbā) - ا.زومنه، شوروا،

زیمنه.

شوره زار (šorazār) - ا.م.

شورنده، بنوره ماغه،

بسرینه.

شوق (šawq) - ا.ناپ مینه.

شوکت (šawkat) - ا.برم، دباب.

شوهر (šawhar) - ا.میره،

خاوند، خبنتن.

شوئیست (šoyest) - ا.خانبت.

شهادت (šahādat) - ا.ف.

شهیدیل.

شیردان (šīrdān) - ا.م.

سیلی، شوانه، خخنکی.

شیر سوخته (šīrsoxta) -

ص.م. وچموری، خواستی.

شیر فروش (šīrfuroš) - ا.فا.

شودی والا،

شدی خرخونکی،

شدی پلوره نکي.

شیر گرم (šīrigarm) - ا.م.

نرم، هن، تودوکی.

شیر مست (šīrmast) -

ص.م. بنالیز، خرمیتی.

شیری (šīrī) - ص. پیوره.

شیره (šīra) - ا. زبنا، دوبا.

شیره گندم

(šīraygandum) - ا.م. پوخته.

شیرین (šīrīn) - ص. خور.

شیرین شدن

(šīrīnsudan) - ا.ف. خوریدل.

شیرین کردن

(šīrīnkardan) - خورول.

شیرینی (šīrīnī) - ا. خوروالی.

شیرینی خوری

(šīrīnīxorī) - ا.م. کوزده.

شیطان (šaytān) - ا. بنیاره، شیتان.

شیون (saywan) - ا. ژړا، ویر،

انگولا.

## ص

صبح کاذب  
(subhikāzib) - سور، گھیخ.  
صبر (sabr) - ا. ف. پیختی، سکتہ.  
صبر کردن (sabr kardan) -  
ا. ف. پیخہ کول،  
سکتہ کول.  
صبور (sabūr) - ص. پیخالی.  
صحابہ (saḥāba) - ا. ملہ، ملگری.  
صحاف (saḥāf) - ا. ص.  
دوتنیار، کتاب پلور.  
صحبت (ṣaḥbat) - ا. ف. جرگہ.  
صحت (siḥat) - ا. ف. روغتیا.  
صحت شدن (siḥat sudan) -  
ا. ف. روغیدل، جوړیدل.  
صحت و سلامت  
(siḥatosalāmat) - ص. م.  
جک جوړ، روغ، رمت.  
صحرا (saḥrā) - ا. داک.

صابر (sābir) - ا. ف. پیخمایی،  
پیخو، سکتی.  
صابون (sābūn) - ا. سابن.  
صاحب (sāhib) - ص. ف. مل، یار.  
صاحب خانہ  
(sāhibxāna) - ا. م. کوربه.  
صادر (sādir) - ا. ف. لیول.  
صادق (sādiq) - ا. ف. لور، ربنستونی.  
صاف (sāf) - ص. بی غش، روان.  
صاف دل (sāfdil) - ص. م.  
پین زری.  
صاف کردن  
(sāfkardan) - ا. ف. سپینول.  
صالح (sālih) - ص. سپین روبی.  
صبا (sābā) - ا. ورمہ.  
صبح صادق  
(subhisādiq) - ا. م. گھیخ،  
سپین گھیخ.

صحرائی (saḥrae) - ۱.

بیديانی، کاری.

صحیح (saḥēh) - ص. جوړ، روغ.

صحیح و سالم

(saḥēhosālim) - ص. م. تکره

وروغ رمی.

صدهزار (sadhazār) -

۱. سل زره.

صدا (sadā) - ۱. بڼغ، غږ.

صدا کردن (sadākardan) -

۱. ف. غږ کول.

صدای تفنگ

(sadāytufang) - ۱. م. ډز.

صدارت (sidārat) - ۱. ف.

برناستی.

صداقت (sidāqat) - ۱. ف.

رښتینولی.

صدر اعظم

(sadria?zam) -

۱. لوی واکوال.

صدف (sadaḥ) - ۱. سپی.

صدیق (sidīq) - ص. رښتین.

صراحت (sarāhat) - ۱. ف.

خرگندنیا.

صراط مستقیم

(sirātimustaqīm) - ۱. م.

سمه لاره.

صراف (sarāf) - ۱. کره، سراپ.

صرف (sīrf) - ص. یوازی، تش.

صرف نظر (sarfinazar) -

۱. م. پری بنودل.

صرفه (sarfa) - ۱. سپمساو کتبه.

صلا (salā) - ۱. ست.

صلات (salāt) - ۱. لمونځ.

صلاکار (salākār) - ۱. م.

بنه سپری.

صلاحیت (salāhiyat) - ۱. ف.

بنه واله.

صلح (sulh) - ۱. روغه جوړه.

صنایع (sanāy?) - ۱. چاری.

صندلی (sandali) - ۱. سندلی.

صندوق (sandoq) - تونی،

سندوخ.

صندوقچه (sandoqca) - ۱.

سندوخچه.

صواب (sawāb) - ص. سم.

صورت (sūrat) - ۱. پیکرونقش.



صورت گر (suratgar) -

ص.م. کښیدیار.

صيد (sayd) - ا.ف. ښکارون.

صيد کردن (saydkardan) -

ښکارول، وڼا.

صيد گاه (saydgāh) - ا.م.

شکارځای.

صیقل (sayqal) - ص.پرونی.

صیقل کردن

(sayqalkardan) - ا.ف. روڼول.

صیقل گر (sayqalgar) -

ص.فا. روڼونی.

صنم (sanam) - ا.ختکی،

خت ، بت

## ض

ضابط (zābit) - ا. فا. زمیری،  
 سائندوی.  
 ضامن (zāmin) - ا. فاجسمانی،  
 جسمانو.  
 ضایع (zāyi?) - ص. گار، توی.  
 ضبط (zabt) - ا. ف. ساتنه.  
 ضجر (zajir) - ا. ف. ساروبی،  
 چنگان.  
 ضجه (zaja) - ا. خواشینی،  
 گورملی.  
 ضحاک (zahak) - ا. خنداوو.  
 ضحک (zuhak) - ا. ف. خندا.  
 ضخیم (zaxīm) - م. ص. کورخولی.  
 ضخامت (zaxāmat) - ا. ف.  
 پنلوالی، پریرواله.  
 ضد (zid) - ص. هود، کست.  
 ضدیت (zidiyat) - ا. ف.  
 هود، هته.  
 ضر (zar) - ص. زلل، کاوان.  
 ضراء (zarā ?) - ا. زیار، کراو.  
 ضرب (zarb) - ا. ف. وهل.  
 ضرب المثل  
 (zarbulmasal) -  
 ا. ف. متل.  
 ضربت (zarbat) - ا. گزار، گوزار.  
 ضربه (zarba) - ا. گراز، گوزار.  
 ضرر (zarar) - ا. تاوان.  
 ضرع (zar?) - ا. غولانخه.  
 ضرع (zar?) - ا. زواری.  
 ضرور (zarūr) - ص. هر و مرو.  
 ضرورت (zarūrat) - ا. اله حاله.  
 ضریر (zarīr) - ص. پروند.  
 ضعف (za?f) - ا. ف. انتیا، زمولتیا.  
 ضعیف (zālf) - ص. بزغنجر، زهیر.  
 ضعیف الابصر  
 (za?Ífulabsar) -  
 ص. م. بن، ونسترگی.

ضمن (z.imn) - ا. تر. منخ، مینخ.

ضمننا (zimnan) - ق. په ترخ،

په مینخ.

ضمه (zama) - ا. پینس.

ضمیر (zamír) - ا. زړه، زړونه.

ضمیمه (zamíma) - ص.

ورپوری، ورسره.

ضمن (zamín) - ص. ضمانه،

لاس شوی.

ضنت (zinat) - ص. کروتی،

شومی.

ضواهک (zawáhik) - ا. راری.

ضور (zúr) - لوره.

ضیاء (zía?) - ا. رڼا، روڼا.

ضیاع (zīyá?) - ست، کار.

ضیغم (zayḡam) - ا. زمري.

ضيافت (ziyāfat) - ا. ف.

میلستیا.

ضیق (zīq) - ا. ف. تنګ.

ضيق النفاس

(zīqonnafás) - ا. م.

سالنډی، سیاره.

ضعیف الاعصاب

(za?Ífula?sáb) -

ص. م. مرانجا.

ضعیف البنيه

(za?Ífulbunya) -

ص. م. بز عنجر، مرکندی.

ضعیف و لاغر

(za?Ífolāḡar) - ص. م.

خوار، خوارکی.

ضعیف شدن

(za?Ífsudan) - ا. ف. زهیریدل.

ضغن (ziḡan) - ا. رخی.

ضلال (zalāl) - ا. ف. بیلارتوب.

ضلالت (zalálat) - ا. ف.

بیلارتوب.

ضلع (zul) - ا. پوشتی.

ضلیل (zalíl) - ص. ورک لاری.

ضم (zam) - ا. ف. پوری کول.

ضمان (zamān) - ا. ف.

ضمانه، لاسور کول.

ضمانت (zamānat) - ا. ف.

ضمانه، لاسور کول.

ضمانت خط

(zamānatxat) -

ا. م. ضمانه لیک.

ضمایر (zamáier) - ا. جم.

زړونه، ضمیرنه.

## ط

طایفه (tāyefa) - ۱. توکم، خیل.

طب (tib) - ۱. درملی، پوهه.

طباخ (tabāx) - ۱. پخونکی، پخونی.

طباعت (tabāʔat) - ۱. چاپول،

چاپیدل.

طبراق (tabraq) - ۱. لیوی،

شخولی.

طبع (tabʔ) - ۱. پنخون، ختبه.

طبع کردن (tabʔkardan) -

۱. ف. چاپول.

طبق (tibq) - ۱. اسم، اسل.

طبقه (tabaqa) - ۱. پور.

طبل (tabl) - تمبل، رانکه.

طبله (tbla) - دکره، تبله.

طیب (tabīb) - ۱. درملی.

طبیعت (tabīʔat) - ۱.

خورزون، پنخ.

طاس (tās) - ۱. کتوری.

طاعت (tāʔat) - ۱. ف.

غارہ اینودل.

طاعون (tāʔūn) - ۱. تاون، طاعون.

طاغوت (tāgūt) - ۱. بود، بوت.

طاق (taq) - ۱. کونبیخ.

طاق (taq) - ۱. ناتکی، تاک.

طاقت (taqat) - وس، برم.

طاقچه (taqca) - تاخچه، شیلگی.

طالب (tālib) - ۱. فا. غو بنتونی.

طالعمند (tāliʔmand) -

ص. فا. تالی، پانری.

طامع (tāmeʔ) - ص. سولن.

طاوس (tāwūs) - ۱. میور.

طایر (tāyer) - ۱. الوتونکی.

طایف (tāyef) - ص. فا.

جاریدونی.

طراح (tarāh) - فا. کښیدګر.

طراحی (tarāhī) - ا. ف. توری.

طرار (tarār) - ا. ګنډکپ.

طراوت (tarāwat) - ص.

ښیرازی.

طرب (tarab) - ا. ف. ښادی.

طرح (tarḥ) - ا. ف. راز، رنځور

چم.

طرد (tard) - ا. ف. رټل، شړل.

طرز (tarz) - ا. کره وړه.

طرف (taraf) - ا. څنډه، ژمی.

طرفدار (tarafdār) - ص. فا.

ګنډ، پلوی.

طرفه (turfa) - ا. رپ، څمبل،

ځمل.

طرفة العين

(turfatul?ayn) - ا.

دسترګی رپ.

طرق (turuq) - ا. لاری.

طره (tura) - ا. پیکي، څوټکي.

طریق (tarīq) - ا. لار، لياره.

طشت (tašt) - ا. کنډا، کونډا.

طعام (ta?ām) - ا. خواړه.

طعم (ta?m) - خوند.

طعمه (tu?ma) - ا. توحه، نموره.

طعن (ta?n) - ا. څانګه وهل.

طغیان (tuḡyān) - ا. ف. سرغړنه.

طفل (tifil) - ا. وړوکی.

طفولیت (tufulyat) - ا.

الکینه، وړه کینه.

طفیل (tufayl) - ا. پیل، مخ، برکت.

طلاق (talāq) - ا. خوشی کیدل.

طلاق دادن

(talāqdādan) - ا. ف. پریښودل.

طلایه (tilāya) - ا. مخ، څرک.

طلب (talab) - ا. ف. غوښتنه.

طلسم (tilsm) - ا. کوډ چل.

طلعت (tala?t) - ا. مخ، څیره.

طلوع (tulū?) - خاته، لمر خاته.

طماع (tamā?) - ص. سولند،

تمائی.

طمطراق (tumturāq) - ا.

کړوېر، رباب.

طمع (tama?) - ا. ف. سوله، لیواله.

طناب (tanāb) - ا. وانبکی، تناو.

طناز (tanāz) - ص. پیکل، طناو.

طنز (tanz) - ا. پیغور.

طولانی (túlányí) - ص. آورد.

طومار (túmár) - ا. کوری، تومار.

طویل (tawfíl) - ض. آورد.

طویلہ (tawela) - ا. بنہ، تبیلہ.

طہارت (tahārat) - ا. ف.

سپیختیا.

طیارہ (tayāra) - ا. الوتکہ.

طیر (tayr) - ا. مرغہ.

طیور (tuyūr) - ا. جم. مرغان،

مرغہ.

طنطنہ (tantana) - ا. ف.

شمشمہ، سامانہ.

طواف (tawāf) - ا. ف. جاریدل

تاویدل.

طوبی (tūbá) - ا. ورم.

طوایف (tawāyef) - ا. پیگی،

تو کمونہ، کامونہ.

طور (tūr) - ا. غر.

طوطی (totí) - ا. توتی.

طوقک (tawqak) - ا. گروہ،

گرازہ.

طول (túle) - ا. ف. آوردوالہ.

## ظ

ظالم (zālim) - ا. ف. زال، خونکار.  
 ظاهر (zāhir) - ص. بنکاره.  
 ظاهر شدن (zāhirsudan) -  
 ا. ف. خر کندیدل.  
 ظاهر کردن (zāhirkardan) -  
 ا. ف. خر کندول.  
 ظاهری (zāhirī) - ص. بنکاره.  
 ظرافت (zarāfat) - ص.  
 خیرتیا، خیرکتیا.  
 ظرف (zarf) - ا. لوبنی.  
 ظرف شکسته گلی  
 (zarfšikastaigilī) -  
 ا. م. کنهول.  
 ظرف گلی (zarfigilī) - ا. م.  
 خورین.  
 ظرافاء (zarafā?) - ا. جم.  
 غوریالی.  
 ظروف (zurūf) - ا. لوبنی، کالی.  
 ظعن (z?n) - ا. ف. لبیل، لیردیدل.  
 ظفر (zafar) - ا. ف. بری، سوبه.  
 ظل (zil) - ا. سوری.  
 ظلال (zalāl) - ا. سورن، سیورن.  
 ظلم (zulm) - ا. ف. شپیسانه،  
 تیرغمی.  
 ظلمات (zulumāt) - ا.  
 توری، تیاری.  
 ظلمت (zulmat) - ا. ص. تیاره،  
 تورتم.  
 ظلوم (zulūm) - ص. زلنده،  
 تیرغمونی.  
 ظلم کردن (zulmkardan) -  
 ا. ف. تیری کول.  
 ظله (zila) - ا. چتری، سیورن.  
 ظن (zan) - ا. ف. اتگل زام. انمیرنه  
 ظهر (zühr) - ا. برطی، ماپنین.  
 ظهور (zuhūr) - ا. ف. خر کندیدل.  
 ظهیر (zahīr) - ص. ملاتر،  
 مرستیال.

ظالم (zālim) - ا. ف. زال، خونکار.  
 ظاهر (zāhir) - ص. بنکاره.  
 ظاهر شدن (zāhirsudan) -  
 ا. ف. خر کندیدل.  
 ظاهر کردن (zāhirkardan) -  
 ا. ف. خر کندول.  
 ظاهری (zāhirī) - ص. بنکاره.  
 ظرافت (zarāfat) - ص.  
 خیرتیا، خیرکتیا.  
 ظرف (zarf) - ا. لوبنی.  
 ظرف شکسته گلی  
 (zarfšikastaigilī) -  
 ا. م. کنهول.  
 ظرف گلی (zarfigilī) - ا. م.  
 خورین.  
 ظرافاء (zarafā?) - ا. جم.  
 غوریالی.  
 ظروف (zurūf) - ا. لوبنی، کالی.  
 ظعن (z?n) - ا. ف. لبیل، لیردیدل.

## ع

عاشورا (ʿáshūrā?) - ا. لسمه،  
 دهه، دمحرّم دهه.  
 عاصم (ʿásim?) - ا. فا. ساتونکی.  
 عاصی (ʿasī?) - ا. فا. ربالی، گرم.  
 عاطفت (ʿátifat?) - ا. فا.  
 پیرزوینه.  
 عافیت (ʿáfiyat?) - ا. ف.  
 روغتیا، اوساینه.  
 عاقبت (ʿáqibat?) - ا. پای،  
 وروسته.  
 عاقل (ʿáqil?) - ص. هونسیار.  
 عالم (ʿálim?) - ا. فا. پوه، پوهاند، ملا.  
 عالی (ʿáll?) - ص. لور، هسک.  
 عالیقدر (ʿállqadr?) - ا. مر.  
 لورروبی.  
 عالی همت (ʿállhimat?) -  
 ص. مر. میرنی، لور همت.  
 عام (ʿám?) - ا. فا. وگری،  
 خوشکی، عام.

عابد (ʿábid?) - ا. فا. ربپالی، منی.  
 عابر (ʿábir?) - ا. فا. تلونکی، لاروی.  
 عاجز (ʿájiz?) - ص. خوارکی،  
 بی وزلی.  
 عاجل (ʿájil?) - ا. فا.  
 بیره کونکی، بیرندوکی.  
 عادت (ʿádat?) - ا. غونی، خوی.  
 عادل (ʿádil?) - ا. فا. نیاوی.  
 عار (ʿár?) - ا. پیغور، شرم، غور.  
 عارض (ʿáriz?) - ا. فا. بارخو،  
 غومبوری.  
 عارضه (ʿárizā?) - ا. فا. پینه،  
 غوریکه.  
 عارف (ʿárif?) - ا. فا. پیژندوی،  
 پیژندگلوی.  
 عاری (ʿarī?) - ص. لخ، لغر.  
 عاشق (ʿáshiq?) - ا. فا. مین.  
 عاشقی (ʿáshiq?) - ص. ن.  
 مینتوب.



عذاب (?azáb) - ا. خور، ربر،

زیاد.

عذار (?uzár) - ا. بار خو.

عذر (?uzur) - ا. ف. هیری،

سیله، ننواته.

عذرا (?uzrá) - ص. پیغله.

عرا به (?arába) - ا. در کړ، پل،

ارابه.

عرا یض (?aráyez) - ا. جم.

عریضی.

عرصات (?arasát) - ا. جم.

لویه ورځ. قیامت.

عرض (?arz) - ا. ف. سور، پسر.

عرصه (?arsa) - ا. ډاگ.

عرضه (?arza) - ا. خر کندول.

عرفات (?arafát) - ا. عرفات.

عرفان (?irfán) - ا. پیژندنه.

عرق (?araq) - ا. خوله.

عرق الود (?araqálúd) -

ص. مر. خو لجن، خولن.

عرق کردن

(?araqkardan) -

ا. ف. خولی کیدل،

پیکه کیدل.

عروج (?urúj) - ا. ف.

پورته ختل.

عامی (?ámí) - ص. ن. نالوستی.

عایدات (?áydát) - ا. جم.

رائله، کتبه.

عباد (?ibād) - ا. ج. سپری،

دخدای بنده گان.

عبادت (?ibādat) - ا. ف.

ریالی، خدای یا دول.

عبث (?abas) - ا. ف. خوشی، چتی.

عبرت (?ibrat) - ا. پانیات، پند.

عبودیت (?abūdeyat) -

ا. ف. مریی توب.

عتیق (?atīq) - ص. ساهو، زور،

پخوانی.

عثمان (?usmán) - ا. عثمان (رض)

عجب (?ajab) - ص. تماشه

شده، عجب.

عجایب (?ajáyeab) - ص. شنیدی.

عجوز (?ajúz) - ا. ف. بدی، زړه.

عداد (?adád) - ا. شمیرل، شمار.

عدالت (?adálat) - ا. ف.

نیاو گلوی.

عداوت (?adáwat) - ا. ف.

دبمنی، میرخی، بدی.

عدل (?adil) - ا. نیاو، نیکنه.

عدو (?adú) - ا. ص. دبمن.

عشق بازی (?išqbāzī) -  
 ا.ف. مینتوب.  
 عشق ورزیدن  
 (?išqwarzīdan) -  
 ا.ف. مینه کول. مینیدل.  
 عشوه (?išwa) - ا.ف. مکیز،  
 نازو نخره.  
 عصا (?asá) - ا.ف. لکره، امسا.  
 عصیان (?usyán) - ا.ف. وبال.  
 عضو (?uzw) - ا.ف. غری.  
 عضویت (?uzwīyat) - ا.  
 غریتوب.  
 عطار (?atár) - ا.ف. پساری.  
 عطر (?atir) - ا.ف. خوشبویه کیدل.  
 عطسه (?atsa) - ا.ف. انگی، پرنجی.  
 عطسه زدن  
 (?atsazadan) - ا.ف. پرنجیدل،  
 انتوسی وهل.  
 عطش (?ats) - ا.ف. تنده.  
 عطوفت (?atúfat) - ا.ف.  
 پیرزوینه، لورنه، مینه.  
 عظیم (?azīm) - ا.ف. لوی، ستر.  
 عفت (?ifat) - ا.ف. منا،  
 سپین لمتیا.  
 عفو (?fwa) - ا.ف. پلنه، ببنه.

عروس (?arús) - ا.ف. ص. ناوی.  
 عروسک (?arúsak) - ا.  
 نانخکه، ناوکی.  
 عروسی (?arúsí) - ا.ف. واده.  
 عریان (?uryán) - ا.ف. ص. لڅ،  
 لوڅ، لغړ.  
 عریض (?aríz) - ا.ف. ص. سره ور،  
 سوره ور.  
 عزازیل (?azázíl) - ا.ف. عزازیل،  
 دشیطان نوم.  
 عزت (?izat) - ا.ف. پت،  
 درناوی پتمن.  
 عزل (?azl) - ا.ف. له کاره ویستل.  
 عزم (?azm) - ا.ف. کسد، هود،  
 انگڅه.  
 عزیز (?azíz) - ا.ف. ص. زورور،  
 گران، ناوبات.  
 عسکر (?askar) - ا.ف. ص.  
 زمریال، عسکر.  
 عسل (?asal) - ا.ف. کبینه، اسل.  
 عشاق (?uśáq) - ا.ف. ج. مینان.  
 عشا (?isá) - ا.ف. خفتن، ماخوستن.  
 عشرت (?išrat) - ا.ف.  
 خورژوند، بڼه ژوند.  
 عشق (?išq) - ا.ف. مینه.

علاج (ilāj?) - ا. ف. درمل، دارو.  
 علامت (alāmat?) - ا.  
 نښه، کرښه.  
 علامه (alāma?) - ص. لوی پوهاند.  
 علاوه (alāwa?) - ا. زیاتی، بالا بود.  
 علیحدہ (alayhda?) - ا.  
 بیل، جلا.  
 علت (ilat?) - ا. سوب، سبب، علت.  
 علف (alaf?) - ا. شنه، واښه.  
 علم (ilm?) - ا. ف. پوهه.  
 علم ادب (ilmiadab?) -  
 ا. م. ادب پوهه.  
 علما (ulamā?) - ا. جم. پوهان،  
 ملایان.  
 علی (alī?) - ا. ص. لوړ، هسک.  
 عمارت (imārat?) - ا. ف. ودانی.  
 عمد (amd?) - ا. ف. نمت،  
 هندپه.  
 عمداً (amdan?) - ا. ف.  
 په کست.  
 عمر (umr?) - ا. موده، عمر.  
 عُمَر (umar?) - ا. عمر (رض)  
 د دویم خلیفه نوم.  
 عمران (imrān?) - ا. ف. ودانی.  
 عملیات (a maliyāt?) -  
 ا. ف. کرنی.

عفو کردن (fwakardan?) -  
 ا. ف. بخښل، بښل.  
 عقاب (uqáb?) - ا. گربته، سینوس.  
 عقارب (qárib?) - ا. جم. لړمان.  
 عقاید (qáíd?) - ا. جل، گروهه.  
 عقب (qib?) - ا. پر شا.  
 عقب شدن (qibšudan?) -  
 ا. ف. پر شا کیدل.  
 عقب مانده (qibmānda?) -  
 ص. م. پاتی،  
 بیرته پاتی، وروسته پاتی.  
 عقد (qd?) - ا. ف. غوته.  
 عقد نکاح (qdinikāh?) -  
 ا. ف. نکاح تړل.  
 عقرب (qrab?) - ا. لړم،  
 د کال د اتم میاشتی نوم.  
 عقل (qil?) - ا. ف. پوهه.  
 عقلاء (uqalá?) - ا. جم. پوهان.  
 عقیده (qída?) - ا. گروهه،  
 خل، عقیده.  
 عکس (aks?) - ا. ف. نسکور، چپه.  
 عکس (aks?) - ا. ف. سیوری،  
 خیره، عکس.  
 عکاس (akās?) - ا. ص.  
 خیره اخیستونکی.  
 عکه (aka?) - ا. ف. کشکره، هکه.

عموم (?umúm) ا. جم. ټول.

عنقریب (?nqarÍb) ق. ژر،

نږدې.

عناصر (?násir) ا. جم.

عنصرونه.

عناوین (?nawÍn) ا.

سرلیکې، عنوانونه.

عنبر (?nbar) ا. ابیر.

عنبرین (?nbarín) ص. مف،

ابیرن.

عندلیب (?ndaÍb) ا.

توره بلبله، توراڼه.

عنعنات (?an?anát) ا. جم.

ستری، دور.

عواطف (?awátif) ا. جم.

پیرزویښی، لورنی.

عودت (?awdat) ا. ف.

راگرزیدنه، راگرخیدل.

عورت (?awrat) ا. شرم ځای،

پرز.

عوض (?iwaz) ا. آله، بدل.

عهد (?ahd) ا. ف. تړون، بندون.

عهد و پیمان

(?ahdopaymán)

ا. ف. کره،

تړون، بندون.

عیادت (?ayádat) ا. ف.

پوښتنه، د ناروغ پوښتنه.

عیان (?ayan) - ښکاره، څرگند.

عیب (?ayyb) ا. غندنه، عیب.

عید (?Íd) ا. اختر.

عید قربان (?Ídqurbān)

ا. لوی اختر.

عید رمضان (?Ídramazān)

ا. کمکی اختر.

عید گاه (?Ídgáh) ا.

د اختر ځای،

داختر د نمونځ ځای.

عیدی (?Ídí) ض. ن.

اختر مبارکی.

عینک (?aynak) ا. اینکه،

سترگی.

عیوب (?uy(ub) ا. جم. عیبونه،

میارونه.

## غ

غایبانہ (gāyebāna) - ص.  
 پسی، شا، الونیا.  
 غبار (gubār) - ا. خپ، لپه، دربه.  
 غبار آلود (gubārālūd) -  
 ص. مر. شپیره، گرز جن.  
 غبن (gabin) - ص. تگی، درغلنه.  
 غیچک (gīčak) - ا. غچکه،  
 د موسیقی آله ده.  
 غدار (gadar) - ص. درغلی،  
 دروهلی، درغلنی.  
 غدود (gdūd) - ا. مرغری،  
 مرغیره.  
 غدیر (gdīr) - ا. تریلی، دنده.  
 غذا (gizā) - ا. خواره، خرومه.  
 غراب آهنی (gurabiāhanī) -  
 ا. مر. اره، لپه.  
 غربال (girbāl) - ا. غلیل، پیروخی،  
 بروز، غلیل.  
 غربت (gurbat) - ا. ف.  
 پردیتوپ، پردیوالی.

غار (gār) - ا. سمخ، کار، خوار.  
 غارت (gārat) - ا. ف. تالا،  
 لوپ، تاراکی.  
 غارتگر (gāratgar) - ص. فا.  
 تالان، تالانگر.  
 غازی (gāzī) - ص. فا. غازی،  
 غزا کوونکی.  
 غاصب (gasib) - ا. فا.  
 بیوره کوونکی،  
 په زور نیوونکی.  
 غافر (gāfir) - ا. فا. بخسبونکی.  
 غافل (gāfil) - ص. فا. ناخبره.  
 غالب (gālib) - ا. فا. بر، زورور،  
 غاور.  
 غالمغال (galmağāl) - ص. فا.  
 شور ما شور.  
 غالیه (gālīa) - ص. منسکیره.  
 غایب (gāyeb) - ص. الونیا،  
 الاستی.

غریزه (gārīza) - ا. پنځه،  
 خورزون، په خټه کی.  
 غریو (gīrew) - ا. بغاری، شور،  
 چیغی.  
 غزا (gāzā) - ا. غزا  
 غزال (gāzāl) - ا. کبلی.  
 غزاله (gāzāla) - ا. کبلی.  
 غزوات (gāzawāt) - ا. جم.  
 غزا کول.  
 غزل (gāzal) - ا. ف. سندرہ، بدله.  
 غزلخوان (gāzalxān) - ص.  
 فا. بدلی،  
 څوک چی بدلی وائی.  
 غزدی (gīzdī) - ا. کیرای، کیردی.  
 غزگاو (gāzḡāw) - ا. مر.  
 غور، غوی، غزگاو.  
 غسل (gūsal) - ص. لمبونی،  
 مرو لونی.  
 غسل خانه (gūsulxāna) -  
 ا. ص. لمبا.  
 غسل (gūsul) - ا. ص. لمبا.  
 غسل کردن  
 (gūsul-kardan) -  
 ا. ف. لمبل.  
 غصب (gāsb) - ا. ف.  
 په زور نیول، بیورمه.

غرس (gārs) - ا. ف.  
 نیالگی کښینول.  
 غرش (gūriš) - ا. ف. غرهاری،  
 غرمبی.  
 غرض (gāraz) - ا. ف. اړه، غرض.  
 غرغر (gūrgur) - ا. مر.  
 گربیدل، غوریدل.  
 غرغره (gārgāra) - ا. دار،  
 سلی، سولی.  
 غرفه (gūrfa) - ا. کړکی، غرفه.  
 غرق (gāraq) - ا. ف. ډوبه، غوب.  
 غرقاب (gāraqāb) - ا. مر. ډند.  
 غرق شدن (gāraqsudan) -  
 ا. ف. ډوبیدل.  
 غرق کردن (gāraqkardan) -  
 ا. مر. ډوبول.  
 غروب (gūrub) - ا. مر.  
 لمر لویده، مازیگر.  
 غرور (gūrūr) - ص. تیروستنہ،  
 تیروستل.  
 غره (gūra) - ص. مر غوری.  
 غریب (gārīb) - ص. پردیس،  
 پردی، خوار.  
 غریدن (gūrīdan) - ا. ف.  
 شنیدل، غرمیدل.

غلتیدن (galtīdan) - ا. ف.

نرپیدل، پرنگیدل.

غلط (galat) - ا. ف. خطا، ختا،

تیروتنه.

غلطی (galatī) - ص. ن. خطایی.

غلطیدن (galtīdan) - ا. ف.

نرپیدل، پرنگیدل.

غلمان (gilmān) - ا. جم.

نر حور، غلمان.

غلو (gulū) - ا. ف. گن، غرسکه.

غله (gala) - ا. غله.

غلیان (gilyān) - ا. خوشیدل،

خوتیدل.

غلیظ (galīz) - ص. خپه، کاپه.

غم (gam) - ا. ف. غم، نول.

غم باده (gambāda) - ص. م.

غرورې، گروم.

غمخوار (gamxār) - ص. فا.

خواخوړې.

غم گسار (gamgusār) -

ص. فا. زړه خوړې.

غمگین (gamgīn) - ص. م.

خپه، غمجن.

غماز (gamēz) - ا. خبرغل،

مواس، چغل.

غمز (gamz) - ا. ف. سترگک.

غصه (gusa) - ا. خپگان، نول.

غضب (gazab) - ص. کاوره،

غوسه، ټوغمه.

غضب شدن

(gazabsudan) -

ا. ص. غوسه ناک،

ټوغمه ناک.

غضروف (gazrūf) - ا.

کرپندوکی، کرپندی.

غضنفر (gazanfar) - ا.

مرزی، زمري.

غفار (gafār) - ص. ق. بخشاوو،

بخښونکی.

غفران (gufraan) - ا. ف.

بخښنه، بښنه.

غفلت (guflat) - ا. ف. لټی،

ناخبری.

غفور (gafūr) - ص. فا.

بخښونکی، بخښونې.

غلاف (gilāf) - ا. پوښ.

غلام (gulām) - ا. مریبی، مریه.

غلامی (gulāmī) - ا. ص.

مریبی، توب.

غلبه (galaba) - ا. بری.

غلتاندن (galtāndan) - ا.

ف. رغړول، کولول.

غمزه (gāz) - ۱. ملیندک.  
 غمزه (gāmā) - غلشکه، کرشنه.  
 غمزه یی (gāmzā) - ص. فا.  
 نخره گره، نخره گره.  
 غناء (gīnā) - ۱. سازوسیل.  
 غناء (gānā) - ۱. ف. بهایی،  
 شته منی.  
 غنایم (gānāyem) - ۱. جم. ولجی.  
 غنچه (gūnča) - ۱. غوتی، منجری.  
 غنچه شدن  
 (gūnčašudan) -  
 ۱. ف. غوته کیدل.  
 غنده (gūnda) - ص. ف.  
 پاغونده، کوری  
 غنوده (gānūda) - ص. مف.  
 ویده، بیده.  
 غنی (gānī) - ص. بدای مور.  
 غنیمت (gānīmat) - ۱. اولجه.  
 غواص (gāwās) - ص. فا.  
 مرجونا، مرجورا.  
 غوث (gāws) - ۱. ف. غاورسی،  
 بازخواستگر.  
 غور (gāwr) - ۱. ف. ژوره تهنه،  
 خوره.  
 غور کردن (gāwrkardan) -  
 ۱. ف. خیر کیدل.

غوره گل (gāragil) - ۱. م.  
 خپه، غوره گل.  
 غوری (gōrī) - ۱. لنگری، توبنی.  
 غوری پوش (gōrīpoš) -  
 ۱. م. برغولی، سرپوش.  
 غوزه (gōza) - ۱. کالکه، تپوسی.  
 غوط (gōta) - ۱. غوته.  
 غوغا (gāwḡā) - ۱. اشول،  
 چغزل، غالمغال.  
 غولک (gōlak) - ۱. غولک،  
 زمرکی، غزکمان.  
 غولنگ (gōling) - ۱. تایی،  
 مامولی، کشته.  
 غیاث (gīyās) - ص. فا. غاورسی،  
 بازخواستگر.  
 غیب (gāyb) - ۱. ف. الونیا، الاستی.  
 غیبت (gībat) - ۱. ف. پناکیدل،  
 الونیا کیدل.  
 غیر (gāyr) - ۱. پرته، پردی.  
 غیرت (gāyrat) - ۱. ف. ننگه،  
 میرانه.  
 غیور (gāyūr) - ص. فا. ننگیالی،  
 میرنی.



## ف

فایض (fáyez) - ا. فا.  
 گتہ رسونی،  
 غور لاسی، فیض آدم.  
 فایق (fáyeq) - ا. فا. بوب، نور،  
 بریالی.  
 فتراک (fitrák) - ا. ف. پروکی.  
 فتنہ (fitna) - ا. ف. پتنہ.  
 فتور (future) - ا. ف. مراوی،  
 مراوی کیدل.  
 فتیلہ (fatíla) - ا. ف. پلتہ، پاتی،  
 خراغ مزی.  
 فحش (faḥš) - ا. ف. کنخل،  
 کنخا کول.  
 فداء (fidá) - ا. ف. جار.  
 فر (far) - ا. شمشہ، دبدبہ.  
 فرا (fará) - پیشوند. لور، طرف.  
 فرائر (farátar) - ص. دیر نردی.  
 فراخ (faráx) - ص. ارت، پراخ.  
 فراخور (faráxor) - ص. ور.

فارغ (fárig) - ا. فا. وزگار،  
 خلاص، خوشی.  
 فاروق (fárúq) - ا. فا. ا. بیلونی،  
 دوہم خلیفہ (عمر فاروق) لقب.  
 فاسد (fásid) - ص. مگار، ووران،  
 وینجار خراب.  
 فاسق (fásiq) - ا. فا. بدلامی.  
 فاصلہ (fásila) - ا. فا. واہن.  
 فاضل (fázil) - ا. فا. زیات.  
 فاعل (fá?il) - ا. فا. کرونی،  
 کوونکی، کرونکی.  
 فا کولتہ (fákolta) - ا. پوہنخی.  
 فال (fál) - ا. مرکی سپارہ، پالہ، تیش.  
 فالج (fálej) - ا. مکزین.  
 فام (fám) - ا. پور، موس.  
 فانوس (fánús) - ا. پانوس،  
 لار دیوہ.  
 فانہ (fána) - ا. سپیتہ، پانہ.

فراز (farāz) - ۱. خشک، پور، هسک.  
 فراست (farāsat) - ۱. ف.  
 هوشیاری زیرکتوب.  
 فراش (farāš) - ۱. غورپونی،  
 وپرونی.  
 فراغ (farāḡ) - ۱. ف. وزگار تیا.  
 فراگرفتن (farāgrifan) -  
 ۱. ف. چاپیرل.  
 فرآمدن (farāmdan) -  
 ۱. ف. کته کیدل،  
 کوز بدل.  
 فراموش (farāmūš) - ۱. ص.  
 هیر.  
 فراموش کردن  
 (farāmūškardan) -  
 ۱. ف. هیروول.  
 فراموشی (farāmūšī) - ۱. ص.  
 هیره.  
 فراوان (ferāwān) - ص. ډیر.  
 فراهم (farāham) - ص.  
 راتولول، پنډ، راغونډو.  
 فربه (farbih) - ص. خواب،  
 سلنډ، تیار، پنډو.  
 فرتوت (fartūt) - ص. بوډا،  
 بوډی.

فرجام (farjām) - ۱. پای،  
 گانده وروسته، کره.  
 فرخاش (farxāš) - ۱. جگره،  
 شخره.  
 فرخنده (farxunda) -  
 ص. کجیر،  
 بختور، نیک مرغ.  
 فرد (fard) - ص. یوازی، یکر.  
 فردا (farād) - ۱. گهیخ، سبا.  
 فردوس (firdaws) - ۱. جنت.  
 فرزانه (farzāna) - ص. وړ.  
 فرزانه (farzān) - ص. حکیم،  
 پوهه، پویه.  
 فرزند (farzand) - ۱. زوی.  
 فرس (fars) - ۱. آس، اس.  
 فرستادن (firistādan) -  
 ۱. ف. استول، لیول،  
 رهی کول.  
 فرسوده (farsūda) - ص.  
 وروست، زور، شپیدلی.  
 فرشته (firišta) - ۱. پرینته، ملکه.  
 فرصت (fursat) - ۱. نوبت وار.  
 فرط (fart) - ۱. ف. ډیرواله،  
 زیاتوالی.  
 فرمودن (farmūdan) -  
 ۱. ف. ویل یرمایل.

فزون (fizun) - ص. ډیر.  
 فساد (fasad) - ا. تباهی، فتنه.  
 فشردن (fisurdan) - ا. ف.  
 سپړدل.  
 فش کردن (fishkardan) -  
 ا. ف. پوزه سونول.  
 فشردن (fishurdan) - ا. ف.  
 نښتخل، پندوی کول.  
 فشنگ -  
 (feshing) ا. کارتوس.  
 فصاحت (fasahat) - ا. ف.  
 ژبه وړتیا، خبر لوختیا.  
 فصیح (fashih) - ص. ژبه ور،  
 خبر لوخی.  
 فضا (faza) - ا. تشه، دند.  
 فصاحت (fazahat) - ا. ف.  
 بدرنگی.  
 فضل (fazi) - ا. ف. بښنه.  
 فضایل (fazayel) - ص. پوهنه.  
 فعالیت (faaliyat) - ا. ف.  
 پیاوړتوب، تکره توب.  
 فعل (fi?) - ا. کره.  
 فغان (figan) - ا. کر کار، غریب،  
 چیغه، سری.  
 فقید (faqid) - ص. ورک،  
 خدای بښنی.

فرو (firo) - ص. بنکته، کښته، تیر.  
 فروتن (firotan) - ص. کمینه،  
 کمینه.  
 فروختن (furuoxtan) -  
 ا. ص. خر خول، پلورل.  
 فرورفتن (firraftan) - ا. ف.  
 ننوتل، ښخیدل، خښیدل.  
 فروزان (firozan) - ص. فا.  
 خلا، خلیدونکی.  
 فروشنده (firoshinda) -  
 ا. فا. پلورونکی،  
 پلورونی، خر خوونکی.  
 فروغ (firog) - ص. خلا، برین،  
 رڼا، خرک.  
 فرومایه (firomaya) - ص.  
 ناگجات، پاسو، کچه.  
 فرهمند (farahmand) - ص.  
 نږدی.  
 فرهنگ (farhang) - ا. پوهه.  
 فریاد (faryad) - ا. سوری،  
 کو کاره، کو که.  
 فریب (fireb) - ا. دو که، چم، چل.  
 فریده (fareda) - ا. ص. خانتما،  
 مرغول.  
 فریفتن (firieftan) - ا. ف.  
 غولول، تیرستل.

فقر (faqir) - ص. نیستی، نیستمنی.

فکر (fikir) - ا. چرت، اندیشه.

فگار (figār) - ص. خود ژوبل.

فگنده (figanda) - ا. سر کوزی،

سرتیتی.

فلاخن (falāxun) - ا.

مچنو غزه، ترنگوڅه.

فلان (fulān) - ا. فلانی، فلانکی.

فلیته (falīta) - ا. بورپی.

فلفل (filfil) - ا. تورمرج.

فلق (falaq) - ا. سپیده چاود،

سپیدی.

فلک (falak) - ا. آسمان.

فلالین (falalin) - ا. پلین.

فن (fan) - ا. راز، چمه، ډول.

فنا (fanā) - ا. ف. ورک، ورکیدل.

فنجان (finjān) - ا. توتیالی.

فواد (fawād) - ا. زړه.

فواره (fawāra) - ص. څگ.

فوت (fawt) - ا. ف. مړینه، مړ،

تیریدنه.

فوج (fawj) - ا. ډله، لشکر، رمه.

فورا (fawran) - ق. دستی، زر.

فوران (fawrān) - ا. ف.

ایشیدل، ختیدل.

فوری (fawrī) - ق. زر. زرتزره.

فوق (fawq) - ا. بر. پاس، لوړ،

پورته.

فوقانی (fawqānī) - ص. ل.

پاسنی، برنی.

فوق العاده (fuqul?āda) -

ص. ډیر بڼه.

فوقیت (fawqeyat) - ص.

زیاتوالی، بڼه وال،

لوړوال.

فول (fawl) - ا. خطا کول.

فهارس (fahāris) - ا. جم.

پیوستونه، نوم لیکي.

فهام (fahām) - ص. ډیر پوه،

ډیر هوښیار.

فهرست (fihrist) - ا.

نوم لیکي، لړلیک.

فهم (fahm) - ا. ف. پوهه.

فهیم (fahīm) - ص. پوه.

فهمیدن (fahmīdan) -

ا. ف. پوهیدل.

فیاض (fayāz) - ص. بڼه ځوان،

بښندوی، میرنی.

فیروز (feroz) - ص. بر.

فیروزه (feroza) - ا. پیروزه،

ییروزه.

فيض (fayz) - ا. ف. پيښ،

برکت، خير.

فيضان (fayzān) - ا. ف.

ترئيدل، توئيدنه، ژيتوبه.

فيل (fīl) - ا. پيل، آتی.

فيل پايه (fīlpāya) - ا. م.

پيل پناوی.

فيل مرغ (fīlmurğ) - ا. م.

پيل مرغ.

فيشن (fis an) - ص. ډول،

سينگار.

فيشني (fes anī) - ص. ډولۍ.

فيصله (faysala) - ا. ف.

پريکره، پريکړول،

غوڅه.

فيصل (faysal) - ا. ص. حاکم.

## ق

قاچاق (qáčhaq) - ا. گریزی.  
 قادر (qādir) - ص. فا. و سمن،  
 بر لاسی، باور، زورور.  
 قار (qār) - ا. فا. تا غ.  
 قاره (qāra) - ا. و چه.  
 قاری (qārī) - ا. فا. لوستونکی.  
 قاز (qāz) - ا. بته.  
 قاسر (qāsir) - ا. فا. گمارونکی.  
 قاسم (qāsim) - ا. فا. ویشونی،  
 ویشوونکی، ویشگو.  
 قاش (qās) - ا. ورخه.  
 قاش قاش (qāsqaš) - ا.  
 درپی، درپی.  
 قاشق (qāsuq) - ا. کاچوغه،  
 چمچی.  
 قاصد (qāsid) - ا. فا. سکاری،  
 خری.  
 قاضی (qāzī) - ا. فا. کاضی،  
 قاضی.

قاب (qáb) - ا. تینکری، غاب،  
 پوبس، چوکات.  
 قابچی (qábčī) - ا. فا. وربه،  
 ورساتی، قابوچی.  
 قابض (qábiz) - ا. فا. نیوونکی.  
 قابل (qábil) - ا. فا. منونی،  
 منوونکی.  
 قابله (qábila) - ا. فا. دایی.  
 قابلیت (qábileyat) - ا. ف.  
 پوهه، هونبیاری.  
 قابو (qábú) - ص. غلی، خارو،  
 قابو.  
 قاپ (qāp) - ا. ف. الوزول.  
 قات (qát) - ا. ف. کپت،  
 کوبست، کپ کپ.  
 قات کردن (qatkardan) -  
 ا. ف. کتول، عبر کول.  
 قاتر (qártir) - ا. کچر.  
 قاتل (qátıl) - ا. فا. وژونکی.

قاطر (qátir) - ۱. کچر.

قاطع (qáti?) - ۱. فا. غوڅوڅونی،

پریکوونکی،

خوڅوونکی.

قاعد (qá?id) - ۱. فا. ناست.

قاعدہ (qá?ida) - ۱. فا. دود.

قاغمه (qáğma) - ۱. کاغمه.

قاف (qáf) - ۱. دقاف غر.

قاف (qáf) - ۱. شلخی.

قافله (qáfila) - ۱. فا. کاروان،

ابیر، جوپه.

قافیه (qáfiya) - ۱. قاپیه.

قاق (qáq) - ۱. ص. وچ.

قاقم (qáqum) - ۱. اسپین لمی.

قال (qál) - ۱. ف. برپر غریدل.

قالین (qálin) - ۱. غالی. قالینه،

زلین.

قامت (qámat) - ۱. بر. ډر، ونه.

قاموس (qámús) - ۱. سیند.

قان (qān) - ۱. کغ، کغ.

قانگر (qāngar) - ۱. ص. فا.

گوری جن، گوریمار،

درغل غالیجن.

قانع (qāni?) - ۱. فا. بتندی،

سکته کوونکی.

قانغوزک (qānguzak) -

۱. گونگت.

قانون (qānún) - ۱. لياره،

دود، نرخ.

قاهر (qáhir) - ۱. ص. فا. کبرجن،

غصه ناک.

قایق (qáeyq) - ۱. ما کو،

کوچنی بیړی.

قایل (qáeyl) - ۱. فا. ویوونکی.

قایم (qaeym) - ۱. ص. تینګ، کلک.

قباہ (qabá) - ۱. غدکه.

قباحت (qabáhat) - ۱. ف.

ناکارتیا، بسره، نابودتیا.

قبال (qibál) - ۱. کبله.

قباله (qabála) - ۱. کواله، کباله.

قبایح (qabāeyh) - ۱. ص. ناکاری

نابودی.

قبایل (qabāeyl) - ۱. جم. کامونه

تیرونه، ولوسونه.

قبر (qabir) - ۱. ډوری، کیخ، کبر.

قبرستان (qabristán) - ۱. م.

هلپیره، مرستون.

قبرکن (qabirkan) - ۱. ص.

فا. قبر کیدونکی.

قبرغه (qaburğa) - ۱. پښتی.

قبض (qabz) - ۱. ف. نیول.

قدرت (qudrat) - ا. ف. وس،  
واک.  
قدس (qudus) - ا. ف. سپیختلیا،  
پاکوالی.  
قدسیان (qadseyān) - ص.  
ملکی.  
قدغن (qadġan) - ا. ف. پل.  
قدم دار (qadamdār) - ص.  
نیک مرغ.  
قدما (qudamá) - ا. جم. اولنی،  
لرغونی، پخوانی،  
رومینی.  
قدوس (qudús) - ص. ع.  
دیر سپیختلی، دیر پاک.  
قدوم (qudúm) - ا. جم. راتله،  
راتلن.  
قدید (qadíd) - ص. لاندی،  
پرسنده.  
قدیر (qadír) - ص. وسمن،  
واکمن.  
قدیفه (qadífa) - ا. دوپته، خادر.  
قرا (qurrá) - ص. قاریان،  
لوستونکی.  
قرابت (qurábat) - ا. ف.  
چنلوی، نژدی والی.  
قرار (qarār) - ا. ف. هوسا، کرار.

قبضه (qabza) - ا. موتی.  
قبل (qabil) - ا. پخوا، دمخه،  
وراندی، لرغون، رومی.  
قبله (qibla) - ا. قبله، کعبه.  
قبله گاه (qiblagá) - ا. م.  
پلار.  
قبول (qabúl) - ا. ف. مننه،  
کبلونه، هر کره.  
قبولی (qabúlí) - ص. منبست.  
قبیل (qabíl) - ا. قام، اولس، زی.  
قبیله (qabílla) - ا. کور، تیر، زبی.  
قتال (qítal) - ص. جگره، وژلون.  
قتل (qatíl) - ا. ف. وژل، وژله.  
قتی (qutí) - ا. دپلی، کتی.  
قتیل (qatíl) - ا. مف. وژلی.  
قحط (qaht) - ا. ف. کاخت،  
کات، اپایی.  
قد (qad) - ا. ونه، بر. دره.  
قدو قامت (qaduqāmat) -  
ا. جوړاب، دروور.  
قد کشک (qadkašak) -  
اغبانندی، غلنگ،  
مرغری.  
قدح (qadaḥ) - ا. کتوری.  
قدر (qadir) - ا. قدر، پت.



قطرات (qatarát) - ا. جم.  
 خاڅکی.  
 قطره (qatra) - ا. خاڅکی،  
 خاڅی، تراوی.  
 قطع (qat?) - ا. ف. غوڅ، پری.  
 قطعاً (qata?n) - ق. کړت،  
 هلو، هینکه، حواله.  
 قطعه (qit?a) - ا. تکر، ډگر، مرک.  
 قطور (qutúr) - ص. پریر.  
 قطی (qutÍ) - ا. ډیلی.  
 قعه (qa?da) - ا. ف. ناسته.  
 قمر (qamar) - ا. سپوږمی.  
 قفا (qafá) - ا. ورمیر، خټ.  
 قفاق (qafáq) - ا. ف. خپر، اڅه،  
 خاپیره، چپلاقه.  
 قفس (qafas) - ا. پنجری، کپس.  
 قفل (quful) - ا. چرک، کلپ.  
 قلاب (qulláb) - ا. نرگوبنده،  
 نگوش، چنگ.  
 قلاده (qaláda) - ا. غرونډی.  
 قلاع (qalá?) - ا. ج. کلاوی،  
 قلاوی، قلاکانی.  
 قلاغ (qalág) - ص. پینسی.  
 قلب (qalb) - ا. زړه، نشور، کوټه.  
 قلبی (qalbÍ) - ص. غلتی، ټکی،  
 درغلتوب.

قرارداد (qarárdád) - ا. م،  
 تړون.  
 قراری (qarārÍ) - ا. ف. کراری،  
 هوساینه.  
 قراقوش (qaráqúš) - ا.  
 گربته، سیهنوس.  
 قرانطین (qarantín) - ا.  
 کوره، بلون، شول.  
 قراول (qarāwul) - ا. زخه،  
 نونی، خری، مکور په نښه  
 کول، سرودن.  
 قرائت (qerá?t) - ا. ف.  
 لوست، لوستل.  
 قرائن (qarayin) - ا. جم. نښی،  
 نښانی.  
 قرب (qurb) - ا. ف. نږدیوالی.  
 قربان (qurbán) - ا. ف. جاری،  
 دروږی.  
 قربانی (qurbānÍ) - ص. هلاله،  
 حاری، اختری.  
 قرت کردن (qurtkardan) -  
 ا. ف. غرپول، تیروول.  
 قرچه (qarča) - ا. چتی، چتکی،  
 تروږی، چقر،  
 بچی توره تروږی.  
 قرح (qarh) - ا. پرهار، زخم.  
 قرص (qurs) - ا. ټیکلی،  
 څکی، تکی.

قناويز (qanāwez) - ا. رخت،

کناويز.

قندااق (qondāq) - ا. کنداغ،

ليچ، ورنې، ارنې،

غونډوک.

قندیل (qandīl) - ا. چت ډيوه

ډيوټ.

قنغال (qengāl) - ا. چنغول،

چنغله.

قو (qu) - ا. بته.

قواره (qawāra) - ا. جوله،

کره وره.

قوال (qawāl) - ص. خبر لوڅی،

ژبور.

قوال (qawāl) - ا. کوال.

قوتان (qotān) - ا. کوتیه.

قوچ (qoç) - ا. هنده، مينده.

قوده (qawda) - ا. غمچه،

مرونی، کیری.

قوس (qaws) - ا. لينده، لنده.

قوغ (qoğ) - ا. سکروته.

قوقله (qoqla) - ص. جليل،

لولپه، جوغدی.

قول (qawl) - ا. ف. ويل، وينا،

ژبنه، لوز، لاس ور کول.

قولینج (qolenj) - ا. پښيغ.

قلبه (qulba) - ا. یوی، رخت،

کلبه.

قلت (qillat) - ا. ف. لړواله.

قلزم (qulzum) - ا. سورسیند،

سیند کی، سره بحیره.

قلع (qal?) - ا. ف. شکول، پریکول.

قلعه (qal?a) - ا. کوټ، کلا.

قلنج (qulinj) - ا. پښغ، کلنج.

قلندر (qalandar) - ا. ص. ملنگ.

قلوب (qulúb) - ا. جم. زړونه.

قلیل (qalīl) - ص. لړ.

قمار (qimār) - ا. جوارۍ.

قماش (qumáš) - ا. ټوکی، ټوته،

ټوکر.

قمچین (qamčín) - ا. متروکه،

قمچینه.

قمری (qumrī) - ا. سپلمه،

غمبری، کوکو، کوتره.

قمر (qamar) - ا. سپورمی.

قمع (qama?) - ا. ف. پریکول،

پریکره.

قناد (qanád) - ا. ص. کنات،

گوره ساز.

قناری (qanārī) - ا. زیرسوبي.

قناعت (qiná?at) - ا. ف.

سکته، سبینه.

قیراط (qīrāt) - ۱. چپه .  
 قیزه (qayza) - ۱. ملونه. کیزه.  
 قیسی (qaysí) - ۱. کیسی.  
 قیصر (qaysar) - ۱. قیصر، کیسر.  
 قیف (qíf) - ۱. غیب، کیپ.  
 قیل و قال (qíluqál) -  
 ص. اشول، چغریبه،  
 هشتمت، غربیر.  
 قیماق (qaymaq) - ۱. پیروی،  
 رش.  
 قیمت (qímat) - ۱. بیه.  
 قین و فانه (qínofána) - ۱. م.  
 پانه کونده.  
 قیود (quyúd) - ۱. م. بندونه.  
 قیوم (qayúm) - ص. فا.  
 ساتونکی،  
 ژغورونی، ساتندوی.  
 قیوم (qayúm) - ۱. پاخونی،  
 د خدای تعالی نوم.

قوم (qawm) - ۱. جم. کام، زی، تیر.  
 قوماندان (qomandán) -  
 ا. ف. بولد، ورک.  
 قوی (qawí) - ص. زورور،  
 مروج، خانباندی.  
 قهر (qahr) - ص. غاوری، بره،  
 غوسه، درد، توغمه.  
 قهار (qahár) - ص. غاور.  
 قهرمان (qahramán) - ۱.  
 ص. اتل.  
 قهقهه (qahqah) - ۱. ف. کتکی،  
 کت کت، کتهار.  
 قهوه (qahwa) - ۱. یوزه، کاوه.  
 قی (qay) - ۱. ف. کانگه، خورپ.  
 قیادت (qiyádat) - ۱. ف.  
 بومیا گلوی.  
 قیاس (qiyás) - ۱. ف. اټکل.  
 قیافه (qiyáfa) - ۱. ف. کره وره،  
 سنته، جوله.  
 قیام (qiyám) - ۱. ف. دریدل،  
 ولاړه.  
 قیامت (qeyámat) - ۱. قیامت،  
 پاخون، کیامت.  
 قیچی (qayčí) - ۱. بیتی.  
 قید (qayd) - ۱. اړتون، بند.  
 قیر (qír) - ۱. زرنه، رانخوه، نزره.

## ک

کار بند (kārband) ص. ا. پ.

محتاج.

کانون (kānūn) - ا. اورغالی،

تولنه.

کار تمام (kārtamām) -

ص. بشپړ.

کار خانہ (kārxāna) - ا.

د کار خای، پخلنخی.

کار خیر (kārixayr) ص.

واده، د خیر خبره،

د واده کنایه.

کار دار (kārdār) - ا.

کار وال، مامور،

د دولت کارمند.

کار ساز (kārsāz) - ا. فا.

کار سمونی،

کار سموونکی.

کار شناس (kāršinās) -

ا. فا. هوشیار.

کابل (kābul) - ا. کابل.

کابوس (kābūs) - خپکی.

کابیدن (kābīdan) - ا. ف.

کیندل.

کابین (kābīn) - ا. ولور،

د بنخی مهر.

کابینه (kābīna) - ا. کابینه،

د وزیرانو شورا.

کاتب (kātib) - ص. فا.

لیکونکی.

کاخ (kāx) - ا. مانې:

کاذب (kāzib) - ا. فا.

دروغژن، دروغجن.

کار (kār) - ا. چار، کار.

کار آگاه (kāragāh) - ص.

هوشیار.

کاسنی (kāsnī) - ا. سمنکی،  
 یو قسم شین بوتی دی.  
 کاسه (kāsa) - ا. کونډی،  
 یو قسم لوبنی چی  
 ډوډی په کی خورل  
 کیری.  
 کاسه سر (kāsayesar) -  
 ا. مر. کوپری، کوپی،  
 د سر کوپری  
 کاسه لیس (kāsales) -  
 ص. کاسه ختی.  
 کاشانه (kāšana) - ا. کوډله،  
 کوډل.  
 کاستن (kāstan) - ا. ف.  
 مت، کدی.  
 کاشف (kāšif) - ا. فا.  
 لوخوونکی کشفوونکی.  
 کاظم (kāzim) - ا. زغمونی،  
 زغمونکی.  
 کافر (kāfir) - ا. کاپر، بی ایمان،  
 هغه خوګ چی  
 ایمان نه لری.  
 کافه (kāfa) - ق. ټول، ګرد،  
 درست.  
 کاکا (kāka) - ا. تره. د پلار  
 ورور.

کار فرما (kārfarmā) - ا. فا.  
 ګمارونکی، ګمارونی.  
 کار ګاه (kārgāh) - ا. م.  
 کمپنی، کلہی،  
 او بدلو کار خای.  
 کاری (kāri) - ص. م. تکرہ،  
 چاری چاروکی.  
 کارتوس (kārtūs) - ا. آ.  
 کالتوس، مرمی.  
 کار د (kārd) - ا. آ. چور کی،  
 چاکو.  
 کارینز (kārez) - ا. سپرغه.  
 کارینز کن (kārezkan) - ا.  
 ف. سپرغه ایستونکی.  
 کاسب (kāсіб) - ا. چاری  
 چاروکی، چاره کوونکی.  
 کاست (kāst) - ص. دروغ  
 درواغ، درو.  
 کاستن (kāstan) - ا. ف.  
 لږول، کمول.  
 کاسته (kāsta) - ا. لږ شوی.

کاگل (kākul) - ا. خنی.  
 کاگلی (kākulī) - ص. خنور.  
 کالا (kālá) - ا. ج. کالی، ختی.  
 کالج (kālij) - لوستخی، بنونخی.  
 کالر (kalar) - ا. غار کی.  
 کام (kām) - ا. سالو، مری.  
 کامیاب (kāmyāb) - ص. بریالی.  
 کامل (kāmil) - ص. بشپړ،  
 پوره.  
 کان (kān) - ا. معدن، درنگ،  
 (درنگ له مالګی وړی).  
 کاواک (kāwāk) - ص. ډډ،  
 گوگ، پون، بوسن.  
 کاویدن (kāwīdan) -  
 ا. ف. کیندل، کینل.  
 کاوش (kāwiš) - ا. مندانو.  
 کاه (kā) - ص. وچ واینه.  
 کاهش (kāhiš) - ا. ف.  
 لیریدل، کمیدل.  
 کهکشان (kahkašan) -  
 ا. آسمان لاره،  
 کبل (kabal) - ا. کبله، مرغه.

کاھل (kāhil) - ص. کھال،  
 تمبوس، شار، جونکر.  
 کاھن (kāhin) - ص. توریتی.  
 کاھیدن (kāhīdan) - ا. ف.  
 لیریدل، لږوالی، کمیدل.  
 کاید (kāyed) - ا. ټگ.  
 کباب (kabāb) - ا. وریټ،  
 کباب.  
 کبر (kibr) - ص. لویی، کبر.  
 کبک (kabk) - ا. زرکه.  
 کبک زری (kabkizarī) -  
 ص. تنخړی،  
 یو قسم ځنگلی مرغه دی.  
 کبوتر (kabutar) - ا.  
 کوتره، کونتره.  
 کبود (kabūd) - ص. نیلی،  
 شین.  
 کبیر (kabīr) - ص. لوی، غټ.  
 کپ (kup) - ص. کړوپ.  
 کپتان (kiptān) - ا. ټولی مشر.

کت بانو (katbān) - ۱.

میر من.

کتاب (kitāb) - ۱. لیکي کتاب.

کتابت (kitābat) - ص. لیک.

کتاره (katāra) - ۱. کتاره

میرکنه، کتاری.

کتان (katān) - ۱. سونډ، سونډ،

يو قسم گياه ده

چی له پوټکي څخه،

ټوټه جوړوي.

کتانه (katāna) - ۱. کوټني.

کوډله.

کتب (katab) - ۱. ف. لیکل،

نکل کښل.

کتخ (kat'ix) - ۱. ننگولي کتغ.

کتکار (katkār) - ۱. ترکان،

دروزرگر.

کتگار (katgār) - ۱. ترکان

دروزرگر.

کجاوه (kajāwa) - ۱.

انډولي، امبالې.

کتل (kotal) - ۱. غاښي، پيچومي.

کتلهء سنگ (kutlayesang) -

کرکنډه، د تيرې يوه ټوټه.

کتیب (katīb) - ۱. مف. لیک،

لیکلی، کښلی.

کتیبه (katība) - ۱. لیک.

کتیران (katīrān) - ۱. زرنه نانه.

کثرت (kasrat) - ۱. ف.

ډیریدل.

کثیر (kasīr) - ص. زښت ډیر.

کج (kaj) - ص. کوږ.

کج بیل (kajbel) - ۱. آ.

کوږ،

پاره، چاری، کره.

کج چشم (kajčašm) -

ص، کرپنگ،

کوږ سترگی.

کجا (kujā) - ق. چیری.

کجل (kajal) - ۱. غوررانجه،

رانجه، کجل.

کچالو (kačālū) - ۱. پتای،

آلوکان.

کرباسه (karbāsa)-۱.  
چرمبښکی، خرمبښکی.  
کرت (karat)-۱. ځل. وار.  
کر جفو (karjafū)-۱. مړز،  
بودنه.  
کر (kar)-ص. کون، هغه څوک  
چې په غوږو نه اوری.  
کران (karān)-۱. ژي، غاړه،  
د درياب غاړه.  
کراهت (karāhat)-۱. ف.  
کرکه.  
کرچ (kirč)-۱. سمه توره،  
کریچ.  
کرخ (karax)-ص. سوږ،  
سوږ شوی ننگولی.  
کردگار (kirdagār)-۱.  
ډیرونکی.  
کردن (kardan)-۱. ف.  
کول، کرل.  
کردوس (kardūs)-۱.  
شمزی، د ملا تیر.  
کرگس (kargas)-۱.  
کجیر،  
یو ډول مرغه ده.  
کرم (karam)-۱. ف. ورکړه،  
بخښنه.  
کرم (kirm)-۱. چنجی.

کچکول (kačkol)-۱.  
گنج، کشکول.  
کچل (kačal)-ص. هغه  
څوک چې پښی یې  
کړی وړی وی.  
کحل (kaḥal)-۱. فا. رانجه.  
کحال (kaḥāl)-۱. فا.  
رانجه پوری کوونکی  
کدبانو (kadbanū)-۱.  
میرمن، بنځه.  
کدخدا (kadxudā)-۱. م.  
څښتن، کوربه،  
د کلی مشر.  
کد (kad)-ص. ربر، زیار.  
کدو (kadū)-۱. یو ډول  
خیلی بوټی دی،  
غټی پانی لری او  
حاصل یې د هندوانی  
کدیور (kadewar)-۱. بزگر،  
دیکان،  
کریخ، کروونکی.  
کذب (kizb)-ص. دروغ،  
درواغ.  
کرب (karb)-۱. غم. خپگان.  
کرباس (karbās)-۱. یو  
ډول ټوټه ده. ناما



کرم پیلہ (kirmipīla)-۱.

ورینم چنجی.

کرم شب تاب

(kirmiṣabtáb)-۱.

اور کی، اور بلکی، اور

اور کی.

کروفر (karofar)- کدو بدی.

کرہ خر (kura xar)-۱.

کوئی.

کری (kurī)-۱. پونده.

کریم (karīm)-ص.

بنہ خوان، میرنی.

کسوف (kusūf)-۱. ف.

لمر تندرہ، تندرہ.

کشاکش (kaśakaś)-ص.

خکول لگول.

کشاد (kuśād)-ص. ارت.

کشادن چشم

(kuśādaničaśm)-

ا.م. سترگی خلا سول.

کشال (kaśāl)-۱. خورند،

خریدلی.

کشاورز (kiśāwarz)-

ا. کنسی، بزگر.

کشت زار (kištār)-

ا. کرونده.

کشتن (kuştan)-۱. ف. وژل،

مر کول.

کشتی گرفتن

(kuštīgiriftan)-

ا. ف. غیر نیول،

غیر ایستل.

کشتی (kištī)-۱. بیرى.

کشش (kaśiś)-۱. ص.

خکونه.

کف مال (kafmāl)-۱. م.

سرویلی.

کشف (kašf) - ۱. لوخونه.  
 کشف (kašaf) - ۱. کشپ،  
 کاسه گرپ.  
 کشمش (kišmiš) - ۱. مویز،  
 ممیز.  
 کشور (kišwar) - ۱. سیمه.  
 کف زدن (kafzadan) -  
 ۱. ف. تاکی، چاکی.  
 کف (kaf) - خشک، جخ.  
 کف گیر (kafgir) - ۱. کوگیر.  
 کفاره (kafāra) - ۱. توغ.  
 کفاف (kafāf) - ۱. بسنه، بسیا.  
 کفالت (kafālat) - ص.  
 ضمانه، ضمانت.  
 کفاندن (kafāndan) - ۱. ف.  
 چول.  
 کفایت (kifāyat) - ۱. ف.  
 بسیا، بسنه.  
 کفیدن (kafīdan) - ۱. ف.  
 چودل.

کفت (kift) - ۱. اوږه.  
 کفش (kafs) - ۱. پنه، کاولی.  
 کفش دوز (kafašdaz) -  
 ۱. م. کونبار.  
 کفش کن (kafškan) -  
 ۱. م. پلوره.  
 کفن (kafan) - ۱. کفن.  
 کل (kal) - ص. پک، لیندا.  
 کل و کور (kalokor) -  
 ص. پکی پمنی.  
 کلاغ (kalāg) - ۱. کارگه،  
 کاغه.  
 کلام (kalām) - ۱. خبره.  
 کلاه (kulāh) - ۱. خولی، تولی.  
 کلوخ (kulox) - ۱. لوپه.  
 کم بغل (kambaḡal) -  
 ۱. م. خوار، لغر.

کم بخت (kambaxt) -

ص. بد مرغه.

کم بر (kambar) - ص.

لنډه سوری.

کم پیر (kampīr) - ص.

کمتر (kamtar) - ص. لږڅه.

کم جان (kamjān) - ا. م.

بوز غنجر.

کلید (kilīd) - ا. کونجی، نوسه.

کلینز (kilīz) - ا. غومبسه.

کم اصل (kamasil) -

ص. ناکجات، پاسو.

ا. م. سروپښی.

کم جرأت (kamjurt) -

ا. م. بی زړه.

کم خرد (kamxirad) -

ص. نا پوه. بودی.

کم خور (kamxor) - ص.

لږخوری..

کلاه پوستی (kulohipostī) -

ا. پیخه.

کلبه (kulba) - ا. کوله، کړپوله.

کلچه (kulča) - ا. ف.

څو کیف تیکلی.

کلک (kilk) - ا. گوته.

کلکین (kilkīn) - ا. کړکی.

کلمه (kalīma) - ا. کړ، کړت.

کلوخ کوب (kuloxkūb) -

ا. م. لوتمال.

کلوله (kulola) - ص. گورد،

گوردی.

کله (kalla) - ا. ککره کوتی.

کله پاچه (kalapāča) - ا.

کله چرک (kalacarak) -

ا. م. بفتوی.

کله شخ (kalaçx) - ا. م.

سرزوری.

- کم زدن (kamzadan) -  
ا. ف. سپکول.
- کم طالع (kamtāli?) -  
ص. بد مرغه.
- کم ظرف (kamzarf) -  
ص. پاسو. نا کجات.
- کم عقل (kam?ql) - ص.  
ناپوه.
- کمک (kamak) - قید. لږڅه.
- کم کاسه (kamkāsa) -  
ا. م. بینگری.
- کم کردن (kamkardan) -  
ا. ف. لږول.
- کم کم (kamkam) - ق.  
ورو ورو.
- کم مهر (kammihr) -  
ص. کته میر.
- کم نور (kamnūr) - ص. ت. ت.
- کم و زیاد (kamoziyād) -  
ق. لږ و ډیر.
- کم یافت (kamyāft) -  
ص. ناویات.
- کم حرف (kamharf) -  
ص. بی خولی، غلی.
- کم حوصله (kamhawsila) -  
ص. بی زغمه.
- کم هوش (kamhoš) -  
ص. نا پوه.
- کمان (Kamān) - ا. لینده،  
لیندی.
- کمان رستم  
(kamānirustam) -  
ا. م. بلوی. ټال.
- کمر (kamar) - ا. ملا.
- کمر بستن (kamarbastan) -  
ا. ف. ملا تړل.
- کمر بند (kamarband) -  
ا. برک.
- کمر چین (kamarčīn) -  
ا. م. گنلونی.

کمر شکسته

-(kamarsikasta)

ص. ملا ماتی.

کمر کوه (kamarkoh)-

ا.م. گرنگ.

کمر گاه (kamargah)- لنده.

کمند (kamand)- ا.پری، رسه.

کمین (kamīn)- ا.حو، پتونی.

کن (kun)- ا.ف. شه، وشه.

کنار (kinār)- ا.ژی، خنډه، غاره.

کنار اب (kinārab)- ا.مکان

کنایه (kināya)- ا.ف.

پیچمی، زونگه.

کنج (kunj)- ا.گوت، گتیه.

کنجد (kujid)- ا.کنخله.

کنجدک (kunjidak)-

ا.مچپزه، چوری.

کنجل (kunjul)- صوغونج.

کند شدن (kundsudan)-

ا.ف. پخیدل.

کندن (kandan)- ا.ف. شکول.

کنگره (kangara)- ا.کره وره.

کنون (kunūn)- ق.اوس.

کو (kū)- حرف چیری.

کواسه (ka wāsa)- ا.

کپوسی.

کوبیدن (kubīdan)-

ا.ف. تکول.

کوتاه (kotāh)- ص. لنډ.

کوچ (koč) - ا. یون، لیرد.

کوچ وبار (kočwabar) -

ا. کډه کوډه.

کوچی (kočī) - ا. پونده.

کوچک (kočak) - ص.

کوچنی.

کوچه (koča) - ا. وتی، کوخه.

کوچه گشت (kočagašt) -

ص. کوخه ډوب.

کور موش (kormuš) - ا. م.

رنده مږه.

کوچه گی (cočagaī) -

ا. کوخه وال.

کودک (Kodak) - ا. ماشوم.

کودکستان (kodakistān) -

ا. وړکتون.

کودن (kawdan) - ص. پخ.

کور (kor) - ص. پروند.

کوزه (koza) - ا. منگی.

کوشش (košiš) - ا. ف. وسه،

زیار.

کوشیدن (košīdan) -

ا. ف. وسه کول.

کوفتن (koftan) - ا. تکول.

کوه (koh) - ا. غر.

کوهسار (kohsār) - ا. غوربند.

کهن (kuhan) - ص. لرغونی.

کهن سال (kuhansāl) -

ص. زور.

کهنه (kuhna) - ص. زور.

کی (kay) - ح. کله. خه وخت.

کیسه بر (kīsabur) -

ا. فا. گنه کپ.

کیش (kiš) - ا. گروه.

کیفر (kayfar) - ا. هدار.

کیک (kayk) - ا. ورږه،

زعانځه.

کین (kīn) - ا. دښمنی.

کيهان (kayhān) - ا. نړی.

## گ

گردش (gardiš) - ا. ف. چکر.  
 گردن (gardan) - ا. ورمیر.  
 گردن بند (gardanband) -  
 ا. م. غارہ کی  
 گرده (gurda) - ا. پښتورگی،  
 بلوچی.  
 گرسنه (gurisna) - ص. وری.  
 گرگ (gurg) - ا. لیوه.  
 گرمابه (garmāba) - ا. حمام.  
 گروپ «دسته» (gurūp) - ا. ډله.  
 گروی (girawī) - ا. گروی.  
 گریان (giryān) - ص. ف. ژړا.  
 گریبان (giraybān) - ا. غارہ.  
 گریز (gurez) - ا. ف. تښتیدل.  
 گریس (girīś) - ا. گریس.  
 گریه (giryā) - ا. ف. ژړا.  
 گزند (gazand) - ا. ضرر.  
 گژدم (gaždum) - ا. لږم.

گادی (gādī) - ا. بگی.  
 گاراج (gāraj) - ا. کاراج.  
 گاز (gāz) - ا. زانگو.  
 گام (gām) - ا. گام.  
 گاو (gāw) - ا. غویی.  
 گهواره (gahwāra) - ا. زانگو.  
 گپ (gap) - ا. خبره.  
 گچ (gač) - ا. گچ.  
 گدی (gudī) - ا. کرداگی.  
 گذشته (guzašta) - ا. ف. تیر.  
 گرامی (girāmī) - ص. عزیز،  
 دوست.  
 گربه (gurba) - ا. پیشو.  
 گرجی (gurjī) - ا. پابی.  
 گرداب (girdāb) -  
 ا. م. کرداو.  
 گردباد (girdbād) - ا. م.  
 بربوکی

گندنه (gandana) - ا. گندنه.  
 گنگ (gung) - ا. گنگ.  
 گور (gor) - ا. مرستون قبر.  
 گودال (godál) - ا. کنده.  
 گورستان (gor stán) - ا. <sup>صمیره</sup> صمیره.  
 ا. م. جککه حظیره.  
 گوسفند (gosfand) - ا. پسه.  
 گوش (goš) - ا. غور.  
 گوشت (gošt) - غوبنه.  
 گوشواره (gošwára) - لښتۍ.  
 گوهر (gawhar) - ا. مرغله.  
 گهواره (gahwára) - ا. زانگو.  
 گیس (gays) - ا. گیس.

گستاخ (gostáx) - ص.  
 سپین سترگی.  
 گفتگو (guftugo) - ا. ف.  
 خبری اتری.  
 گل (gul) - ا. گل.  
 گلدوزی (guldozí) -  
 گل کنډنه.  
 گلستان (gulestán) - ا. م.  
 د کلورونو بن.  
 گلوبند (guloband) - ا. م.  
 غاره کی.  
 گلیم (gilím) - ا. تفر.  
 گنبد (gunbad) - ا. گنبزه.  
 گنجشک (gunjisk) -  
 چوغکه چرچنه.  
 گندم (gandum) - ا. غنم.



# ل

لالی (lálí) - ۱. مرغلری.  
 لامپ (lámp) - لمپه، لمبه.  
 لامسه (lámisa) - ۱. سله، لاسه.  
 لانه (lána) - ۱. خاله، گنخالی.  
 لایحه (layéha) - ۱. پانه، لیک پانه.  
 لایق (láyeq) - ص. وړ.  
 لتالی (laálí) - ۱. مرغلری.  
 لئیم (la?ym) - ص. ناکجات، پاسو.  
 لب (lab) - ۱. شونده، شونډی.  
 لبالب (labálab) - ص. جی په  
 جی، زبی په ژی.  
 لب دریا (labidaryá) - ۱. م.  
 سیند غاړه.  
 لباس (libás) - ۱. کپړه، نمری.  
 لبلبو (lablabú) - ۱. جغندر.  
 لبنیات (labaniyát) - ۱. جم.  
 شودینخ.  
 لت (lat) - ۱. وهنه، تکونه.

لابد (Lábud) - ق. نا چاره.  
 لاجرم (lájaram) - ق.  
 ناچاره، هرو مرو.  
 لاچار (lačár) - ق. ناچاره.  
 لازم (lázim) - ۱. فا. لازمه.  
 لاش (lás) - ۱. مرځلی.  
 لاغر (lágar) - ص. ډونگر.  
 لاف (láf) - ۱. برآوده، باتی.  
 لافیدن (láfídan) - ۱. ف. باتیدل.  
 لاک (lák) - ۱. لاک.  
 لاکن (lákin) - ح. ر. منگر، خو.  
 لال (lál) - ۱. گنگ، تر.  
 لالا (lálá) - ۱. دوربه، خلاند،  
 بیچاونه.  
 لالائی (láláí) - ص. تاتی،  
 دینګه نیکو.  
 لاله (lála) - ۱. غاتول، غاتوی.  
 لاله کوهی (lála 'ikohí) - ۱.  
 هیدی.

## لڅشک کردن

- (laxsakkardan)

ا. ف. څښیدل.

لڅشیدن (laxsīdan) - ا. ف.

ښویدل.

لڅک (laxak) - ا. چون، چتی،

لڅک.

لذا (liza) - ح. ر. نو، دی لپاره.

لذت (lizat) - ا. خوند.

لذید (lazīz) - ص. خوندنی،

خوندون.

لرزه (larza) - ا. کینی، هر نری.

لرزیدن (larzīdan) - ا. ف.

ښوریدل، ریریدل.

لزوم (luzum) - ا. ف. لازم والی.

لسان (lisán) - ا. ژبه.

لست (list) - ا. نوم لیک.

لشکر (laškar) - ا. جم. جگړن،

لښکر.

لشم (lašim) - ص. ښوی، غړند.

لشمی (lašmī) - ص. ښویتوب.

لطافت (litáfat) - ص.

پوست والی.

لطایف (latáyef) - ا. غوری،

ښه والی، نری.

## لت کردن (latkardan) -

ا. ف. وهل، ټکول.

لته (lata) - ا. زړوکی، خو خوری.

لج (laJ) - ا. ف. هوده، خیل.

لجاجت (lajajat) - ا. ف.

هوده کول،

خیل کول.

لجام (lajám) - ا. ملونه.

لچ (luč) - ص. لڅ، برمند، لوڅ.

لچر (lačar) - ص. شتا، لچر.

لچک (lučak) - ا. لوچه، شتا،

خور.

لحاظ (lihaz) - ا. خایتو، پار.

لحاظ کردن (lihazkardan) -

ا. ف. پار کول،

خاطر کول.

لحاف (liháf) - ا. برستن، نلتک.

لحد (lahad) - ا. ډودی.

لحظه (lahza) - ا. شیبه،

سترگی لپ.

لحن (lahn) - ا. غاړه، ږغ.

لخت (luxt) - ص. لوڅ، لڅ.

لخت کردن (luxtkardan) -

ا. ف. شو کول، شکول.

لڅشک (laxsak) - ا. لڅچی.

لطف (lutf) - ا. ف. لور، پاملرنه.  
 لطیف (latíf) - ص. ښه کړونى.  
 لطیفه (latífa) - ص. غوره، تکاله.  
 لعاب (lu?áb) - ا. نارى، لارى،  
 رین.  
 لعبت (lu?bat) - ا. لوبه،  
 نانځکه، ناوکی.  
 لعل (la?l) - ا. لال.  
 لعن (la?n) - ا. ف. پیت.  
 لعنتی (la?natí) - ص. پیتلی.  
 لغات (luḡát) - ا. جم. ژبی،  
 وراشی.  
 لغت (به ضم ل) (luḡat) - ا. ژبه،  
 وراشه، کړ، کړت.  
 لغت (به فتح ل) (laḡat) - ا. لته،  
 لغته.  
 لغزش (lagziš) - ا. ف. ښوئیدنه،  
 تغممه.  
 لغزیدن (laḡzÍdan) - ا. ف.  
 ښوئیدل، درغلیدل،  
 تغمول.  
 لفاظ (lafáz) - ا. ف. خبر لوڅی.  
 لفظ (lafz) - ا. کړ، کړت.  
 لق (laq) - ا. ص. ستغ، نیغ.  
 لق (به ضم ل) (luq) - ا. ص. تاغ،  
 تاغسترگی.

لق زدن (luqzadan) -  
 ا. ف. خانگی وهل.  
 لقب (laqab) - ا. وړ نوم.  
 لقمه (luqma) - ا. مړی،  
 نمړی، گوله.  
 لک (به فتح ل) (lak) - ا. سل زره،  
 لک.  
 لک (به ضم ل) (luk) - ص. پنډو،  
 پرپر، غټ.  
 لک شدن (luksúdan) -  
 ص. غټیدل، پنډیدل.  
 لکنت (laknat) - ص. تورى.  
 لکه (laka) - ا. توپله، خاپ، تپله.  
 لگام (lagām) - ا. واکی، ملونه.  
 لگد (lagad) - ا. لته، لغته.  
 للمی (lalmí) - ا. للمه.  
 لלו (lallo) - ا. تاتی.  
 لمپ (iāmp) - ا. لمپه.  
 لمحہ (lamḥa) - ا. رپ.  
 لمس (lams) - ا. ف. لمسکول.  
 لمیدن (lamÍdan) - ف. پریوتل.  
 لنگ (به فتح ل) (lang) - ص. گود.  
 لنگ (به کسر) (ling) - ا. ښاتکه.  
 لنگ (به ضم ل) (lung) - ا. لنگ.  
 لنگر (langar) - ا. درې.

لیاقت (liyāqat) - ص. وړوالی.  
 لیث (lays) - ا. زمري، مزري.  
 لحاظ (liḥaz) - ا. ف. ملاحظه،  
 پار، خاطر.  
 لیدر (līdar) - ا. مشر.  
 لیسانس (lesāns) - ا. لیسانس.  
 لیست (lest) - ا. نوم لیک،  
 لست.  
 لیسیدن (lesīdan) - ا. ف. ختیل.  
 لیف (līf) - ا. منخولی، ماله.  
 لیف لیف (līf līf) - ا. ف.  
 رښکی رښکی،  
 هنډی هنډی.  
 لیک (lek) - ح. ر. منگر، خو.  
 لیکن (līkin) - ح. ر. منگر، خو.  
 لیل (layl) - ا. شپه.  
 لیمو (līmo) - ا. لیمو، لیمبو.  
 لین (layn) - ا. لیکه، خیره، لین.

لنگوته (langota) - ا. لنگوتی.  
 لنگی (lungī) - ا. ډینگی،  
 مندوسه، لنگی.  
 لنگیدن (langīdan) - ف.  
 نگو بنیدل، گوه تلل.  
 لواء (liwā) - ا. رپی، جنده،  
 جنډی.  
 لوبیا (lobyā) - ا. لوبیا، کرخی.  
 لوټ (laws) - ا. ص. ککرتیا.  
 لوح (lawḥ) - ا. پټ.  
 لوده (lawda) - ص. کجاوه.  
 لوکس (loks) - ص. لوکس.  
 لولاندن (lolāndan) -  
 ف. رغړول، تولول.  
 لوله (lola) - ص. توتو، درمه.  
 لولوء (lo?lo?) - ا. مرغلره.  
 لون (lawn) - ا. رنگ.  
 لهذا (lihazā) - ح. ر. ځکه، دی  
 لپاره.  
 لهجه (lahja) - ا. وراشه.  
 لهو و لعب (lahwola?ab) -  
 ا. ص. لولی لالی.  
 لنگوتی لوبی،

## م

مامور (māmūr)-ا. مارلی،  
گمارلی.  
مانده گی (māndagī)-ص.  
ستریا، ستومانی.  
مانند (mānand)-ا. ورتہ،  
غوندی، لکہ.  
ماه (māh)-ا. سپورمی.  
ماہتاب (māhtāb)-ا. سپنکی،  
اورمی، سپورمی.  
ماہر (māhir)-ص. کانی، کاکر.  
ماہی (māhī)-ا. کب، ماہی.  
ماہیت (māheyat)-ا. نوری،  
نوخی.  
مبادلہ (mubādila)-ا. ف.  
بدلون، بدل.  
مبارک (mubārak)-ص. بختور،  
نیک مرغ.  
مبالغہ (mubāliḡa)-ا. ف.  
دوزہ، مبالغہ.

ما (mā)-ص. مونر، مور.  
مابعد (mābaʔd)-ص. وروستہ.  
مابین (mābayn)-ا. منخ.  
ماجری (mājrā)-ا. ف. پینہ.  
مادون (mādūn)-ص. لاسلانندی.  
ما فوق (māfawq)-ص. پورته.  
ماورا (māwrā)-ص. پرتہ.  
ماتم (mātam)-ا. ویر، سوتکہ.  
ماچ (māč)-ا. مچہ، مچکہ.  
مادہ (māda)-ا. بنخہ.  
مادیان (mādyān)-ا. اسپہ.  
مار (mār)-ا. منگور، مار.  
ماست (māst)-ا. مستی.  
ماش (māš)-ا. می.  
ماکیان (mākyān)-ا. چرگہ.  
مال (māl)-ا. مال.  
مالیدن (mālīdan)-ا. ف.  
سولول، مورل.  
ماما (māmā)-ا. نیایی.

متخاصم (mutaxásim) - ا. فا. دشمنی کوونکی،  
میرخی کوونکی.  
متخصص (mutaxasis) - ص. فا. لاس لرونکی،  
کانی، تاکو.  
متخلف (mutaxalif) - ا. فا. غارغده ونکی.  
متداول (mutadāwil) - ا. مف. اوږداندی.  
متدین (mutadayin) - ا. فا. منی، دیندار.  
مترجم (mutarjim) - ا. فا. ترجمان، ژبالون.  
متردد (mutaradid) - ا. فا. تلولی، دوه زپی.  
متشابه (mutasábh) - ا. فا. سره ورته.  
مشرع (mutasari?) - ا. فا. دین پالونکی،  
په شریعت برابر.  
متشکر (mutasakir) - ا. فا. بښمنی، شکر کوونکی.  
متصوف (mutasawif) - ا. فا. صوفی، عارف.

متبسم (mutabasim) - ص. فا. موسیدونکی،  
خندا کوونکی.  
مبني (mabnĀ) - ا. بنت، تاداو.  
مبهم (mubham) - ص. مف. در مغول به ناسلم.  
مبهوت (mabhūt) - ص. ف. ترهور، هدیان.  
متابعت (mutābi?at) - ا. ف. سوانگلوی. تاجورال.  
متأثر (muta?ser) - ا. فا. اغیزلی، نتگی.  
متأخر (muta?xir) - ا. فا. ورسنتی.  
متاهل (mutahil) - ص. فا. عیال داره.  
متبرک (mutabarik) - ص. فا. کجیر، بنادمن.  
متجاوز (mutajāwiz) - ا. فا. تیری کوونکی.  
متجلی (mutajalĀ) - ا. ف. ښکاره، روښانه.  
متحد (mut.ahid) - ا. فا. یولاسی.  
متحرک (mutaharik) - ا. فا. زعمونکی، پیخونکی.  
متحیر (mutahayir) - ا. فا. هریان، ترهور.

متقی (mutaqī) - ا. فا. منی،  
پالیال.  
متکامل (mutakāmil) - ا. فا. بشپړ.  
متکبر (mutakabir) - ا. فا. مرغوری، کبرجن.  
متکلم (mutakalim) - ا. فا. گړیدونکی، ربروونکی.  
متلاطم (mutalātim) - ا. فا. خپان.  
متناسب (mutanāsib) - ا. فا. سره وړ.  
متنوع (mutanawi?) - ا. فا. رازراز، بڼه بڼه.  
متواتر (mutawātir) - ا. فا. پرله پسې.  
متوازن (mutawāzin) - ا. فا. انډول، هم توله.  
متوسط (mutawasit) - ا. فا. مینځوی، مینځگوره، مینځگړی.  
متوفی (mutawffā) - ا. مف. مرشوی.  
متوقف (mutawqf) - ا. فا. تیکاویدونکی، تمیدونکی.

متضرر (mutazarir) - ا. فا. تاوانی شوی.  
متضمن (mutazamin) - ا. فا. په ترڅ کې لرونکی.  
متظاهر (mutazāhir) - ا. فا. ځان ښکاره کوونکی.  
متعادل (muta?ādil) - ا. فا. انډول.  
متعال (muta?āl) - ص. لوړ.  
متعجب (muta?jib) - ا. فا. هر یانیدونکی، تعجب کوونکی.  
متعدد (muta?did) - ص. ډیر، تریوه زیات.  
متعرض (muta?ariz) - ا. فا. برید کوونکی، تیری کوونکی.  
متعلم (muta?lim) - ا. فا. زده کوونکی، زده کړی.  
متغیر (mutaḡāʾir) - ا. فا. اوښتونکی، اوږیدونکی.  
متقاعد (mutaqā?id) - ا. فا. ځای ناستی.

مجموع (majmo?) - ا.مف.  
 ټول شوی، غونډ.  
 مجنون (majnūn) - ص. خروږه،  
 لیونی.  
 محاربه (mahāribā) - ا.ف.  
 جگره، جگار.  
 محاسبه (mahāsiba) - ا.  
 ف. شمیرل.  
 محاسن (mahāsin) - ص.  
 ښیځنی.  
 محافظت (mahāfizat) - ا.  
 ف. ساتنه، پیره کول،  
 زمیرنه.  
 محتاجی (muhtajī) - ص. اړتیا.  
 محبت (muhabat) - ا.ف. مینه.  
 محترم (muhtaram) - ا.مف.  
 ښاغلی.  
 محضر (mahzar) - ا. ټولتون.  
 محکم (mahkam) - ص.  
 ټینګ، کلک.  
 مختصر (muxtasar) - ا.  
 مف. لنډ.  
 مختلف (muxtalif) - ا.فا.  
 اختلاف کورنکی،  
 بیلیدونکی.

متولد (mutawalid) - ا.فا.  
 زیریدلی، ذوکړی.  
 متیقن (mutayaqin) - ا.فا.  
 باور کورنکی.  
 مثلاً (masalan) - ق. لکه.  
 مثلث (musallas) - ا.دری.  
 خنډی، دری کنجه.  
 مثمر (musmir) - ا.فا. گټور.  
 مجالس (majālis) - ا. ټولنی،  
 مرکی.  
 مجاور (mujāwir) - ا.فا.  
 همسایه، ګاونډی.  
 مجاهدت (mujāhidat) -  
 ا.فا. غزا کول.  
 مجبور (majbūr) - ا.مف.  
 ناچار، اړاند، اړوتلی.  
 مجدد (mujadad) - ا.فا.  
 سرله نوی، سرله سره.  
 مجروح (majroh) - ا.مف.  
 ټپي، پرهاړژلی.  
 مجرم (mujrim) - ا.فا. ګرم،  
 اوبالی.  
 مجلس (majlis) - ا. ټولتون،  
 ټولنه، ګډی.  
 مجمع (majma?) - ا. ټولتون،  
 وستل.



مزه (maza) - ۱. خوند.  
 مسافر (musāfir) - ۱. فا. پردیس،  
 مساپر.  
 مساوی (masāwī) - ص. سم،  
 سره برابر.  
 مستقیم (mustaqīm) -  
 ص. سم، نیغ.  
 مسجد (masjid) - ۱. جمات.  
 مسکن (maskan) - ۱. تون، خای.  
 مسؤول (mas'ūl) - ۱. مف.  
 پوښتیدلی، پوښتلی.  
 مشت (mušt) - ۱. سوک.  
 مشرق (mašriq) - ۱. ختیځ،  
 لمرخاته.  
 مشغول (mašgūl) - ۱. مف.  
 بوخت.  
 مشکل (muškil) - ۱. ص. گران،  
 سخته.  
 مضر (muzir) - ۱. فا.  
 ضرر رسونکی،  
 ضرری بدوړی.  
 مطبخ (matbax) - ۱. پخلنځی،  
 پخلینځی.  
 معالجه (ma'ālija) - ۱. ف.  
 دارو کول.  
 معاف (ma'āf) - ۱. ف. پل، بخښلی.  
 معاون (ma'āwin) - ۱. فا.  
 مرستیال، مرستی، ملاتړ.

مخلوط (maxlūt) - ۱. مف.  
 گدشوی، لړلی شوی.  
 مخلوق (maxlūq) - ۱. مف.  
 پنځیدلی، پیدا شوی.  
 مداخله (mudāxila) - ۱.  
 فلاس وهل.  
 مداام (mudām) - ۱. تل.  
 مدعی (muda'ī) - ۱. فا.  
 غوښتونکی، ادعا کوونکی.  
 مراتب (maratib) - پوړی، پتی.  
 مراجعت (murāji'at) -  
 ۱. ف. راکرځیدل،  
 راستیندل.  
 مربوط (marbūt) - ۱. مف. تډلی،  
 آسته شوی.  
 مرد (mard) - ۱. نر.  
 مردن (murdan) - ۱. ف. مرل،  
 مرکیدل.  
 مرض (maraz) - ۱. نا جوړی،  
 ناروغی.  
 مرغ (morg) - ۱. الوتونکی.  
 مرغابی (morgābī) - ۱. هیلې،  
 مرغای.  
 مرگ -  
 (marg) ۱. مړنیه، مرگ،  
 مرگی.

معاهده (ma?āhida) - ا. ف.  
 ترون، بندون.  
 معرفت (m?rifat) - ا. ف.  
 پيژندگلوی، پيژاندنه.  
 معلم (ma?lim) - ا. ف. استاد،  
 ښوونکی.  
 مغاره (maḡāra) - ا. خوده، پنوزه.  
 مغایر (maḡāīr) - ص. بیل.  
 مغرب (maḡrib) - ا. لویډ یخ.  
 مغلوب (maḡlūb) - ا. مف.  
 جر، لر، بگر.  
 مفت (muft) - ص. وړیا، خوشی.  
 مفهوم (mafhūm) - ا. مف.  
 پوهول شوی.  
 مقابر (maqābir) - ا. هدیری.  
 مقابل (muqābil) - ص. بده،  
 مخی، دخی.  
 مقاربت (muqāribat) - ا.  
 ف. سره نژد یکیدل.  
 مقاله (maqāla) - ا. ف. مضمون.  
 مقام (muqām) - ا. خای، تیک.  
 مقبره (maqbara) - ا. هدیره،  
 مرستون.  
 مقاومت (muqāwimat) -  
 ا. ف. تینکیدل، تمیدل،  
 سره برابری کول.  
 مقتول (maqtūl) - ا. مف. وژلی.

مقدس (muqadas) - ص.  
 سپین، سپیڅلی.  
 مقرر (muqarar) - ا. مف. ټاکلی.  
 مقصود (maqsūd) - ا. مف.  
 برغه، اړه.  
 مقطر (muqattar) - ا. مف.  
 خاڅکی، خاڅکی.  
 مقلب (muqalib) - ا. ف.  
 اړولی، اوښتلی.  
 مقلد (muqalid) - ا. ف. تقلید.  
 کونکی.  
 مقیم (muqīm) - ا. ف. میشت،  
 اوسیدونکی.  
 مکاتب (جمع مکتب) (makātib) -  
 ا. ښوونځی.  
 مکاتیب (makātīb) - ا. لیکونه.  
 مکارم (makārim) - ا. ښیځنی،  
 ښیځری.  
 مکتب (maktab) - ا. ښوونځی.  
 مکان (makān) - ا. خای.  
 مکتوب (maktūb) - ا. مف.  
 لیک.  
 مکلف (mukalaf) - ص.  
 په ځان پوهیدلی.  
 مکرر (mukarar) - ا. مف.

بیابیا.

مکروب (mikrob) - ا.ا.

مکروب، جراثیم.

مکعب (muka?ab) - ا.ا.مف.

شپر مسخیح.

مکمل (به فتح م) (mukamal) -

ا.ا.مف. بشپر، پوره.

مکنون (maknūn) - ا.ا.مف.

پت، پوښلی.

مگس (magas) - ا.ا.مچ.

ملاح (malāh) - ا.ا.مانگی، مایو.

ملاحت (malāhat) - ا.ا.ف.

ملاکینه.

ملاحظه (mulāhiza) - ا.ا.ف.

کتنه، پام.

ملازم (mulāzim) - ص.ا.چوپری،

دربه.

ملاطفت (mulātifat) -

ا.ا.ف. نرمی کول،

مهربانی کول.

ملاقات (mulāqāt) - ا.ا.ف.

سره کتل، سره ورتله.

ملال (malāl) - ا.ا.ف. خپگان،

خواشینی.

ملالت (malālat) - ا.ا.ف.

خپگان، خواشینی.

ملاامت (malāmat) - ا.ا.ف.

زورل، تره تل.

ملایم (mulāem) - ص.ا.پوست.

ملت (millat) - ا.ا.ولس.

ملی (millī) - ا.ا.ص. قومی، ولسی.

ملخ (malax) - ا.ا.ملخ، نک.

ملقب (mulaqab) - ا.ا.مف.

لقب ورکړی شوی.

ملک (malik) - ا.ا.پاسوال، ټولو اک.

ملکه (malika) - ا.ا.شاه میرمنه.

ملل (milal) - ا.ا.ولسونه.

ململ (malmal) - ا.ا.ململه، خاصه.

ملنگ (malang) - ا.ا.ملنگ.

ملوک (mulūk) - ا.ا.پاسوالان،

ټولو اکان.

ملول (malūl) - ص.ا.خپه.

ملون (mulawan) - ا.ا.مف.

رنگیخ، رنگینه.

ملی (mulī) - ا.ا.ملی، ترپ.

ممتنع (mumtani?) - ا.ا.فا.

ناشوده، ناممکن.

ممد (mumid) - ا.ا.فا. مرستیال،

مرسته کونکی.

ممکن (mumkin) - ص.ا.کیدونکی،

امکان لرونکی.

منتها (muntahā) - ا. مف. پای.  
 منجم (munajim) - ا. فا. ترویتی.  
 منجمد (munjamid) - ص.  
 کنگل.  
 منحرف (munharif) - ا. فا. کور،  
 دیونده.  
 منحصر (munhasir) - ص.  
 ترلی.  
 منحل (munhal) - ص.  
 ویلیدل، اوبه کیدل.  
 منزلت (manzilat) - ا. قدر،  
 درناوی، مرتبه.  
 منسوب (mansūb) - ا. مف.  
 نسبت ورکړی شوی.  
 منشاء (mansāʿ) - ا. منشه، وریخی.  
 منصب (mansab) - ا. رتبه،  
 منصب.  
 منطبق (mantabiq) - ص. سم، برابر.  
 منطقه (mantaqa) - ا. سیمه،  
 ولکه.  
 منظره (manzara) - ا. نندرتون،  
 نندارخی.  
 منظور (manzūr) - ا. مف.  
 کتلی، کتل شوی.  
 منفذ (manfaz) - ا. سوری.  
 منفصل (munfasil) - ا. فا.  
 بیل، جلا.

ممنون (mamnūa) - ا. مف.  
 خوښ، پاسلونی.  
 ممنوع (mamno?) - ا. مف.  
 منه شوی، ستون شوی.  
 من (man) - ض. زه، ما.  
 منابر (manābir) - ا. دریخونه.  
 منابع (manābi?) - ا. چینی.  
 مناجات (munājāt) - ا. ف. خواله.  
 مناسب (munāsib) - ص.  
 ور، باب.  
 مناسبت (munāsibat) - ا.  
 ف. سره ورته.  
 مناصب (manāsib) - ا. منصبونه.  
 مناصفه (manāsifa) - ا. ف.  
 نیمول، نیمایی کول.  
 منافع (manāfi?) - ا. گیتی.  
 منبر (munbar) - ا. دریخ، مومبر.  
 منتخب (muntaxib) -  
 ا. فا. غوره کونکی،  
 خوبونکی.  
 منتخب (muntaxab) -  
 ا. مف. غوره شوی،  
 خوښ شوی.  
 منتشر (muntašir) - ا. فا. خپور.

موجب (mawjib) - ا. فا.  
 پاسونه، سوب.  
 موجز (mūjaz) - ص. لنډو.  
 موچی (močī) - ا. فا. چمیار،  
 موچی.  
 مودت (muwaddat) - ا. ف.  
 خپلوی.  
 مؤذن (moʔazin) - ا. فا.  
 آذان کونکی.  
 مور (mūr) - ا. میری.  
 مورچه (mūrča) - ا. میری.  
 مورخ (muwarix) - ا. فا.  
 تاریخ لیکونکی.  
 موزه (moza) - ا. موزه.  
 موسوم (mawsūm) - ا. مف.  
 مهال.  
 موسیچه (masīca) - ا. سرکخی،  
 سره پوختکه.  
 موش (mūs) - ا. مپوک.  
 موصوف (mawsūf) - ا.  
 مف. ستایلی، ستایل شوی.  
 موضع (mawzi?) - ا. مف.  
 خای،  
 موضوع (mawzo?) - ا. مف.  
 باب، مقصد.  
 موظف (mowazaf) - ص. گمارلی.

منفعت (manfiʔat) - ا. کټه،  
 برغه.  
 منفی (manfī) - ص. نیست  
 کړی شوی.  
 منقبت (munqabat) - ا.  
 ستاینه.  
 منقسم (munqasim) - ا.  
 فا. ویشل شوی.  
 مقلب (muqalib) - ا. فا.  
 چپه، نسکور.  
 منور (munawar) - ص. روڼ،  
 روشانه، بل.  
 منوط (manūt) - ا. مف. بند،  
 تړلی، خورپند.  
 منهدم (munhadim) - ص.  
 وړان، نړیدلی، ړنگ.  
 مواد (mawād) - ا. نورې، مادی.  
 موازنه (mawāzina) - ا. ف.  
 انډول، بودگان.  
 مواشی (mawāšī) - ا. خاروی.  
 مواظبت (mawāzibat) - ا.  
 ف. تل کړنه.  
 موانع (mawāni?) - ا.  
 بښگولی، ستونځی.  
 مؤدب (mondab) - ا. فا.  
 روزونکی، ادب ور کونکی.

مهیب (muhīb) - ص. ترهنگ،

ترهنگ، ویر و نکی.

می (may) - ا. شراب.

میان (miyān) - ا. منخ.

میت (mayet) - ا. مری.

میخ (mex) - ا. مورپی، میخ.

میدان (maydān) - ا. واگی،

میدان.

میده (mayda) - ص. ور، میده.

میر (mīr) - ا. ص. مثر.

میرزا (merzā) - ا. ص. بناغلی،

لیکونکی.

میراث (mīrās) - ا. پانه مری،

وریشون.

میزبان (mezbān) - ص. کوربه.

میعاد (mīʿād) - ا. نیته، وعده.

میغ (meḡ) - ا. اوریخ، مرغانه.

میل (mayl) - ا. ف. هخه، خوبنه.

میل (mīl) - ا. سلی، میل، لوری.

میلا د (mīlād) - ا. زیبرده،

زیبردی وخت.

میله (melah) - ا. میله.

میوه (mewah) - ا. میوه.

میهن (mayhan) - ا. وطن.

موعد (mawʿid) - ا. نیته، موده.

موعضه (mawʿiza) - ا.

پند، نغته.

موفق (mowafaq) - ص.

کامیاب، بریالی.

موفقیت (mowafqiyat) - ا.

ف. بریالیتوب.

مونس (monis) - ا. فا. ذره

سودی، زره دمی، زره لوری

موی (moj) - ا. وینسته.

مه (mah) - ا. ورمکی.

مه (به کسر م) (mih) - ا. مشر، ستر.

مهاجرت (muhājirat) -

ا. ف. پردیس توب،

ماجر توب.

مهتاب (mahtāb) - ا. ورمکی،

سپوړمی.

مهر (mih) - ا. مینه.

مهر (mih) - ا. لمر.

مهربان (mihrabān) - ص.

پیرزو کونکی، لورونکی.

مهم (muhim) - ص. ستر کار،

لوی کار.

مهمان (mihmān) - ا. ص.

میلمه، وله.

مهمل (muhmal) - ص. چتی،

اندته.

مهیا (muhayā) - ص. سمبال، تیار.

# ن

نا توان (nātawān) - ص.  
 خوارِ خاکِ، بی سیکه.  
 ناجور (nājor) - ص. ناروغه.  
 ناچار (nāčār) - ص. ناکامه،  
 بیزاوه، اړوتلی.  
 ناچیز (nāčīz) - ص. خشی،  
 بابیره، نکسی.  
 ناحق (nāhaq) - ص. نرناک،  
 برناک.  
 ناخلف (nāxalaf) - ص.  
 نا امله، ناوړه.  
 ناخوش (nāxoš) - ص. خپه.  
 نادار (nādār) - ص. خوار،  
 ککی، نیستم.  
 نادرست (nādurust) - ص. مات.  
 نادان (nādān) - ص. ناپوه.  
 ناروا (nārawā) - ص. ناروا.  
 ناسزا (nāsazā) - ص. ناوړه،  
 نااهله.

نا (ná) - د نفي علامت په دری  
 او پښتو ژبه کی.  
 نا آرام (nāārām) - ص. پلټند،  
 شرنند.  
 نا امید (nāomīd) - ص. نهیل،  
 نامیده.  
 نا اهل (nāahl) - ا. بی ادبه.  
 نا بالغ (nābāliḡ) - ص. ایلوڅ،  
 (خوکیالی) زنانی (مروت).  
 نابکار (nābakār) - ص. خوشی.  
 نابلد (nābalad) - ص. نارپیک.  
 نابود (nābūd) - ص. ورک،  
 تری تم.  
 نابینا (nābīnā) - ص. پروند.  
 ناپاک (nāpāk) - ص. ناولی،  
 چټل.  
 ناپدید (nāpadīd) - ص. ناپیت،  
 لرغونی، الوینا.

ناجو (nājo) - ۱. نښتر، ځنغوځی.  
 ناجی (nājī) - ۱. فابج، ژرغولی.  
 ناحیه (nāhiya) - ۱. لته، ډکره،  
 ولکه.  
 ناخدا (nāxodā) - ۱. ماڼگی.  
 ناخن (nāxun) - ۱. نوک.  
 ناخن گرفتن (nāxungrifan) -  
 ۱. ف. نوکان اخیستل.  
 ناخن گیر (nāxungīr) -  
 ۱. نوکریزی.  
 نادر (nādir) - ص. ناویاب،  
 نادره، نایاب.  
 نادم (nādim) - ص. پښیمانه.  
 نار (nār) - ۱. اور.  
 نارنج (nāring) - ۱. کمبیری، نارنج.  
 نارنجی (nāringī) - ص. ډت،  
 کمبیری.  
 نارنجک (nārinJak) - ۱. لاسی بم.  
 ناریال (nāryāl) - ۱. کوپره.  
 ناز (nāz) - ۱. ناز، مکیز.  
 ناز پرورد (nāzparward) -  
 ص. مف نازولی.  
 نازبو (nāzbo) - ۱. کشمالی، بیری.  
 نازک (nāzuk) - ص. تنکی،  
 نازک، نروڅکی.

ناشد (nāšud) - ص. ناشوده،  
 ناشونکی.  
 نا فهم (nāfahm) - ص. ناپوهه.  
 نا قابل (nāqābil) - ص.  
 ناوری، ناپوری.  
 ناکام (nākām) - ص. نیمه خوا،  
 پسپازه.  
 ناکس (nākas) - ص. ناکجات،  
 پاسو.  
 ناگزیر (nāguzīr) - ص. ناچار،  
 ص. مجبور.  
 ناگوار (nāguwār) - ص.  
 بد خونده.  
 نالایق (nālayeq) - ص. ناوړه.  
 نامرد (nāmard) - ص. اجرا،  
 مادنگی، نرښځی.  
 نامرغوب (nāmargōb) -  
 ص. ناخوښه.  
 نامناسب (nāmunāsib) -  
 ص. ناوړه.  
 نامهربان (nāmihrabān) -  
 ص. کته میره.  
 نایاب (nāyāb) - ص. ناویاب،  
 نایابه.  
 نابغه (nābiga) - ص. ونلی، اتل.



ناقوس (nāqūs) - ا. درغیزی،  
 جرننگانی.  
 ناقه (nāqa) - ا. اوبنه.  
 ناک (nāk) - ا. علامه د اتصال،  
 ناک، غورمنه.  
 ناکح (nākih) - ا. فا. واده  
 کونکی، نکاح کونکی.  
 ناگاہ (nāgāh) - ق. ناخاپه،  
 ناگمانه.  
 نالش (nālīš) - ا. ف. زگیروی،  
 زبیرگی.  
 ناله (nālah) - ا. کوکاره، سوزه.  
 نالیدن (nālīdan) - ا. ف. سوری کول.  
 نام (nām) - ا. نوم.  
 نامبرده (nāmburda) - ص.  
 نوموړی.  
 نامزد (nāmzad) - ا. ص. په نامه.  
 ناموس (nāmūs) - ا. پت، ننگ، ست.  
 نامه (nāma) - ا. لیک.  
 نامی (nāmī) - ص. نومیالی، نامتو.  
 نامی (nāmī) - ا. ف. نوکیدونکی،  
 وده کونکی.  
 نان (nān) - ا. چوچی، مریه  
 نان جواری (nānijawārī) -  
 ا. سکرک، گلپلی.

نازکی (nāzukī) - ص. تنکی  
 والی، نروختکوب.  
 نازل (nāzil) - ا. فا. کبنته کیدونکی.  
 نازنین (nāzanīn) - ص. نیازمینہ.  
 نازیدن (nāzīdan) - ا. ف.  
 کرشمه کول،  
 نخره کول.  
 ناسوت (nāsūt) - ا. نپری.  
 ناشتا (nāštā) - ا. سپناری.  
 ناشی (nāšī) - ص. بوتیدونکی،  
 پیدا کیدونکی.  
 ناصح (nāsih) - ا. فا. پندور کونکی.  
 ناصر (nāsir) - ا. فا. سیلگری،  
 مرستی، مرستوال.  
 ناطق (nātiq) - ا. فا. ویونکی، ویان.  
 ناظر (nāzir) - ا. فا. کتونکی،  
 لیدونکی.  
 ناف (nāf) - ا. نوم.  
 نافذ (nāfiz) - ا. فا. چلیدونکی.  
 نافع (nāfi?) - ا. فا. گتہ ور.  
 ناقص (nāqis) - ص. نیمگری،  
 نینگی.  
 ناقض (nāqiz) - ا. فا. ماتونکی.  
 ناقل (nāqil) - ا. فا. وړونکی.

نانه (nāndih) - ص. ډوډی مار.  
 نان روغنی (nāniroḡanī) -  
 ا. م. روغانی.  
 نان فطیر (nānifatīr) - ا. م.  
 چغمته، پتیر ه.  
 ناوک (nāwak) - ا. غشی، شتی.  
 ناهید (nāhīd) - ا. کوپ.  
 نای (nāy) - ا. شپیلیر.  
 نایل (nāyel) - ا. ف. میندونکی.  
 نبات (nabāt) - لامبات، نبات.  
 نبات (nabāt) - ا. وانبه.  
 نبرد (nabard) - ا. جگره.  
 نبوت (nabūwat) - ا. ف.  
 نبوت، استاختوب.  
 نبوغ (nubūḡ) - ا. ف. اتل توب،  
 اتلوله.  
 نبی (nabī) - ص. دخدای استاخی.  
 نبیره (nabīra) - ا. کودی.  
 نتیجه (natīja) - ا. وتلی.  
 نثر (nasir) - ا. ف. نثر.  
 نجابت (nijābat) - ا. ف.  
 اسیلتوب.  
 نجات (nijāt) - ا. ف. ژغورنه،  
 خلاصیدنه.  
 نجار (najar) - ا. ترکان.  
 نجبا (nujabā) - ص. اسیلان.

نجس (najis) - ص. چتل، ناولی.  
 نجم (najim) - ا. ستوری.  
 نجوا (najwā) - ا. ف. خواله.  
 نجوم (جمع نجم) (nujūm) - ا. ستوری.  
 نجومی (nujūmī) - ا. ف. نجومی،  
 ترویتی.  
 نجیب (najīb) - ص. اسیل.  
 نحس (naḥs) - ص. بد مرغی،  
 بد شاگومی.  
 نحیف (naḥīf) - ص. خوار دنگر.  
 نخاش (naxās) - ا. ص. نخاش.  
 نخست (naxust) - ا. پرومبی،  
 لمړی.  
 نخستین (naxustīn) - ا. پرمبني.  
 نخل (naxil) - ا. کجوره، خرماونه.  
 نخود (naxud) - ا. چنه.  
 نداء (nida) - ا. ف. غر، رع.  
 نداد (nadāf) - ا. ف. دینداپ،  
 غرغمبک.  
 ندامت (nidāmat) - ا. ف. پښیمانی.  
 ندرت (nudrat) - ا. ف. ناویات.  
 نذر (nazir) - ا. ف. منبته.  
 نر (nar) - ص. نر.  
 نرگاو (nargāw) - ا. غویی، غخکی.  
 نراد (narād) - ص. کاغ.  
 نرخ (nirx) - ا. نرخ.

نرد (nard) - ا. گتۍ.  
 نردبان (nardbān) - ا. زینه.  
 نرگس (nargis) - ا. نرگس،  
 زړپ.  
 نرم (narm) - ص. پوست.  
 ملایمی (nulaemī) - ص.  
 پوستوالی.  
 نراع (nizā?) - ا. ف. لانجه.  
 نراکت (nizakat) - ا. نراکت.  
 نرد (nazd) - ا. خخه.  
 نرده (nuzda) - ا. نولس.  
 نردیک (nazdīk) - ا. ص. نردی.  
 نرله (nuzla) - ا. خاک، نیمسری.  
 نزول (nuzúl) - ا. ف. کوزیدلی،  
 بسکته کیدل.  
 نزهت (nazhat) - ا. ف. پاکوالی.  
 نژاد (nižād) - ا. خخه، اسل.  
 نساج (nasāj) - ا. ص. اودونکی،  
 گنیوال.  
 نساجی (nasájí) - ا. اودنه.  
 نسب (nasab) - ا. خخه، پښت.  
 نسترن (nastaran) - خرچ.  
 نسخه (nusxa) - ا. نسخه.  
 نسرين (nasrīn) - ا. پرواری.  
 نسل (nasil) - ا. خخه، ذوزات.

نشاط (nišāt) - ص. خوشالتیا،  
 خشالی.  
 نشان (nišān) - ا. پیلامه، نښه.  
 نشانندن (nišāndan) - ا. ف.  
 کښینول، کینول.  
 نشستن (nišastan) - ا. ف.  
 کښینتل، کینل.  
 نشه (niša) - ص. سر بلوال، نشه.  
 نشیمن (nišīman) - ا. دناستخی.  
 نصاب (nisāb) - ا. بنسټ.  
 نصایح (جمع نصیحت) (nasāeh) -  
 ا. پندونه.  
 نصب (nasb) - ا. درول، بکول.  
 نصر (nasr) - ا. ف. مرسته کول.  
 نصرت (nasrat) - ا. ف. مرسته.  
 نصف (nisf) - ا. نیمائی.  
 نصیحت (nsíhat) - ا. ف.  
 پند، نښه کوم.  
 نطق (nataq) - ا. کړاوی، ویاند.  
 نظارت (nizarat) - ا. ف. کمل،  
 سیل.  
 نظافت (nizāfat) - ا. ف. پاکوالی.  
 نظر (nazar) - ا. ف. کاته.  
 نظم (nazm) - ا. ف. پیل، سندره.  
 نظیر (nazīr) - ص. ساری، کور.  
 نظیف (nazíf) - ص. پاک.

نرد (nard) - ا. گتۍ.  
 نردبان (nardbān) - ا. زینه.  
 نرگس (nargis) - ا. نرگس،  
 زړپ.  
 نرم (narm) - ص. پوست.  
 ملایمی (nulaemī) - ص.  
 پوستوالی.  
 نراع (nizā?) - ا. ف. لانجه.  
 نراکت (nizakat) - ا. نراکت.  
 نرد (nazd) - ا. خخه.  
 نرده (nuzda) - ا. نولس.  
 نردیک (nazdīk) - ا. ص. نردی.  
 نرله (nuzla) - ا. خاک، نیمسری.  
 نزول (nuzúl) - ا. ف. کوزیدلی،  
 بسکته کیدل.  
 نزهت (nazhat) - ا. ف. پاکوالی.  
 نژاد (nižād) - ا. خخه، اسل.  
 نساج (nasāj) - ا. ص. اودونکی،  
 گنیوال.  
 نساجی (nasájí) - ا. اودنه.  
 نسب (nasab) - ا. خخه، پښت.  
 نسترن (nastaran) - خرچ.  
 نسخه (nusxa) - ا. نسخه.  
 نسرين (nasrīn) - ا. پرواری.  
 نسل (nasil) - ا. خخه، ذوزات.

نکوهش (nikohiš) - ا. ف.

ترتبه، زورنه.

نگارش (nigāriš) - ا. ف. لیکنه.

نگاه (nigāh) - ا. ف. کتل.

نگون (nigūn) - ص. نسکور.

نگهبان (nigahbān) -

ا. ص. زمیری، ساتندوی.

نگین (nigīn) - ا. غمی.

نم (nam) - ا. نو، زیم.

نمناک (namnāk) - ص.

نوجن، ناوده.

نماز (namāz) - ا. لمونخ، مونخ.

نمایان (numāyān) - ص. فا.

اوخار، خرگند.

نمایش (numāyēs) - ا. ف.

بنکارونه

نمد (namad) - ا. نیمخی، کواسته.

نمک (namak) - ا. مالکه.

نمکین (namakīn) - ص. ن.

مالگن، مالگین.

نمو (numo) - ا. ف. وده.

نمودن (namūdan) -

ا. ف. بنول.

ننگ (nang) - ا. غور، ننگ،

پیغور.

ننه (nana) - ا. مور.

نعره (nāra) - ا. کوکاره، چغه.

نعش (naʔs) - مری، درنگه.

نعل (naʔl) - ا. نال.

نعلبکی (naʔlbakī) - ا. نالبکی.

نغمه (naḡma) - تن ننا، غبر.

نفاق (nifaq) - ا. ف. اړغیرنه، نفاق.

نفر (nafar) - ا. سړی.

نفرت (nifrat) - ا. کرکه.

نفرین (nafrīn) - بنیرا.

نفس (nafas) - ا. سا.

نفع (nafʔ) - ا. گټه.

نفقہ (nafaqa) - ا. شومه، ارکانه.

نفیس (nafīs) - ص. گران، قیمتی.

نقاب (niqāb) - ا. مخپوتی، ادنی.

نقاد (naqād) - ص. کره کونکی.

نقاش (naqāš) - ص. کښیدگر،

نقاش.

نقب (naqb) - ا. ف. لغم، کندر.

نقره (nuqra) - ا. سپین زر.

نقش (naqs) - ا. ف. کښیده، موس.

نقطه (nuqta) - ا. ټکی.

نقل (به فتح ن) (naql) - ا. ف. لیردل.

نقل (به ضم ن) (nuql) - ا. نقل.

نکاح (nikāh) - ا. نکاح.

نکتایی (niktāyī) - ا. غارپتی.

نکو (niko) - ص. بنه.

نه (به فتح ن) (na) - ح. ن. نه (نفی).

نهادن (nihādan) - ا. ف.

اینبودل، اینبوول.

نہال (nihāl) - ا. نیالگی.

نہان (nihān) - ص. پت.

نہر (nahr) - ا. والہ، ویالہ.

نہی (nahī) - ا. ف. منہ کول،

ستول.

نی (nay) - ا. دروی، کرکی.

نیشکر (naysakar) - ا. م. گنی.

نی (ne) - ح. ن. یه، نه.

نیازمند (ni-yāzmand) -

ص. ار، کرباب.

نیرو (nīro) - ا. وس، سیک، زور.

نیرومند (nīromand) -

ص. غبستلی، پروند.

نیزه (nayza) - ا. سانگه، نیزه، بله.

نیست (nest) - ا. ص. بنشته، نسته.

نیک (nek) - ص. بنه.

نیک بخت (nekbaxt) - ص.

بخره ور، بخره من.

نیکو (nēko) - ص. بنه.

نیلوفر (nīlofar) - ا. چوده، دنده.

نیم (nīm) - ا. نیمه، نیمایی.

نیوش (niyoš) - ف. واوره.

نیوشنده (niosinda) - ا. ف.

ارویدونگی.

نو (naw) - ص. نوی.

نورس (nawras) - ص. خرندی.

نوا (nawā) - ا. غر.

نوازش (nawāziš) - ا. ف.

لوساینه، دلا ساینه.

نواسه (nawāsa) - ا. لمسی،

مسی.

نوبت (nubat) - ا. وار، رون.

نوت (not) - ا. نوپ، لوپ.

نوحه (nawha) - ا. سانده، انبول.

نورانی (nūrānī) - ص. روپ.

نوٹش (noš) - ا. ف. شومل، چنبیل.

نوشتن (niwīstan) - ا. ف. لیکل.

نوٹیدن (nošīdan) - ا. ف.

چنبیل، خکلا، شومل.

نوع (naw?) - ا. دوله.

نوگر (nokar) - ا. ص. دوربه،

چوپری.

نوگری (nokarī) - ص. ن.

چوپر، نوگری،

دوربه توب.

نول (nol) - ا. مینوکه، مشوکه،

تنگه.

نویسنده (nawīsinda) -

ا. ف. لیکونگی.

نه (به ضم ن) (na) - ا. نه (۹)

## و

واز کردن (wāzkardan)-

ا.ف. خلاصول،

وازول، پرانستیل.

واسوخت (wāsoxt)-ص.

سوختی.

واکنش (wākuniš)-ا.ف.

ترزپه نه برابر

غبرگون.

واماندن (wāmāndan)-

ا.ف. دریدل، تپ شوی.

وانمودن (wānamūdan)-

ا.ف. منوول چنودل.

واثق (wāsiq)-ا.ف. تینگ، کلک.

واجب (wājib)-ق.تل.

واجد (wājid)-ا.فا. میندونکی،

پیدا کوونکی.

واحہ (wāha)-ا.دامان، دامانه.

واخ (wāx)-ا.واای وای.

وابسته (wābasta)-ص.ترلی.

واپس (wāpas)-ا.ص.بیا.

واپسین (wāpasīn)-ص.

ورستی، دانلهو غه،

ایله کول.

وادادن (wādādan)-ا.ف.

خوشی کول،

خوشی پرینودل.

وارستن (wārastan)-ا.ف.

پیچیدل.

وادار کردن

(wādārکردان)-

ا.ف. اریستل.

وارسی (wārasī)-ا.ص.پلته.

وارسیدن (wārasīdan)-

ا.ف. پلتیل، رسیدل.

وازدن (wāzadan)-ص.

بیرته وهل،

بیرته ورکول.

وادی (wādī) - ا. ف. تنگی،  
 تری، کچ.  
 وارث (wāres) - ص. پاتہ وری،  
 وارث.  
 وارد (wārid) - ق. رسیدلی، راغلی.  
 وارہ (wāra) - پسوند. چم. وارہ.  
 واز (wāz) - ق. خلاص.  
 وازن (wāzan) - ا. ف. تلونکی.  
 واژگون (wāzgun) - ص. چپہ،  
 نسکور، اړولی.  
 واژہ (wāza) - ا. ف. کلمہ.  
 واسطہ (wāsita) - ق. منخی.  
 واسطہ (wāsita) - ص. مینځگری،  
 رگی، ریبار.  
 واسع (wāsi?) - ا. ا. ارت.  
 واسہ (wāsa) - ا. ف. شغکہ.  
 واصف (wāsif) - ا. ستایوونکی،  
 صفت کوونکی.  
 واصل (wāsil) - فا. رسیدلی.  
 واضیح (wāzeh) - ص. ببنکارہ،  
 روحانہ، روپ.  
 واضیع (wāze?) - ا. فا. اینوونکی،  
 اینودوونکی.  
 واعظ (wā?iz) - ا. فا.  
 پند ور کوونکی.  
 وافر (wāfir) - ص. ډیر، پریمان.

واقع (wāqi?) - ا. پښن شوی،  
 لویدلی.  
 واقعا (wāqi?an) - ق. پښتیا.  
 واقف (wāqif) - ا. خبر او پوه.  
 والا (wālā) - ص. لوړوالی.  
 والاشان (wālāšan) -  
 ص. لوړوالی.  
 والد (wālid) - ا. پلار.  
 والدہ (wālida) - ا. مور.  
 والدین (wālidayn) - ا. ج.  
 مور او پلار.  
 واله (wāla) - ص. غولوونکی اوبہ،  
 ډیرانو اوبہ.  
 واله (wāla) - ص. لیوال، الواک.  
 وام (wām) - ا. پور.  
 وامق (wāmiq) - ا. خوش لرونکی.  
 واویلا (wāwaylā) - ا. ویر،  
 غابلی.  
 واهب (wāhib) - ا. فا. بښوونکی،  
 بښوونکی.  
 واهمه (wāhima) - ص. ویر، ډار.  
 واهی (wāhī) - ص. چتی، خوشی.  
 وبال (wobāl) - ا. کراو.  
 وثوق (wosūq) - ا. وسا، ویسا.  
 وثیق (wasīq) - ص. ټینګ.

ورد (ward) - ۱. دکلاب گل.  
 ورد (wird) - ۱. ف. زمنه،  
 ذکر او دعاد قرآن.  
 ورزش (warziš) - ۱. مستی،  
 کړاو.  
 ورزو (warzo) - ۱. دیوی غویی.  
 ورزی (warzī) - ۱. بزگر.  
 ورزیدن (warzīdan) - ۱. ف.  
 تړاو کول، مستی کول.  
 ورس (wars) - ۱. ب. نته.  
 ورسن (warsan) - ۱. پری.  
 ورشان (warsān) - ۱. شنه کوتره.  
 ورشکست (warsikast) - ۱. ص.  
 دیوالی.  
 ورطه (warta) - ۱. ص. خار خوری،  
 زخم.  
 ورع (wara?) - ۱. ص. مونیتوب،  
 پالیالتوب.  
 ورنا (warnā) - ۱. زلمی، خلمی.  
 ورود (wurūd) - ۱. ف. رسیدل.  
 وریب (warīb) - ۱. ص. کور.  
 وز (wiz) - ۱. ص. لگیدونکی،  
 چلیدونکی.  
 وزرا (wozarā) - ۱. جم. وزیران.  
 وزیدن (wazīdan) - ۱. م. الوتل،  
 لگیدل.

وثیقه (wāsīqa) - ۱. لاسوندی،  
 وثیقه.  
 وجاهت (wajāhat) - ۱. ص.  
 بهایست. بېنا بېست  
 وجد (wajd) - ۱. ص. خوبنواله.  
 وجدان (weijdān) - ۱. مندل،  
 میندل.  
 وجود (Wujūd) - ۱. اشتوالی.  
 وجوه (wujoh) - ۱. جم. مخونه.  
 وجه (wajha) - ۱. مخ.  
 وحدانیت (wahdānīyat) -  
 ۱. ص. یو والی.  
 وحدت (wahdat) - ۱. ص.  
 یواخی والی، یووالی.  
 وحشت (wahšat) - ۱. ص. ډار.  
 وحش (wahš) - ۱. بهو، هدل.  
 وحید (wahīd) - ۱. بی ساری.  
 وخامت (waxāmat) - ۱. ص. زوک.  
 وخم (waxm) - ۱. ص. خنجار،  
 بد، گردان.  
 وخیم (waxīm) - ۱. ص. سخت  
 او خطرناک.  
 وداع (widā?) - ۱. ف.  
 خدای په امانی.  
 ودود (wodūd) - ۱. ص. ډیر دوست.  
 ورم (waram) - ۱. ص. پرسوب.



وزین (wazīn) - ص. دروند.

وسایل (wasāyel) - ا. جم.

وزی، وسیله.

وسط (wasat) - ا. منح، منیخ.

وسع (was?) - ص. ارتوالی،

پراخوالی.

وسق (wasq) - ا. ف. بارول،

راغوندهول.

وستا (wistā) - ص. ستاینه.

وسن (wosan) - ا. ککر.

وسناد (wasnād) - ص. پیوان.

وسواس (waswās) - ص.

سوداوی، خرخشی.

وسواسی (waswāsī) -

ص. سودائی.

وسوسه (waswasa) - ا.

سودا، خرخشه.

وسه (wasa) - ا. ډاگه، بیرکه، پاشتک.

وسيله (wasīla) - ا. وزله،

اسره، سبب.

وسیم (wasīm) - ا. ص. بنکلی،

بنايسته.

وش (waš) - ا. ف. مزک، لکه،

غوندی، خیر.

وشفنگ (wašfing) - ا. ف.

ورخاری.

وشن (wašan) - ا. ف. باران.

وصاف (wasāf) - ا. ف. ستایونکی.

وصال (wisāl) - ا. وصلونکی،

یوځای کونکی.

وصایا (wasyā) - ا. جم. زیرمی،

وصیتونه.

وصف (wasf) - ا. ستاینه.

وصلت (waslat) - ا. ف. خپلولی.

وصله (wasla) - ص. پیوند.

وصول (wosul) - ا. جم. رسیدل.

وصیف (wasīf) - ا. ف. ابلوخ،

کراخی، بوتکی، زنکی.

وضاحت (wazāhat) -

ا. ف. روڼ والی.

وضع (waz?) - ا. ایښودل،

ایښوول.

وضوح (wozoh) - ا. جم. روڼیدل،

روڼانیدل.

وضو (wozū) - ا. اودس.

وطن (watan) - ا. مینه، هیواد.

وطن پرور (watanparwar) -

ا. م. مینه پالونکی،

هیواد پالونکی.

وطندار (watandar) - ا. م.

هیواد وال.

وطواط (watwāt) - ۱. خکالکی،

شمپیرک.

وظیفه (wazīfa) - ۱. دنده، زمنه.

وعاظ (waʔāz) - ۱. جم.

پند ور کوونکی.

وعده (waʔda) - ۱. ژمنه، ژبه،

واده، ژبڼه.

وعظ (waʔz) - ۱. ف. نغوته، ورم.

وعید (waʔīd) - ص. ترینه.

وفات (wafāt) - ص. مړکیدل.

وفا (wafar) - ق. ډیر، پریمان.

وفق (wifq) - ۱. ف. سم، اسل.

وفور (wofūr) - ۱. پراوانی، ډیروالی.

وقاحت (wqāhat) - ص.

سپین سترگتوب.

وقاد (wiqād) - ص. روڼ، روښانه.

وقار (wiqār) - ۱. ف. درناوی.

وقایع (waqāy?) - ۱. جم. پېښی.

وقایه (wiqāya) - ۱. ساتنه، ژغورنه.

وقت (waqt) - ق. مهال، وخت.

وقف (waqf) - ۱. ف. نه‌ریدل، خم.

وقفه (waqfa) - ق. اتالند، خنډ،

ډیلتیا.

وقوع (waqo?) - ۱. ف. پښیدل،

پیدا کردن.

وقوف (wuqūf) - ص. پوه، دریدل.

وکالت (wikālat) - ۱.

وکیل کیدل.

ولایت (wilāyat) - ۱. مرسته کول، سپه‌

ولوله (walwala) - ص.

شور و غوغا.

وله (wala) - ص. کارجن،

غوسه ناک.

وند (wand) - ۱. لوبښی.

وهاب (wahāb) - ۱. ف. بخښاوو.

وهاج (wahāj) - ۱. خلیدونکی.

وهم (wahm) - ص. ډار.

ویدا (wīdā) - ص. لږ.

ویران (wayrān) - ص. ویران،

ویجاړ.

ویرانه (wayrāna) - ص. ویرانه،

کنډواله.

ویرگول (wergol) - ۱.

گدارنده، لیندکی.

ویژه (wiṣa) - ۱. ف. کره نکه.

ویلان (wilān) - ص. ترهور.

# ه

هـ (ha) - ا-د فارسی ژبی یو

دیرشم توری دی،

چی د(ها) په بڼه ویل

کیري. دغه د هوز

هاهم بولی. ابجدی

ارزښت یی (۵) دی.

ها (hā) - علامت استفهام د

خواب ویی (کلمه)،

بلی، هو.

ها (hā) - علامت جمع په فارسی

ژبه کی د جمعی

وروستاری یا

سوفکس دی لکه په

دی (کتابها) کی

(کتابونه)

ها (hā) امر. د امر کلمه ده،

واخله، ونیسه.

هائب (hā'ib) - ص. ویرونکی،

ډارن.

هائل (ha'il) - ص. فاهولنی،

ویروونکی، ډاروونکی،

هغه کار چی د انسان

لپاره ستونزمن وی.

هابط (hābit) - ا. ف. پریوتونکی،

کوزیدونکی،

ښکته کیدونکی.

هاتف (hātif) - ا. ف.

غږ کوونکی، هغه غږ

کوونکی چی غږی

واوریدل شی او خپله

ونه لیدل شی.

هاج (hāj) - ص. هیښ، حیران،

گیچ.

هاجر (hājir) - ا. ف. بیلوونکی،

لایق، بریالی، هر هغه څه

چی پخپله نوعه فضیلت

ولری.

هارون (hārūn) - ا. د موسی

(ع) ورور او د بنی  
اسرائیلو د یوه پیغمبر  
نوم. د قوم مشر،  
ساتونکی، استازی.

هاس (hās) - ا. «هراس» مخفف،

ویره، چار، بل،  
همدارنگه، همداشان.

هاضم (hāzim) - ا. فا.

هضموونکی، خورونکی،  
په کیده کی د غذا  
حل کوونکی.

هاکول (hākōl) - ا. د مرکو

دوا، د مرکو د وژنی  
دوا، مرگ موش.

هاگ (hak) - ا. (hak) - ا.

هگی، د چرگی هگی

هالک (hālik) - ا. فا. ست،

نیستیدونکی،  
تباه کیدونکی،  
ورک کوونکی،  
ډبروونکی.

هامال (hāmāl) - ا. ص.

ساری، بده، نظیر.

هاجره (hājira) - ا. فا.

د هاجر مونث.

هاجس (hājis) - ا. هغه څه

چی په زړه کی و

گرځی، جمع یی

هواجس ده.

هادم (hādīm) - ا. فا.

ورانوونکی، نروونکی،

ړنگوونکی.

هادی (hādī) - ا. فا. بومیا،

لار ښوونکی، رسمی

لاری ښوونکی.

هادیه (hādiya) - ا. فا. مونث،

د لاس لرگی، عصا.

هار (hār) - ا. غاړه کی، هار،

ملغلری، لعل، یاقوت او

نور چی په تار کی پییل

شوی وی.

هارب (hārib) - ا. فا. تنبیدونکی.

هارپ (hārp.harpi) -

ا. چنگ، د ساز یوه آله

ده چی (۴۶) تارونه لری

او په گوتو غږول

کیږی.

های های (hāy hāy)-۱.

صوت. د غمجنو شور  
او غالمغال.

های هوی (hāyhoy)-۱.

صوت. شور ماشور  
هیهی، چیغی پیغی.

هایب (hāyib)-ص. ډارن،

ویرندوکی. ډارن.

هایج (hāyij)-۱. ف. پاخوونکی،

لمسوونکی.

هبا (habā)-۱. گرز، گرد، دوره،

هغه براس چی له

خمکی پورته کیږی (۲)

کم عقله خلق.

هباک (habāk)-خپری،

خپری-ککری

هبدا (habad)-ماله.

هبدا (habd)-۱. منه غونبی،

د منه غونبی دانه.

هبوب (hubbūb)-۱. ف.

د باد لکیدل، باد الوتل،

باد چلیدل

هتک (hatk)-۱. ف. پرده خیرول،

بی پردی کول.

هامش (hāmīš)-۱. حاشیه،

د کتاب حاشیه،

د کتاب خنده.

هامون (hāmūn)-۱. دبنته،

بیابان، ډاگ،

میره، بیدیا.

هامه (hāma)-۱. مشر

سرغندوی، سرغنه،

د قوم مشر، کوپری،

د سر کاسه، کونگ،

یو ډول الوتونکی.

هامی (hāmī)-ص. ترهور،

خلبلاند.

هامیان (hāmyān)-۱.

همیانی، امیانی.

هاون (hāwan)-۱. اونگ،

و کلی، دشیانو دمیده کولو

لوبنی، چی له ارسپنی،

لرگی او یا تیرپی خنخه

جوړ شوی وی.

هاون دسته (hāwandasta)-

۱. مر. چومبی، لاستی.

های (hāy)-ح. ن. د خطاب

کلمه، وی، وای، آی، ای، هی.

هدینه (nādīna) - ا. زینه،

اندر پایه.

هذیان (hāzyān) - ا. ف. پرتی،

بیهوده خبری.

هرار (hurār) - ا. هغه درد او

پرسوب چی د اوبښ

د پوټکی او غوښی

تر منځ پیدا کیری

او پوټکی یی خرابوی،

د اسهال یا نسناستی

ناروغی.

هراس (hiraś) - ا. ف. ویره،

ډار، بیم.

هراسیدن (harāśīdan) -

ص. فا. ویریدل، ډاریدل.

هراش (harāś) - ا. قی، کالگی،

گر خون.

هراول (harāwūl) - ا. سر لانی،

مخ خرک، سرغنه.

هراینه (harāyna) - ق.

هرگوزه، که چیری.

هرثمه (harsama) - ا. زمري،

د سړی نوم.

هرج (harj) - ا. ف. پتنه، اشوب،

هرج و مرج، گلهوډی.

هرد (hurd) - کور کمن.

هجده (hajda) - ا. هغه عدد

چی د اوولسو او

نونسو تر منځ دی،

اتلس.

هجر (hijr) - ا. ف. بيلتون، جدائی.

هجران (hijrān) - ا. ف.

جدائی، بيلتون.

هجو (hajwa) - ا. ف. غندنه،

غندل، د چابد ویل.

هجوم (hajūm) - ا. ف. يرغل،

حمله.

هدی (سر) (hadā) - ا. ف.

لار ښوونه، رهنمائی.

هدایت (hidāyat) - ا. ف.

لار ښوونه.

هدر (hadar) - ا. ف. بابیزه،

ضایع کیدل، باطلیدل.

هدف (hadaf) - ا. نښه،

د توپک نښه.

هدم (hadm) - ا. ف. وړانول،

ړنگول، نړول.

هدهد (hudhud) - چرکک،

ملا چرکک، کک پتوتنی.

هدیه (hadya) - ا. تحفه،

خونی، سوغات.

هرز، هرزه (harz.harza)-

ص. اپلتي، بیکاره.

هرگز (hargiz)- ق. له سره،

هیڅکله، سپینه، کودت.

هرم (haram)- ص. ډیر زور

شوی، زور.

هرم (hiram)- ا. د هندسی په

اصطلاح، مخروطی

شکله جسم چی

قاعده یی مثلث،

مربع یا کسیر

الاضلاع وی.

هرم (hurm)- ا. داور توده والی.

هرماس (harmās)- ا. زمري،

مزري.

هرماس (hurmas)- ا. ديب،

شیطان.

هرمز، هرْمَز (hurmuz)-

ا. د پنجشېبی ورځ،

د زیارت ورځ،

د مشتری ستوری.

هرهفت (harhaft)- ا. سنگار،

د بنڅو د سینگار

سامان او لوازم.

هری (hirī)- ا. هرات،

د هرات ښار.

هریره (hurayra)- ا.

وړوکی پیشو، ښکونډی.

هزار (hazār)- ا. لس سلگون،

زر، یو زر.

هزار پا (hazārpā)- ا. زنځه.

هزار تابه (hazārtāba)-

ا. م. لمر.

هزار داستان (hazārdastān)-

ا. م. بلبله، چونی.

هزاک (hazāk)- ناپوه، نادان.

هزال (hazāl)- ص. ډنگر توب،

خوار توب.

هزال (hazāl)- ډیر شوخ.

هزبر (hu(z)bir)- ا.

زمري، مزري.

هزل (hazl)- ا. ف. وشتی ټوکی.

هزم (hazm)- ا. ف. ماتی، د

دښمن ما تول.

هزمان (hazmān)- ق. د هر

زمان مخفف.

هزیل (hazīl)- ص. ډنگر، خوار.

هزیمت (hazīmat)- ا. ف.

ماتی، ماتی خوړل،

تښتیدل.

هلله (halhala) - ا. ف. شور

ماشور، هاها.

همپا (hampā) - ملگری.

همپياله (hampyāla) - ا.

ص. همسنگ، انډيوال.

همتا (hamtā) - ص. ساری، بله.

همخواب.

همخوابه (hamxwāba) -

ص. اورته، ارتينه،

چی می نشته همخوابه

بنکلی په خواکی

نه دی کور په حقیقت

خی گور دی

(حمید مومند).

همدرد (hamdard) -

خواخوږی، زړه

خوږی.

همدردی (hamdardī) -

خواخوږی، زړه خوږی،

زړه سواندی.

همدم (hamdam) - ص.

همدم ملگری.

همراه (hamrah) - ص. مل،

ملگری.

همراهی (hamrahī) - ص.

ملگری، ملتیا، ملگری توب.

هسته (hasta) - ا. خسته،

د منخ دانه لکه د

زردالو، شفتالو

هوش مند (hušmand) -

هونبیار، په سد.

هشیم (hašīm) - ا. ف. ماتول،

وړوکی کول.

هفت (haft) - ا. اووه، د شپږواو

اتو تر منخ عدد.

هفت آبا (haftābā) - ا. م.

د بوډی-تال، کنایه

له اوو آسمانو نو یا

اووه گونی ستوری.

هفته (hata) - ا. اووه نی (اونی).

هفتاد (haftād) - ا. اويا، د نهه

شپيته او يو او يا تر

منخ عدد.

هکتار (hiktār) - ا. لس زره

متره.

هکھک (hikhik) - ا. د ژړا

هغه غږ چی په

ستونی کی بندیری

سونگت.

هلاکت (halakat) - ا. ف.

مړينه، مرگی.

هلال (hilāl) - ا. میاشت.



هنگامه (hangāma) - ا.  
 انگازه، مشوره،  
 وخت، مهال.  
 هنوز (hanoz) - ق. تر اوسه،  
 تردی دمه.  
 هوا پيما (hawāpaymā) -  
 ا. م. الوتکه.  
 هودج (hawdaj) - ا. امبالی،  
 کجاوه، پالکی.  
 هود (hūd) - ا. يهود، يهودان،  
 دیوه پیغمبر نوم.  
 هوده (huda) - ا. ص. سود،  
 کتبه، فایده.  
 هور (hūr) - ا. لمر، بخت او طالع.  
 هوش (hoš) - ا. عقل.  
 هوشمند (hosmand) -  
 ص. هوشیار، زیرک.  
 هویت (hoyat) - ا. بڼه، خیره،  
 پیژندنه.  
 هویدا (huwayda) - ص.  
 ښکاره، څرکند.  
 هیاج (hiyaj) - ا. ف. پاریدل،  
 جگره کول، نښته.  
 هیچ (hec) - ص. هیخ.  
 هیزم (hizum) - ا. خس، بوتی.

همزاد (hamzād) - ص.  
 همزولی، غبرگونی.  
 همسال (hamsāl) - ص.  
 همزولی، دوه کسه  
 چی عمر ئی برابر وی.  
 همسایه (hamsāya) - ص.  
 گاوندی.  
 همسایه گی (hamsāyagī) -  
 ص. گاوندیتوب.  
 همشیره (hamšera) - ا. خور.  
 همشیره زاده (hamšerāzada) -  
 ا. خوری، د خور زوی.  
 همگام (hamgam) - ص.  
 مل. ملگری.  
 همگان (hamagān) - جم.  
 واره، ټول، گرد.  
 همیشه (hamesā) - ق. تل،  
 هرکله.  
 همین (hamīn) - ق. دغه، دا.  
 همینطور (hamīntawr) -  
 ق. همدغسی، همداسی،  
 په همدی توگه.  
 هنجار (hanjār) - ا. دود، لار.  
 هنگام (hangām) - مهال،  
 وخت.

هيزمکش (hizumkaš) -

۱. ص. خسيه.

هیکل (haykal) - بڼه، صورت،

خواکمن سړی.

هیلا (haylā) - ۱. بابنه،

یو ښکاری مرغه دی.

هيمه (hema) - ۱. خس، دونواو

اغزیو وچ ښاخونه او

چوپر کی د سوزولو

وړوی.

هيون (hayūn) - ۱. تيز اوښ،

خوب اوښ،

چاغ اوښ.

# ی

یادرفتن (yādraftan) -

ا.ف. هیریدل،

له یاده وتل.

یاد کردن (yādkardan) -

ف. په زړه کول،

په یادول .

یادگار (yādgār) -

ا. خلی، نښه.

یار (yār) -

ا. ص. مل، ملگری،

یار، مرستندوی.

یارا (yāra) -

ا. ف. وس، نیرو، خواک.

نیرو، خواک.

یارستن (yārastan) -

ا. ف.

له عهدی وتل،

له باره وتل،

له وسه کیدل.

یارغو (yārgū) -

ا. ف. پوښتنه.

یارمنخچی (yārmāxčī) -

شاغوتی، یامخچه،

یارمنخچی، یوډول

وړوکی مرغی ده.

ی (ya) - د فارسی الفبی

دودیرشم توری دی

چی د (یا) بڼه ویل کیږی

ددی توری ابجدی

حساب او ارزښت ئی

(۱۰) دی

یا (yā) - ربط دربط توری دی

چی په پښتو او فارسی

> و اړوژبوکی کارول

کیږی.

یا (yā) - ندای.

یاب (yāb) -

ص. چتی، بی گتی،

بی ارزښته.

یابو (yābū) -

ا. یابو، هغه آس

چی اصیل نه وی.

یابیدن (yābīdan) -

ا. ف.

موندل، میندل.

یاد (yād) -

ا. په زړه، په یاد.

یاد دادن (yāddādan) -

ا. ف.

ورپه زړه کول،

ورپه یادول.

یاوه (yāwa) - ا. ص. اپلتي، پرتي،  
بی سنجشه په خپل  
سر خبری.

یا جوج و ما جوج  
(yājūjomājūj) -

ا. افسانوی موجود،

لندی، تپت قدی،

دمغولویوه طایفه.

یاس «به فتح یا» (ya?s) - ص. ناهیلی.

یب (yab) - ا. غشی.

یباب (yabāb) - ص. شاره، وړانه.

یبس (yubs) - ا. ف. وچیدل،

وچوالی.

یبوست (yubost) - ا. وچوالی،

دلنده بل ضد.

یتیم (yatīm) - ص. پلار مړی،

یتیم.

یثرب (yasrb) - ا. دمدینی

منوری پخوانی نوم

د حضرت محمد

«صلی الله علیه وسلم»

د هجرت نه د مخه.

یخمالک (yaxmālak) -

ا. ف. بنویندی،

بنویانک.

یخن (yaxan) - ا. غاره، گروه.

ید (yad) - ا. لاس.

یاری (yārī) - ا. ف. مرسته، دوستی.

یازنه (yāzna) - ا. اخنسی، اوښی،

دخورمیره.

یاغی (yāgī) - ص. سراخیستونکی،

سرغراند، سرغراند، یاغی.

یافتن (yāftan) - ا. ف. میندل،

موندل، ترلاسه کول.

یافه (yāfa) - ص. بی معنی،

یاوه، پریشانه،

ورک شوی.

یاقوت (yāqūt) - ا. یاقوت،

یوډول قیمتی ډبره

چی له کانونو څخه

لاس ته راځی.

یال (yāl) - ا. ورږ، دآس دغړی

جگ ویننان.

یالمند (yālmand) - ص. دعیالمند

مخفف، هغه سړی چی

بنځه او ماشومان لری.

یاله (yāla) - وگ، یالغ.

یان (yān) - ا. ص. پرتی، اپلتي،

هغه کلمی چی له

ارادی پرته خولی ته

راځی.

یاور (yāwar) - ا. ف. مرستیال،

مرستندوی.

یراق (yirāq) - ۱. وسله، لکه توره، توپک اونور.  
 یرقان (yaraqān) - ۱. زیری.  
 یزدان (yazdān) - ۱. خدای، خښتن.  
 یزک (yazak) - ۱. دلښکر، مخکښ، سرلان.  
 یسار (yisār) - ۱. کین لاس، کین اړخ، کین.  
 یسال (yasāl) - ۱. لین، لیکه.  
 یسر (yusr) - ۱. اسانتیا، اسانی.  
 یشت (yašt) - ۱. پرستش، پالنه، نمانځنه، عذرو زاری، داوستا، د کتاب یوه برخه.  
 یشک (yašk) - ۱. غاښ، داری، د دارونکو ژویو تیره غاښ.  
 یعسوب (ya?sub) - ۱. دشاتو، مچی، دمچیو پاچایامیر.  
 یعفرور (ya?fūr) - ۱. کبلی.  
 یغلا (yaġlā) - ۱. ار کاره، ار کاری.  
 یغما (yaġmā) - ۱. تالا، لوټ، په ترکستان کی دیوی قبیلی نوم.  
 یغماگر (yaġmāgar) - ص. ن. لوټوونکی، لوټمار.  
 یغظة (yaġzat) - ۱. وینوالی.

یقین (yaqīn) - ۱. باور، یقین.  
 یک (yak) - یو، هغه عددچی له هغه وروسته ددوه عدد دی.  
 یکایک (yakāyak) - ق. یویو، یوپه بل پسی.  
 یکباره (yakbāra) - ص. ناخپه، له یوی مخی.  
 یکتا (yaktā) - ص. یواځی، یو، بی جوړی.  
 یک به یک (yakbayak) - ق. ټک اوپتری، ټک له ټکه.  
 یک تنه (yaktana) - ص. یکی یواځی.  
 یکجا (yakjā) - ص. همه گي، غونډه.  
 یکدانه (yakdāna) - ص. بی ساری، بی جوړی، بی مثله.  
 یکدست (yakdast) - ص. دچاچی یولاس نه وی، چونتی یولاس، دارجل ضد.  
 یکدل (yakdil) - ص. یوزره.  
 یکدیگر (yakdīgar) - ۱. یوله بله.

۱۸۸

یو اش (yawāš) - ق. ص. ورو،

سوکه.

یورش (yoriš) - ا. حمله، یرغل.

یوز (yūz) - ا. لټونه، تپوس.

یوزک (yūzak) - ا. م. بنکاری

سپی، دبنکار سپی،

په خاورو کی رغړیدل.

یوزیدن (yūzīdan) - ا. ف.

غور خیدل، غور څنگ

خیز کی وهل.

یوغ (yog) - ا. جم، خغ، هغه تراش

شوی لرگی چی د

غویانو پر غاړه بی ږدی.

یوم (yawm) - ا. ورځ.

یوم التناد (yawmutanād) -

ا. م. لویه ورځ.

یوم الحساب (yawmulhisāb) -

ا. م. دقیامت ورځ.

یوم الحشر (yawmulhašir) -

ا. م. دپاخون یا

پاخیدو ورځ.

یهود (yahūd) - ا. بنی اسرائیل.

یک رنگ (yakrang) - ص.

رښتینی، کوم شیان چی

په یوه رنگ وی.

یک رنگی (hakrang) -

ص. صداقت، رښتینو لی.

یک زبان (yakzabān) -

ص. همغږی، متفق،

سره یو لاس.

یکشنبه (yaksanba) - ا.

داونی ددو همی ورځی

نوم، دوه نی.

یک لا (yaklá) - ص. یوقات،

یوستوی.

یک مشت (yakmušt) - ص.

یوموتی، په یوه

اتفاق، په یوه زړه.

یک ونیم (yakunīm) - ا. م.

یونیم، ځینی.

یکه تاز (yakataz) - ص.

بنی سپور، وتلی سپور،

بی ساری سپور.

یم (yam) - ا. سیند، سین.

یمام (yamām) - ا. شنه کوتره،

سارانی کوتره،

یمین (yamīn) - ا. بنی، بنی لاس،

بنی خوا.



Dari-Paṣto

Short

Dictionary

Academy of Sciences

Of Afghanistan

Institute of the

language of Dari

2006

چاپ مطبعه آزادی

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**